



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

۱

roshdmag.ir

رشد



ISSN: 1806-9099

فناوری آموزش

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانشجومعلمین و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش. دوره سی و هشتم. مهر ماه ۱۴۰۱. شماره پیاپی ۳۰۵. ۴۸ صفحه.



پرونده ویژه

تربیت یکپارچه

◀ مهر پرچالش
◀ سنجش منصفانه

◀ پاتوق‌های مجازی
◀ فناوری روی دور تند

تجزیه و تحلیل

اگر جریان تحریف شکست بخورد جریان تحریم هم شکست خواهد خورد.

عزیزها
۹۹۷۵۶۱۰
بدرتقاسم

جماہورین
فریضہ وقت

امروز یک سیاست قطعی رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی و معاند اسلام این است که واقعیت‌ها را تحریف کنند و مشغول‌اند؛ دائم دارند کار تحویل می‌دهند در تحریف واقعیت‌ها و دروغ‌پردازی، خبرهای مربوط به جمهوری اسلامی را با انواع و اقسام دروغ‌ها مَشوب می‌کنند و آمیخته می‌کنند... در مورد انقلاب، هر چه می‌توانند، چهره انقلاب را، چهره امام را، فعالیت‌های این چهل سال را، مخدوش می‌کنند. تا آنجایی که از عهده‌شان بر می‌آید، سعی می‌کنند این را مخدوش کنند... به همین جهت است که «جهاد تبیین» یک فریضه است. «جهاد تبیین» یک فریضه قطعی و یک فریضه فوری است و هر کسی که می‌تواند [باید اقدام کند].

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش

۱۴۰۰/۱۱/۱۹

عزیزها



نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، شماره ۲۷۰

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۷

وبگاه: www.roshdmag.ir

fanavari@roshdmag.ir

تلفن دفتر مجله: ۰۹۸۸۴۹۰۹۸

چاپ و توزیع: شرکت افست

تلفن امور مشترکین: ۰۲۱ ۷۷۶۳۳۲۰۸

صندوق پستی امور مشترکین:

۱۵۸۷۵/۳۳۳۱

مدیر مسئول: محمد صالح مذنبی

سردبیر: دکتر مهدی واحدی

مشاور سردبیر: دکتر سمیه مهتدی

مدیر داخلی: شیوا پورمحمد

شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی:

دکتر لیلا سلیقه‌دار

حسین غفاری

صلاح اسمعیلی گوجار

مریم فلاحی

سارا بنی‌عامریان

آذر خزائی

ام‌لیلا صمدی

دبیر عکس: اعظم لاریجانی

ویراستار: کبری محمودی

مدیر هنری: کوروش پارسا نژاد

طراح گرافیک: سعید دین‌پناه

فناوری آموزشی

رشد

ماهانامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان، دانش‌جو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش. دوره سی و هشتم. مهر ماه ۱۴۰۱. شماره پیدری ۳۰۵. ۴۸ صفحه.



بایگانی مجلات



نمون برگ اشتراک

۲ | یادداشت سردبیر | مهر پر چالش | مهدی واحدی

۴ | مبانی فناوری آموزشی | یادگیری را فعال کنیم | سارا بنی‌عامریان

۷ | طراحی و تولید منابع یادگیری | مسئله‌های درآمدزا | رقیه سلیقه‌دار

۱۰ | کاربرد فناوری آموزشی | پاتوق‌های مجازی | مریم فلاحی

۱۲ | تربیت رسانه‌ای | بازی، بازی نیست! | محسن رزاقی

۱۵ | سنجش و ارزشیابی | سنجش منصفانه | فاطمه محمدی

۱۷ | پرونده ویژه | تربیت یکپارچه

۳۷ | تجربه‌های جهانی | شهرهای بدون مرز کودکان | آذر خزائی

۴۱ | کاربرد فناوری آموزشی | آشنایی با نرم‌افزار Zoom | مریم فلاحی، اسماعیل زارعی زوارکی

۴۴ | تربیت رسانه‌ای | فناوری روی دور تند! | صدرا فیروزمند

۴۸ | تربیت رسانه‌ای | روایت تفکر، فرهنگ و تمدن؛ از آغاز تا کنون | حسین غفاری



زندگی سرشار از مسئله‌های گوناگون است. اگر درست بینیم، هر لحظه در حال حل مسئله هستیم و اگر شیوه مناسب را بشناسیم و در عین حال مهارت لازم را به دست آورده باشیم، می‌توانیم ...

۷



محیط‌های یادگیری مجازی که به شبکه جهانی متصل شده‌اند، به معلم و یادگیرندگان امکان می‌دهند اجتماعات یادگیری خاص خود را تشکیل دهند، در نتیجه این روابط، فضاهای متحول شده الکترونیکی را به وجود می‌آورند ...

۱۰



سنجشی منصفانه است که در آن به دانش‌آموزان فرصت‌های عادلانه داده می‌شود تا آنچه را می‌دانند نشان دهند. آیا سنجش منصفانه بدان معناست که باید با همه دانش‌آموزان دقیقاً یکسان رفتار شود؟ خیر! ...

۱۵



تدریس درس سواد رسانه‌ای سهل و ممتنع است! سهل است چون در اساس کلاسی که پر از فیلم و تصویر و اسلاید باشد و قصد داشته باشد درباره تیزهای روز و واقعی بچه‌ها صحبت کند خود به خود برایشان جذاب است. اما ...

۴۴

راهنمای نویسندگان

مقاله‌های مرتبط با فناوری آموزشی یا تجربه‌های آموزشی زیسته خود را که تاکنون در جای دیگری چاپ نشده‌اند، می‌توانید برای ما ارسال کنید. برای این کار لازم است:

● مقاله با نثر روان و رعایت دستور زبان فارسی نوشته و حروف نگاری شده باشد.

● از ۲۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

● منابع مورد استفاده در مقاله ذکر شده باشند.

● در صورتی که مقاله ترجمه است، متن اصلی همراه ترجمه ارسال شود.

آرای مندرج در مقاله‌ها ضرورتاً مبین نظر دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با خود نویسندگان و مترجم است.

تولید انبوه وسایل و مواد کمک‌آموزشی معرفی شده در این مجله، با اجازه کتبی صاحب اثر بلامانع است.

قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال

خانواده مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم جامعه تربیتی کشور باشد و همه مخاطبان در میهن عزیز اسلامی‌مان امکان تهیه آن را داشته باشند.

مهر پرچالش

– دقت در برنامه‌ریزی آموزشی، طراحی درس‌ها و برنامه‌ریزی درسی مناسب برای جبران عقب‌ماندگی‌های درسی، آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان، طبعاً با پیگیری مداوم برنامه‌های درسی دوره تحصیلی دانش‌آموز، این عقب‌افتادگی‌ها جبران نخواهند شد. لاجرم باید بخشی از برنامه درسی و تدریس معلمان به مفاهیم و محتوای دو سال گذشته معطوف باشد؛ به‌خصوص در مفاهیم و مضمون‌هایی که جنبه بنیادین و پیش‌نیاز فهم مطالب جدید را دارند.

– برنامه‌ریزی و تلاش برای اصلاح کژخلقی‌های آموزشی ایجاد شده در یادگیرندگان، در کنار صبوری و تحمل بیشتر معلمان و سایر اولیای مدرسه.

– مدیریت استفاده از ابزارهای فناورانه در کلاس و مدرسه، طبیعی است با وضعیت پیش‌آمده ایجاد ممنوعیت مطلق در همراه داشتن تلفن همراه و استفاده از آن برای دانش‌آموزان، به‌خصوص دانش‌آموزان دوره متوسطه، نه شدنی است و نه به مصلحت و نه مطابق رویکردهای جدید آموزشی، اما حتماً ایجاد آزادی مطلق در همراه داشتن و استفاده از آن آسیب‌های زیادی را متوجه کلاس درس و جریان آموزشی خواهد کرد. لذا داشتن یک برنامه دقیق در مورد چند و چون استفاده از این ابزار در مدرسه و کلاس بسیار مهم و ضروری است.

– تلاش مضاعف برای آموزش انضباط مدرسه‌ای و قواعد زیستی آن. البته انضباط مدرسه‌ای در گذشته آسیب‌ها و ناکارآمدی‌هایی همچون افراط در برقراری نظم سخت‌گیرانه در مدرسه را داشت که باید تعدیل شود و معنای جدید و صحیحی از آن جایگزین شود.

سال تحصیلی جدید در حالی آغاز می‌شود که قریب به دو سال، به دلیل شیوع ویروس کرونا، مدرسه‌ها امور آموزشی و پرورشی خود را به شکل غیرحضور و مجازی سپری کردند. این دو سال تجربه‌های فراوانی اندوخته شد و البته نظام‌های آموزشی دچار آسیب‌هایی شدند و رهاوردهایی نیز داشتند. از جمله آسیب‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: عقب‌افتادگی درسی و تحصیلی دانش‌آموزان؛ تغییر ذائقه تحصیلی و ایجاد عادت‌های بدیع آموزشی میان یادگیرندگان؛ استفاده مفرد و بدون برنامه از ابزارهای فناورانه و اینترنت؛ دورماندن دانش‌آموزان از قواعد زیست مدرسه‌ای (به‌خصوص دانش‌آموزان جدیدالورود به دوره ابتدایی)؛ تضعیف مهارت‌های ارتباطی در دنیای غیرمجازی؛ سستی و تنبلی بدنی و فیزیکی و حتی ذهنی دانش‌آموزان؛ کاهش قدرت تمرکز و صبوری آموزشی در میان یادگیرندگان به دلیل تأثیرات ذات فناوری‌های نوین؛ شناخت کمتر معلمان از دانش‌آموزان خود.

البته در این میان دستاوردهایی نیز عیان شدند، از جمله: توسعه مهارت‌های فناورانه دانش‌آموزان و معلمان در حیطه‌های گوناگون؛ ایجاد و افزایش مهارت‌های خودمدیریتی و استقلال نسبی یادگیرندگان؛ نقش آفرینی بیشتر خانواده‌ها در امور تحصیلی فرزندان و فرصت‌هایی که مدرسه‌ها برای رفع مشکلات زیرساختی و تأمین امکانات لازم در اختیار داشتند.

اکنون با بازگشایی حضوری مدرسه‌ها در مهر ۱۴۰۱، آنچه مهم است، شناسایی و ایجاد توانایی در رفع مشکلات و آسیب‌هایی است که به برخی از آن‌ها اشاره شد. بر همین اساس، در ادامه این نوشتار راهبردها و راهکارهایی در قالب توصیه‌های کارشناسی، برای مواجهه با شرایط جدید ارائه می‌شوند:



طبیعی است در کنار موارد گفته شده می‌توان توصیه‌های بیشتری نیز ارائه کرد، اما به نظر می‌رسد خود معلمان بهترین افرادی هستند که می‌توانند با دقت نظر در تجربه دو سال اخیر، آسیب‌شناسی دقیقی صورت دهند و با هم‌فکری و مشورت با یکدیگر، راهکارها و برنامه‌های مؤثری برای حل مشکلات ارائه کنند و در پیش بگیرند.

مجله رشد فناوری آموزشی نیز در دوره جدید تلاش خواهد کرد با پرداختن به موضوعات جدید و مبتلابه معلمان و اولیای مدرسه، در مسیر دشوار پیش رو کمک‌رسان این عزیزان باشد. در این دوره، در هر شماره یک پرونده ویژه تدارک دیده شده است که به‌صورت متمرکز روی یک موضوع مورد نیاز نظام آموزشی کشور تولید محتوا خواهد کرد. در شماره اول موضوع «ساخت‌های تعلیم و تربیت» که براساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با وجود داشتن عنوان‌های گوناگون و متنکز، دارای یک وحدت و هم‌سویی برای تحقق تربیت جامع و کامل هستند، بررسی شده است.

به رسم یادداشت‌های مهر هر سال، در این نوشتار نیز از کلیه معلمان، کارشناسان، صاحب‌نظران و دانشجویان علاقه‌مند به حوزه فناوری آموزشی دعوت می‌شود با ارسال مطالب و یادداشت‌های علمی خود بر اساس چارچوب محتوایی این مجله، ما را در انتشار و تولید مجله‌ای با کیفیت‌تر یاری‌رسانند.

روزهای ابتدایی مهرماه امسال مصادف با رحلت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) و شهادت حضرت امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع) و میانه این ماه مصادف با شهادت امام حسن عسکری (ع) می‌باشد، ضمن عرض تسلیت از ساحت نورانی ائمه هدی (علیهم صلوات الله) در ابتدای مسیر سال تحصیلی جاری و در شروع انتشار این مجله در دوره سی و هشتم استعانت جسته و امیدواریم تمامی خوانندگان محترم مورد عنایات دائم حضرت ولی عصر ارواحنا فداه باشند.

– اهتمام در آموزش مهارت‌های ارتباطی به دانش‌آموزان براساس مختصات و ویژگی‌های دنیای واقعی (غیرمجازی). بسط ارتباط‌های مجازی در دو سال اخیر در مهارت‌های ارتباطی دنیای واقعی دانش‌آموزان نقصانی ایجاد کرده است و جبران نکردن آن ممکن است هم‌اکنون در مدرسه و زیست اجتماعی آینده‌یادگیرندگان تأثیر منفی داشته باشد.

– توجه جدی به درس‌ها و موضوعاتی که در دوران آموزش‌های مجازی بیشتر آسیب دیدند. از جمله این درس‌ها «تربیت بدنی، هنر، تفکر و پژوهش، کار و فناوری و انشا و نگارش» هستند.

– برنامه‌ریزی برای ایجاد دانش و مهارت در دانش‌آموزان در زمینه ایجاد تعادل در مصرف رسانه‌ای برای اصلاح عادت‌ها و رفتارهای آسیب‌رسان برآمده از بدمصرفی و پرمصرفی دوران کرونایی.

– برقراری ارتباطات وسیع‌تر و نزدیک‌تر معلمان با دانش‌آموزان در قالب‌های متنوع و غیررسمی و فوق برنامه برای ایجاد شناخت بیشتر میان ایشان، به‌خصوص در دانش‌آموزان دوره ابتدایی.

– محوریت‌یافتن و فعال شدن جدی مشاوران مدرسه‌ها برای شناسایی و رفع آسیب‌های روان‌شناختی میان دانش‌آموزان.

– تقویت مهارت‌های مفید و مثمر ثمر فناورانه ایجادشده در دانش‌آموزان، به‌خصوص از طریق خلق و ارائه تکالیف یادگیری و کارهای عملی مبتنی بر فناوری به‌صورت کارهای تولیدی.

– اصلاح و تقویت توانایی‌های خودمدیریتی ایجادشده در یادگیرندگان، در عین مراقبت از ایجاد اعتماد به نفس کاذب یا خودبتریبینی.

– نگهداشت و تقویت نقش مؤثر خانواده‌ها در فرایند تحصیلی دانش‌آموزان، با تقویت انجمن‌های اولیا و مربیان و تشکیل گروه‌های والدین برای کمک به انجام امور مدرسه‌ها، به‌خصوص در حوزه‌های تربیتی و فرهنگی.

یادگیری را فعال کنیم

نگاهی به چگونگی فعال سازی یادگیرندگان در فرایند آموزش



عکاس: اعظم لاریجانی

امروزه با تغییرات مداوم دانش در بازه‌های زمانی کوتاه، دانش‌آموزان باید یادگیرندگانی مادام‌العمر تربیت شوند. این شرایط با ارائه آموزش‌های صحیح و همکاری دانش‌آموزان امکان‌پذیر است. درک روزافزونی وجود دارد که دانش‌آموزان برای یادگیری در یک محیط در حال تغییر به انجام کارهایی بیشتر از گوش دادن نیاز دارند. آن‌ها نیاز دارند چگونگی مدیریت انجام فعالیت‌ها را فراگیرند. یادگیری فعال عنصری کلیدی در فرایند یادگیری است و بیشتر شیوه‌ها و سبک‌های یادگیری آن را مؤلفه‌ای حیاتی می‌بینند (مانتیلا، ۱۹۹۹). پاولسون و فاوست (۲۰۱۰) به یادگیری فعال به‌عنوان هر کاری که دانش‌آموزان در کلاس درس انجام می‌دهند، به غیر از گوش دادن منفعلانه به سخنرانی معلم، اشاره می‌کنند.

اشاره

یادگیری فعال رویکردی است که در آن دانش‌آموزان با ایجاد دانش و درک در فرایند یادگیری شرکت می‌کنند. در مدرسه‌ها معمولاً این کار را در پاسخ به فرصت‌های یادگیری طراحی شده توسط معلم خود انجام می‌دهند. در این رویکرد، یادگیرنده باید به‌طور فعال در جریان آموزش درگیر شود تا یادگیری مؤثر صورت گیرد. یادگیری فعال آموزش را اثربخش می‌کند و انگیزه را در دانش‌آموزان افزایش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: یادگیری فعال، یادگیری، درگیری

نظریه‌های یادگیری فعال

یکی از نظریه‌های پشتیبان یادگیری نظریه سازنده‌گرایی است. این نظریه بر این نکته تأکید دارد که افراد از طریق ایجاد دانش و پیوند ایده‌ها و تجربه‌های جدید به دانش و تجربه‌های موجود یاد می‌گیرند (برانسفورد و همکاران، ۱۹۹۹). این نظریه که **پیاژه** و دیگران آن را توسعه داده‌اند، بیان می‌کند که یادگیرندگان می‌توانند اطلاعات جدید را در چارچوب موجود جذب کنند یا می‌توانند آن چارچوب را تغییر دهند تا اطلاعات جدیدی را که با درک قبلی در تضادند، در خود جای دهند. رویکردهایی که یادگیری فعال را ترویج می‌کنند، غالباً به‌طور صریح از دانش‌آموزان می‌خواهند بین اطلاعات جدید و مدل‌های ذهنی فعلی خود ارتباط برقرار کنند و درک خود را گسترش دهند.

در موارد دیگر، معلمان ممکن است نوعی از فعالیت‌های یادگیری را طراحی کنند که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهند با برداشتهای نادرست خود روبه‌رو شوند تا بتوانند نمونه‌های ذهنی خود را بر اساس درک دقیق‌تر بازسازی کنند. رویکردهایی که از یادگیری فعال پشتیبانی می‌کنند، نوعی کار شناختی را ترویج می‌کنند که نظریه یادگیری برای یادگیری آن را ضروری می‌داند. رویکردهای یادگیری فعال غالباً استفاده از گروه‌های یادگیری مشارکتی را در بر می‌گیرد و می‌تواند رویه‌ای مبتنی بر سازنده‌گرایی اجتماعی داشته باشد که بر سهم تعامل اجتماعی تأکید ویژه‌ای دارد. ویگوتسکی رابطه بین فرایندهای شناختی و فعالیت‌های اجتماعی را این‌گونه بیان می‌کند: یادگیری زمانی اتفاق می‌افتد که دانش‌آموزان مسائلی را فراتر از سطح رشد فعلی خود، با حمایت مربی یا هم‌سالان خود حل کنند (ویگوتسکی، ۱۹۷۸). بنابراین، رویکردهای یادگیری فعال که بر کار گروهی متکی هستند، بر این شاخه اجتماعی-فرهنگی نظریه یادگیری سازنده‌گرایی تکیه و از تعامل هم‌سالان برای ارتقای توسعه نمونه‌ها و سبک‌های ذهنی گسترده و دقیق دانش‌آموزان استفاده می‌کنند.

اجرای یادگیری فعال در سطح مدرسه

● توسعه حرفه‌ای را در یادگیری فعال در اولویت قرار دهید. معلمان را تشویق کنید با هم کار کنند و تجربه‌های خود را به اشتراک بگذارند. این شرایط یادگیری فعال را توسعه می‌دهد. همچنین، مهم است که معلمان دانش موضوعی و دانش محتوای آموزشی خود را متناسب با گروه (های) سنی که تدریس می‌کنند، به‌روز کنند (کو و همکاران، ۲۰۱۴؛ روو و همکاران، ۲۰۱۲).

راهکار ۱/۶. گسترش و تنوع دادن به حرفه‌ها و مهارت‌های مورد نیاز جامعه و تعلیم متناسب و برنامه‌ریزی شده آن در همه دوره‌های تحصیلی و برای همه دانش‌آموزان. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در راهکار ۱/۶ به گسترش و تنوع‌بخشی به حرفه‌ها و مهارت‌های مورد نیاز جامعه در دوره‌های تحصیلی اشاره شده است؛ پرورش دانش‌آموزانی که یادگیرندگانی مادام‌العمرند و می‌توانند مهارت‌ها و حرفه‌های مورد نیاز جامعه خود را پوشش دهند.

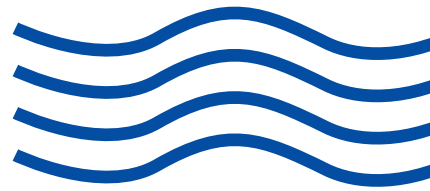
یادگیری فعال به چه معناست؟

برای اینکه یادگیرندگان بتوانند اطلاعات و ایده‌های جدید را جذب کنند، باید آن‌ها را با دانش موجود خود پیوند دهند تا به پردازش و درک مطالب جدید قادر باشند. این جریان فرایندی فعال است که می‌تواند در طول طیف وسیعی از فعالیت‌های یادگیری رخ دهد. می‌توان آن را با نگاه سنتی به یادگیری مقایسه کرد که در آن معلم در درجه اول با دانش‌آموزان صحبت می‌کند و به سادگی فرض می‌کند آن‌ها بدون نیاز به بررسی، آنچه را گفته‌شده است درک خواهند کرد. یادگیری فعال مستلزم آن است که دانش‌آموزان فکر کنند و با استفاده از دانش و مهارت‌های جدید تمرین کنند تا یادآوری طولانی‌مدت و درک عمیق‌تر را توسعه دهند. این درک عمیق‌تر همچنین به یادگیرندگان امکان می‌دهد ایده‌های متعدد را با هم مرتبط و خلاقانه فکر کنند (فایو، ۲۰۱۲ و سنچس کمبریج، ۲۰۲۰).

راهکار ۵/۷. طراحی و تدوین برنامه تعلیم و تربیت انعطاف‌پذیر، متناسب با ویژگی‌های شخصیتی و محیطی استعداد‌های گوناگون دانش‌آموزان، به‌منظور شکوفایی استعداد‌های خاص و افزایش کارآمدی و مفیدبودن آن‌ها.

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، در راهکار ۵/۷ به طراحی و تدوین برنامه متناسب با ویژگی‌های شخصیتی و استعداد‌های گوناگون دانش‌آموزان تأکید شده است. در یادگیری فعال، دانش‌آموزان با درگیر شدن در فعالیت‌ها یادگیری خود را شخصی می‌کنند و می‌کوشند با فعالیت و همکاری، دو دانش جدید و پیشین را به یکدیگر ارتباط دهند.

یادگیری فعال به هر گونه فعالیت یادگیری محور اشاره دارد که دانش‌آموزان در کلاس درس انجام می‌دهند (به غیر از گوش دادن منفعلانه)



جمع‌بندی

یادگیری فعال استقلال یادگیری دانش‌آموزان را تقویت می‌کند و مهارت‌های یادگیرندگی مادام‌العمر را به آن‌ها آموزش می‌دهد. همچنین، فرصت مشارکت و کنترل بیشتر بر یادگیری را به دانش‌آموزان می‌دهد. علاوه بر این، شواهدی وجود دارند مبنی بر اینکه رویکردهای یادگیری فعال یادگیری دانش‌آموزان را ارتقا می‌دهند و در فراگیرسازی کلاس‌های درس ابزار مؤثری هستند (اونز و همکاران، ۲۰۲۰).

راهکار ۱۱/۶. استقرار سازوکارهای ارتقای توانمندی‌های معلمان برای مشارکت مؤثر آنان در برنامه‌ریزی درسی در سطح مدرسه؛ به‌ویژه سازوکارهایی که به تقویت هویت حرفه‌ای آنان می‌انجامند.

در راهکار ۱۱/۶ به استقرار سازوکارهای ارتقای توانمندی‌های معلمان برای مشارکت مؤثر آنان در برنامه‌ریزی اشاره شده است. این سازوکار خود یکی از نکات کلیدی در یادگیری فعال است. معلمان در عین حال که آموزش‌دهنده هستند، باید یادگیرنده نیز باشند. تحقق این شرایط با همکاری و هم‌اندیشی آنان در آموزش امکان‌پذیر است.

منابع

1. Cambridge international. (2020). <https://www.cambridgeinternational.org/Images/271174-active-learning.pdf>
2. Coe, R., Aloisi, C., Higgins, S. and Elliot Major, L. (2014). What makes great teaching? Review of the underpinning research. Sutton Trust. Available at: www.suttontrust.com/wp-content/uploads/2014/10/What-makes-great-teaching-FINAL-4.11.14-1.pdf
3. Edwards, D. and Mercer, M. (1995). Common Knowledge: The Development of Understanding in the Classroom. London, UK: Routledge.
4. Fayombo, Grace. (2012). Active learning strategies and student learning outcomes among some university students in Barbados.. Journal of Educational and Social Research, Special Issue, (2)9, 79 – 90.. 2. 79 - 90. 10.5901/jesr.2012.v2n9p79.
5. Nuthall, G. (2007). The Hidden Lives of Learners. Wellington, New Zealand: NZCER Press.
6. Owens, D.C., Sadler, T.D., Barlow, A.T. et al. Student Motivation from and Resistance to Active Learning Rooted in Essential Science Practices. Res Sci Educ 50, 253–277 (2020). <https://doi.org/10.1007/s11165-017-9688-1>
7. Paulson, D.R., and Faust, J. L. (2010). Active Learning For The College Classroom. California State University, Los Angeles, CA, 90032 Retrieved from: <http://www.calstatela.edu/dept/chem/chem2/Active/>
8. Rosenshine, B. (2012). Principles of Instruction: Research based strategies that all teachers should know. American Educator, Spring 2012. Available online at: www.aft.org/pdfs/americaneducator/spring2012/Rosenshine.pdf
9. Rowe, N., Wilkin, A. and Wilson, R. (2012). Mapping of seminal reports on good teaching. NFER Research Programme: Developing the Education Workforce. Slough: NFER. Available at: www.nfer.ac.uk/publications/RSGT01/RSGT01.pdf

● معلمان باید یادگیری قبلی دانش‌آموزان را بررسی و فعال کنند و در برقراری پیوند مطالب جدید به آن‌ها کمک کنند. آن‌ها باید به‌طور مستمر با پرسش‌های مناسب بازخوردی را در مورد یادگیری همه دانش‌آموزان دریافت و از آن برای برنامه‌ریزی در تدریس خود استفاده کنند.

● آموزش و دانش جدید باید در مراحل کوچک به همراه فرصت‌هایی برای تمرین و بررسی با داربست‌های آموزشی مناسب ارائه شود (روزنشین، ۲۰۱۲).

● یادگیرندگان برای پردازش اطلاعات جدید به زمان کافی نیاز دارند. آن‌ها معمولاً قبل از اینکه بتوانند اطلاعات جدید را به خاطر بسپارند، باید حداقل سه بار و به روش‌های متفاوت (نه صرفاً تکرار محتوا) با محتوای کاملاً توضیح داده‌شده درگیر شوند (نوت‌هال، ۲۰۰۷).

● معلمان باید دانش‌آموزان را تشویق کنند در راهبردهایی شناختی که به کار می‌گیرند هوشیار باشند. آن‌ها باید در توسعه مهارت‌های برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی یادگیری حمایت شوند.

● با توجه به اینکه یادگیرندگان دانش را از طریق زبان می‌سازند (ادواردز و مرسر، ۱۹۹۵)، معلمان باید یادگیرندگان را قادر سازند از طریق گفتن، گوش‌دادن، خواندن و نوشتن دانش را ایجاد کنند. استفاده از گفت‌وگوی متمرکز و با کیفیت بالای، کار گروهی در پردازش یادگیری جدید و تقویت درک مهم است.



مسئله‌های درآمدزا

هنر تربیت اقتصادی مسئله‌محور

اشاره

تفکر حل مسئله از جمله کلیدی‌ترین مهارت‌ها در زندگی است که در فرایند یاددهی‌یادگیری نیز جایگاه پراهمیتی دارد. برای تقویت این مهارت در دانش‌آموزان، لازم است سهم مهمی از آموزش و طراحی آموزشی به آن اختصاص داده شود. برای درک بیشتر ضرورت پرداختن به مهارت حل مسئله خوب است این تفکر از نگاه ساحت تربیت اقتصادی در سند تحول بنیادین نیز دیده شود. این نوشته به این موضوع اختصاص دارد.

کلیدواژه‌ها: طراحی آموزشی، حل مسئله، ساحت تربیت اقتصادی، سند تحول بنیادین

زندگی و حل مسئله

زندگی سرشار از مسئله‌های گوناگون است. اگر درست ببینیم، هر لحظه در حال حل مسئله هستیم و اگر شیوه مناسب را بشناسیم و در عین حال مهارت لازم را به دست آورده باشیم، می‌توانیم مسئله‌ها را به شایستگی زندگی کنیم. در جریان آموزش و پرورش، یکی از ساحت‌ها که توجه بسیاری از مخاطبان را جلب می‌کند، ساحت تربیت اقتصادی است. بسیاری از معلمان و آحاد جامعه معتقدند دانش‌آموزان باید بتوانند در این زمینه مهارت لازم را از مدرسه دریافت کنند و بیاورند چگونه معیشت خود را تأمین کنند

برگی از سند تحول

حدود و قلمرو ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای:
 ● ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی، یعنی بُعد اقتصادی و معیشتی انسان‌ها؛

- ناظر به رشد توانایی‌های متریبان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای؛
- ناظر به اموری نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری.

تجربه کلاسی

تجربه تدریس در کلاس‌های آموزشی دخترانه را در همه دوره‌های تحصیلی داشتیم، اما تدریس پسران را فقط در دوره ابتدایی تجربه کرده بودم. امسال به پیشنهاد مدیر و یکی از دوستانم، به روستایی نزدیک تهران، اما خارج از شهر، رفتم؛ روستایی بسیار برخوردار و در عین حال دارای دانش‌آموزان سرزنده و شاداب. در این روستا تنها یک مدرسه تا دوره متوسطه اول وجود دارد برای دانش‌آموزان متوسطه دوم، به تفکیک دختران و پسران، در دو نوبت صبح و عصر مدرسه برقرار است.

از اینکه بعد از سال‌ها در یک مدرسه تلفیقی بودم و مثل سال‌های اول کارم دانش‌آموزان پسر را هم می‌دیدم، حسابی شگفت‌زده بودم. ساعت اول درس اجتماعی داشتیم. در کلاسی که بچه‌های چهارم و پنجم در کنار هم حضور داشتند، خودم را آماده کردم تا از طریق مباحثه تدریس داشته باشم و بچه‌ها با هم آموزشی موضوع را یاد بگیرند. روش بسیار موفق بود، اما نکته مهمی که توجه مرا جلب کرد، این بود که نه تنها دانش‌آموزان پسر، بلکه دانش‌آموزان دختر هم درباره اینکه نقش مهم آن‌ها در آینده تأمین معاش است و باید کاری کنند تا بتوانند از راه درستی عهده‌دار زندگی اقتصادی خود و خانواده باشند، دغدغه داشتند. فکرس را هم نمی‌کردم تا این اندازه سواد اقتصادی بچه‌ها

امروزه، علاوه بر پس‌انداز، مقوله سرمایه‌گذاری مطرح است. در تربیت اقتصادی، آشنا کردن کودک و نوجوان با سرمایه‌گذاری بسیار اهمیت دارد

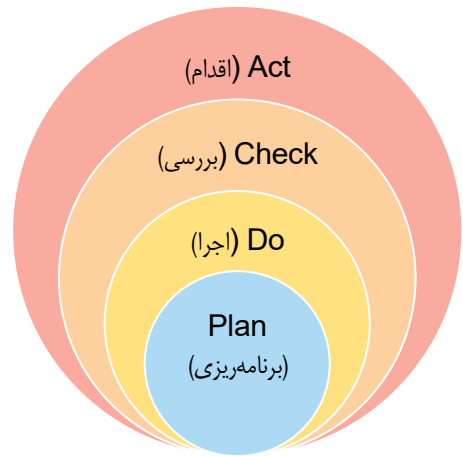
بالا باشد که نه تنها بگویند پول مهم یا خوب است، بلکه امرار معاش حلال هم برایشان مهم است.

مدل‌های گوناگون حل مسئله

از جمله راهکارهای تقویت و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تفکر حل مسئله است. در این شیوه مدل‌های گوناگونی مطرح شده‌اند که هر کدام به نوعی تلاش می‌کنند فرد بتواند با دریافت اطلاعات ضروری و تحلیل درست، به انتخاب و اجرای راه‌حل دست بزند. از جمله این مدل‌ها پی‌دی‌سی‌ای (PDCA) است که در ادامه آن را معرفی می‌کنیم.

مدل پی‌دی‌سی‌ای

این مدل را «ادواردز دمینگ» معرفی کرده و شامل چرخه‌ای است که در حال حاضر پایه و اساس بیشتر ابزارها و استانداردهای دنیا را تشکیل می‌دهد.



نگاهی بر اسناد بالادستی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌تواند مبنای خوبی برای ایده‌هایی شود که در طراحی آموزشی از آن‌ها به‌عنوان روش تدریس، فن تدریس و رویکردهای آموزشی یاد می‌شود

۴) اقدام: با تکیه بر بررسی‌هایی که انجام داده‌ای، برای اقدامات بعدی اصلاحات و فعالیت‌های پیشگیرانه داشته باش. این تصمیم‌گیری در تکامل و تقویت مهارت حل مسئله بسیار مؤثر است و چراغ راهی برای چیدمان مراحل حل مسائل بعدی است.

تجربه کلاسی

زمانی که با اقدام‌پژوهی آشنا شدم و چند فعالیت در همین زمینه انجام دادم، دریافتم این نوع نگاه در زندگی بسیار تأثیرگذار است. ما در موقعیت‌های گوناگون ناچار به حل مسئله مبتنی بر تفکر اقدام‌پژوهانه هستیم. ابتدا فکر کنیم، سپس عمل کنیم و در نهایت و در طی مراحل، بازبینی و بررسی داشته باشیم.

چنین دریافتی موجب شد زمینه به‌کارگیری اقدام‌پژوهی را برای دانش‌آموزانم نیز فراهم کنم. در جلساتی که بچه‌ها درباره نحوه موفقیت یا مطالعه درست سؤال‌هایی می‌پرسیدند، تلاش می‌کردم خودشان را بررسی کنند، شرایط را تحلیل کنند و با توجه به اطلاعاتی که در اختیارشان قرار می‌دهم، شیوه‌ای را انتخاب و به آن عمل کنند.

این اقدام در توانمندسازی دانش‌آموزان بسیار تأثیر دارد. آن‌ها به مرور متوجه می‌شوند چگونه سهم خود را از مسائل اطراف خود پیدا کنند و برای حل آن‌ها تلاشی مؤثر داشته باشند. برداشت من این است که این نگاه ارتباط مستقیمی با تفکر مبتنی بر حل مسئله دارد و مراحل آن مؤید این مطلب است.

ریشه تربیت اقتصادی در حل مسئله

شاید شما هم در دوره کودکی معامله با کلک پولتان را تجربه کرده باشید؛ تجربه‌ای که غالباً برای شما مزه تلخی داشته است، چون باید لذت حال را برای چشیدن مزه‌ای بهتر در آینده ترک می‌کردید. در این فعالیت مهارت اقتصادی نشانه‌گیری می‌شده است که زمینه‌ساز برخی تصمیمات مهم مالی در آینده بوده است.

امروزه، علاوه بر پس‌انداز، مقوله سرمایه‌گذاری مطرح است. در تربیت اقتصادی، آشنا کردن کودک و نوجوان با سرمایه‌گذاری بسیار اهمیت دارد. این نکته از جمله مواردی است که می‌تواند در طراحی آموزشی نیز مورد توجه قرار گیرد. دانش‌آموزان با بررسی شرایط می‌توانند مناسب‌ترین تصمیم را برای اقدام بگیرند، اقدام کنند و در نهایت از نتیجه آن بهره‌مند شوند. به تجربه‌ای در این باره توجه کنید که به تقویت مبتنی بر حل مسئله و نیز تربیت اقتصادی منجر می‌شود.

قواعد حل مسئله مبتنی بر مدل پی‌دی‌سی‌ای

۱) برنامه‌ریزی: برای انجام هر کاری ابتدا برنامه‌ریزی کن. قرار است چه کاری را انجام دهی؟ برای برنامه‌ریزی نیاز است بدانی مسئله اصلی چیست و یقین حاصل کنی مسئله را درک کرده‌ای.

۲) اجرا: حال برنامه را اجرا کن. پایبندی به اجرای برنامه در این موضوع بسیار اهمیت دارد. لازم است جزئیات برنامه مطابق با شرایط پیش آمده مورد توجه قرار گیرند.

۳) بررسی: آنچه را اجرا کرده‌ای بررسی کن. بررسی کردن همراه و هم‌زمان با مرحله اقدام انجام می‌شود. بررسی و تحلیل در هر گام، در صورت نیاز، کمک می‌کند اصلاحات انجام شوند.



تجربه کلاسی

برای جلب توجه دانش‌آموزان و نیز ایجاد انگیزه بیشتر، برنامه «دارایی‌های من» را در کلاس اجرا کردم. در این برنامه دانش‌آموزان می‌توانند در هر جلسه تعدادی از سؤالات را در کلاس پاسخ دهند و به میزان مشارکت خود امتیاز بگیرند. مواردی هم که بلد نیستند، به‌عنوان بدهی در حسابشان منظور می‌شود. آن‌ها تا جلسه آینده فرصت دارند با شرکت در فعالیت‌هایی احتمالی که در کلاس اعلام می‌شود، از حساب بدهی خود کم کنند یا به حساب دارایی خود بیفزایند. یک فعالیت مهم هم کمک به دوستانشان است. اگر در قالب پیام صوتی یا تصویری بتوانند مواردی را که دیگر دانش‌آموزان ایراد دارند برایشان شرح دهند و دانش‌آموزان به شرح آن‌ها امتیاز بالایی بدهند، دوبرابر امتیاز به دارایی آن‌ها افزوده می‌شود. این پیام‌ها در روزهای میان دو جلسه آموزشی تبادل می‌شوند. دانش‌آموزان آن‌ها را ابتدا برای من می‌فرستند و من پس از بررسی اولیه، آن‌ها را برای دیگران می‌فرستم.

این کار زمانی از من می‌گیرد که ناچارم خارج از ساعت درسی به آن بپردازم، اما در جنب‌وجوش و فعالیت دانش‌آموزان تأثیر زیادی دارد. در نهایت، هر یک می‌تواند با توجه به دارایی خود در پایان ماه، پایان نیم‌سال یا پایان سال تحصیلی، موردی را از میان فهرست فروشگاه انتخاب و خریداری کند. در این فهرست، امور مورد علاقه دانش‌آموزان گذاشته شده‌اند که هر کدام قیمت مشخصی دارند. از نمره اضافه در امتحان گرفته تا لذت یک برنامه

در مدرسه‌مانی با حضور معلم و افراد انتخابی او. هر قدر دارایی بیشتر باشد، انتخاب‌های گران‌تری برای دانش‌آموز ممکن می‌شود.

جمع‌بندی

نگاهی بر اسناد بالادستی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌تواند مبنای خوبی برای ایده‌هایی شود که در طراحی آموزشی از آن‌ها به‌عنوان روش تدریس، فن تدریس و رویکردهای آموزشی یاد می‌شود. در این باره میان ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای با مهارت حل مسئله و تفکر مبتنی بر آن ارتباط مستقیمی وجود دارد. معلمان با تکیه بر این تفکر و هدایت فعالیت‌های یادگیری مبتنی بر الگوی پی‌دی‌سی‌ای در حل مسئله، نه‌تنها مهارتی ارزشمند را در دانش‌آموزان تقویت می‌کنند، بلکه زمینه رشد مهارت اقتصادی را نیز فراهم می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

1. Plan
2. Do
3. Check
4. Act

منابع

۱. تریسی، برایان (۱۳۹۴). خلاقیت و حل مسئله. ترجمه رامک فدائیان. فرا، تهران.
۲. زنجیر، حسین و پورمند، سمیه (۱۳۹۸). لذت حل مسئله. نوشته حسین و سمیه پورمند. ملارد، کرج.
۳. ایکاف، راسل (۱۳۹۷). هنر حل مسئله با حکایت‌های ایکاف. ترجمه تقی ناصر شریعتی. رسا، تهران.

مهارت حل مسئله با تربیت اقتصادی دانش‌آموزان ارتباط مستقیم دارد

در هر مسئله، گام اول برنامه‌ریزی است و بررسی و تحلیل در تمام مراحل همراه فرد هستند

گاهی نظام تشویقی

کلاس درس می‌تواند بر

تقویت مهارت اقتصادی

دانش‌آموزان مبتنی باشد



پاتوق‌های مجازی

برای تعلیم و تربیت ساحت اجتماعی

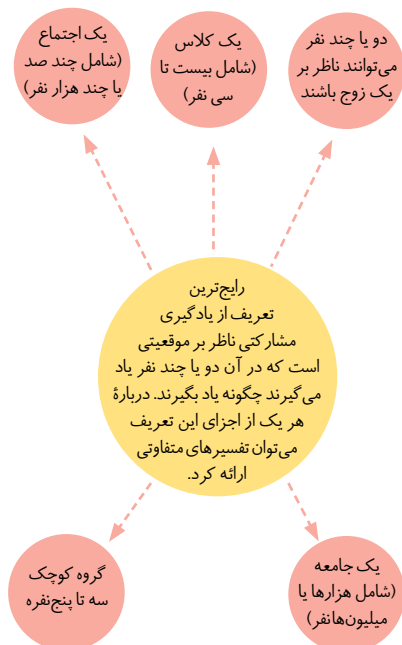
اندیشه‌های خود، دانش ویژه در هر مورد را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند.

آنان با این کار و در واقع با ایجاد پشتیبانی روحی و روانی، در برنامه‌های آینده یکدیگر مؤثر واقع می‌شوند. ایده‌ها و افکاری را به وجود می‌آورند و با یادگیری از فرهنگ یکدیگر تفاهمی را ایجاد می‌کنند که در نتیجه گسترش افق‌های فکری یکدیگر را موجب می‌شوند. این در واقع

اشاره

با مطرح شدن یادگیری مجازی به‌عنوان نمودی از نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات به حوزه آموزش و فرایند یاددهی یادگیری، مفهوم تعامل و مشارکت در فرایند آموزش و یادگیری نیز دچار تحولات گسترده‌ای شده است. ویژگی اصلی و اساسی یادگیری مجازی، علاوه بر دسترسی آسان به اطلاعات، ارتباطی و تعاملی بودن آن است. فناوری‌های ارتباطات الکترونیکی، به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های رسانه‌ای متنی، تصویری و صوتی مخصوص به خود، قادرند تعاملات بین افراد را در عرصه زمان و مکان توسعه دهند و فعالیت‌های یاددهی یادگیری را متحول کنند.

کلیدواژه‌ها: یادگیری مشارکتی، یادگیری تعاملی، یادگیری مجازی، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، سند تحول بنیادین



محیط‌های یادگیری مجازی که به شبکه جهانی متصل شده‌اند، به معلم و یادگیرندگان امکان می‌دهند اجتماعات یادگیری خاص خود را تشکیل دهند که در نتیجه این روابط، فضاهای متحول‌شده الکترونیکی را به وجود می‌آورند. در چنین محیط‌هایی است که معلمان و یادگیرندگان با استفاده از رایانه‌ها و کلمات و تصویرهایی که روی صفحه نمایشگر تنظیم می‌کنند، در گفت‌وگوهای فکری و هوشمندانه شرکت می‌جویند، قرارهایی با یکدیگر می‌گذارند و با تبادل

به‌عنوان نمونه‌هایی از مشارکت دانش‌آموزان، می‌توان به تعاملی که در درس تفکر و پژوهش پایه هشتم ابتدایی دارند اشاره کرد؛ قسمت‌هایی در کتاب هست که از آن‌ها خواسته می‌شود با گفت‌وگو و بحث گروهی درباره موضوعات مطرح شده در درس، به پرسش‌ها پاسخ دهند. همچنین، در درس مطالعات دوره ابتدایی، قسمت‌هایی با عنوان کاربرگ‌ها و فعالیت‌های درس به درس وجود دارند که مشارکت گروهی و مباحثه دانش‌آموزان را می‌طلبد.

● مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق‌طلبی، حفظ کرامت و عزت، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی.

فعالیت‌های مشارکتی بین یادگیرندگان مهارت‌های اجتماعی آن‌ها را بروز می‌دهد و تقویت می‌کند و گذار از دوره خودمدراری به جمع‌گرایی را میسر می‌کند. در این میان افراد با برقراری تعاملات همه‌جانبه، هر چه بیشتر به اهداف ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی نزدیک می‌شوند. یکی از عواملی که می‌تواند مهارت‌های مشارکتی را در یادگیرندگان رشد دهد، استفاده از روش‌های فعال تدریس است. ویژگی مهم این روش آن است که در آن اعضای گروه با هم کار می‌کنند تا به هدف مشترکی برسند که هم کل گروه و هم فرد فرد اعضای گروه از آن سود می‌برند. یادگیری مشارکتی شامل مؤلفه‌های وابستگی متقابل مثبت، مسئولیت‌پذیری فردی، پردازش گروهی، مهارت‌های اجتماعی و تعامل است. عامل مهم پیشرفت در این شیوه، کمکی است که یادگیرندگان به یکدیگر می‌کنند تا مفاهیم درسی را بیاموزند. پس می‌توان گفت کمک‌طلبی جزو لاینفک آموزش به شیوه مشارکتی است.

جمع‌بندی

محیط‌های یادگیری مجازی باید به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شوند که فرصت کافی را برای یادگیرندگان به‌منظور تعامل با هم کلاسی‌ها، معلمان و سایر عوامل آموزشی فراهم کنند. در نتیجه، دغدغه اصلی در یادگیری مشارکتی، طراحی راه‌هایی برای افزایش احتمال رخداد این تعامل است. همچنین، لازم است در برنامه‌ریزی درسی جایگاهی خاص به فرهنگ‌سازی وسیع نسبت به فایده‌ها و مزایا و معایب و تهدیدهای یادگیری الکترونیکی به‌طور عام و یادگیری الکترونیکی مشارکتی به‌طور خاص، در سطح مدرسه، در میان مدیران، یادگیرندگان و به‌ویژه معلمان، اختصاص یابد.

شبهه همان تعاملات کلاس‌های درس سنتی است و تنها تفاوت کوچکش این است که این گروه‌ها، دوستی‌ها و رابطه‌هایی را در سطح دیگری به وجود می‌آورند که ابعاد جهانی می‌یابند.

یادگیری مجازی دو ویژگی ممتاز برای یادگیری اثربخش دارد: ۱. بر خودآموزی تأکید می‌کند و به بهترین وجه امکان توسعه آن را به‌صورت جذاب فراهم می‌کند؛ ۲. با تشکیل کلاس‌های مجازی و محیط‌های گفت‌وگو و گروهی، فرصت‌های لازم را برای تعامل، گفت‌وگو و یادگیری مشارکتی در یادگیرندگان پرورش می‌دهد. بدین

اندیشه‌های دیگران را با گوش دادن دقیق به صحبت‌هایشان دریافت و ارزیابی کنند.

تفکر انتقادی و برعکس انتقادپذیری را در خود پرورش دهند.

اندیشه خود را در قالب بیانات شفاهی سازمان‌دهی و ابراز کنند.

روش‌های ایجاد رابطه مطلوب اجتماعی از راه زبان شفاهی را درست به کار ببرند.

ترتیب، بزرگ‌ترین تغییری که آموزش برخط موجبات آن را فراهم آورده است، افزایش تمایل به مشارکت در میان یادگیرندگان و معلمان است.

در روش یادگیری مشارکتی دانش‌آموزان می‌آموزند: با به‌کارگیری و بهره‌بردن از روش‌های یادگیری مشارکتی و تعاملی در آموزش‌ها، می‌توان تا حدودی به تحقق ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی در آموزش و پرورش امیدوار بود. در این ساحت اهداف مهمی به شرح زیر مورد پیگیری و انتظارند:

● بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه در پرتو نظام معیار اسلامی؛

● توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران در پرتو درک و اصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان، همکاران، هم‌شهریان و هم‌وطنان)؛

● برقراری رابطه سازنده و مناسب با ایشان بر اساس نظام معیار اسلامی و کسب صفاتی جمعی نظیر احسان، مهرورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق، همدلی و مسالمت‌جویی؛

منابع

۱. افضل‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲). طراحی و آشنایی با مراکز مواد و منابع یادگیری. انتشارات سمت، تهران.
۲. ذوفن، شهناز (۱۳۹۵). کاربرد فناوری‌های جدید در آموزش. انتشارات سمت، تهران.
۳. ترتین گالگلیمو (۲۰۱۰). یادگیری مشارکتی مبتنی بر شبکه. ترجمه مریم فلاحی و متین قاسمی سامنی (۱۳۹۴). انتشارات پژوهندگان راه دانش. اهواز.
4. Gumus, SR. Apid (2010). Content Production And Delivery In E-Learning Environments: Use Of Adobe Presenter, MS Powerpoint, Adobe Connect. Procedia-Social And Behavioral Sciences, (9), 805-809.

بازی، بازی نیست!

به گرم‌ترین و از کم‌اثرترین به بیش‌اثرترین مرتب شده‌اند. همان‌طور که می‌بینید، بازی‌های رایانه‌ای به‌عنوان گرم‌ترین و پراثرترین رسانه جمعی در رأس این هرم قرار گرفته‌اند. اما سؤال اینجاست که چرا بازی‌های رایانه‌ای چنین جایگاهی دارند؟

امروزه چندرسانه‌ای‌ها تمام حواس و تخیل ما را درگیر کرده‌اند. از طریق رسانه‌های جمعی امکان تولید در فضای مجازی، نشر ایده‌ها، بحث و نقد ایده‌های دیگران و مشارکت اجتماعی برای ما فراهم شده و ظاهراً هیچ ظرفیتی باقی نمانده است که بازی‌های رایانه‌ای بتوانند آن را فتح کنند. کتاب‌ها به‌ما می‌آموزند داستان‌ها تخیل ما را پرورش می‌دهند، تلویزیون و سینما ما را در معرض تجربه‌های گوناگون قرار می‌دهند و اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها ما را به هم متصل می‌کنند.

آنچه باید دانست این است که بازی‌ها تمام امکانات سایر رسانه‌ها را با خود دارند؛ به آن‌ها عمق می‌بخشند و به‌خوبی آن‌ها را کنار هم می‌چینند. امروزه بازی‌های رایانه‌ای یا شبکه اجتماعی دارند یا به یک شبکه اجتماعی متصل می‌شوند. محتواهای متنی بسیاری در بازی‌ها هستند و همین‌طور صدا، تصویر و موسیقی با قدرت در بازی‌ها حضور دارند. همچنین، داستان و روایت‌های متعددی در بازی‌ها هستند که بسیاری از فیلم‌ها و کتاب‌های داستانی را به چالش می‌کشند.

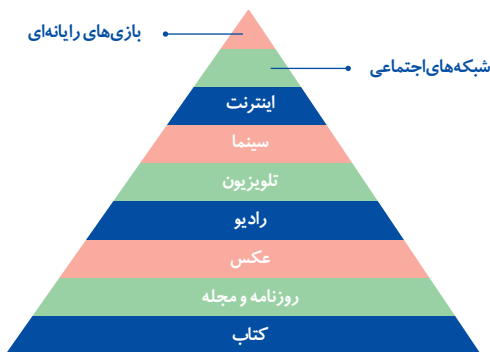
بازی‌های رایانه‌ای یک دنیا می‌سازند و بازیکن را درون خود می‌کشند. در این دنیا تصویر هست، نوشته هست، داستان و روایت هست. در نهایت، بزرگ‌ترین اتفاق و ویژگی خاص بازی یعنی تعامل نیز هست. بازیکنان باید در این دنیا

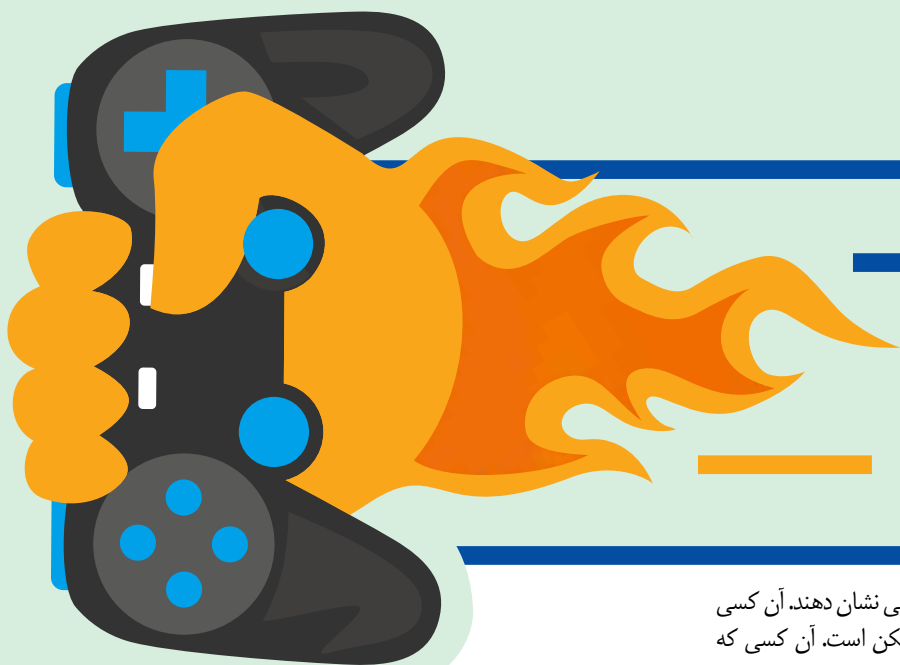
اشاره

از این شماره، ستون «بازی پژوهی» در بخش تربیت رسانه‌ای مجله رشد فناوری آموزشی، به نگاهی تربیتی نسبت به بازی‌های رقمی (دیجیتال) اختصاص می‌یابد. در هر شماره، پژوهشگر ارجمند جناب آقای محسن رزاقی از نگاه یک محقق و معلم سواد رسانه، یکی از ابعاد تربیتی بازی‌های رایانه‌ای را باز می‌کند تا همکاران گرامی بتوانند نسبت به این پدیده فرهنگی، هنری و صنعتی رویکرد درستی اتخاذ کنند.

کلیدواژه‌ها: بازی، بازی‌های رایانه‌ای، بازی‌های آموزشی

متخصصان علم ارتباطات بر اساس قدرت رسانه‌ها در اثرگذاری و ساده‌بودن درک پیامشان برای مخاطبان، آن‌ها را در هرمی مرتب کرده‌اند. در هرم رسانه‌ها، رسانه‌های جمعی از سردترین





موفق بودن باید چه کارهایی انجام داد! پس مهم است که بازیکن در چه جهانی قرار می‌گیرد و آن جهان چه قواعدی دارد.

این جهان‌ها، به‌خصوص در سبک‌هایی مانند «نقش‌آفرینی»^۲ یا «سندباکس»^۳، گاهی آن قدر بزرگ و پیچیده می‌شوند که بازیکن‌ها فکر می‌کنند در جهانی لایتناهی زیست می‌کنند و از اینکه این یک جهان ساخته شده است، غافل می‌شوند، چه برسد به اینکه به سازنده بازی توجه کنند. بازیکنان در دنیایی که در محدوده خواست و توان بازی‌ساز ساخته شده است زندگی می‌کنند و با آن در تعامل هستند. هرچه بازی بتواند ظرفیت‌های تعاملی بیشتری در خود ایجاد کند و انتخاب‌های بیشتری به بازیکن بدهد، دنیای کامل‌تری خواهد ساخت و بازیکن در توهم آزادبودن فرو خواهد رفت و در بازی غوطه‌ور خواهد شد.

این موضوع، علاوه بر اینکه حساسیت‌هایی را در مورد میزان و نحوه مصرف برمی‌انگیزد، ما را به یکی از محوری‌ترین موضوعات در مواجهه با رسانه‌ها راهنمایی می‌کند: «بازنمایی». هنگام ارائه مباحث سوادسازانه‌ای، معمولاً مثال‌های بازنمایی در مورد انتخاب کلمات در عنوان‌ها و قاب‌بندی دوربین‌هاست. اما این در مورد بازی‌های رایانه‌ای کافی نیست. همان‌طور که گفته شد، بازی‌ساز جهانی را می‌سازد که قواعدی دارد و بازیکن به آن‌ها پایبند است و آن‌ها را تکرار می‌کند. بازی‌ساز قواعد

عمل داشته باشند و از خود رفتارهایی نشان دهند. آن کسی که روایت داستان را می‌سازد، بازیکن است. آن کسی که جاهای گوناگون بازی را کشف می‌کند و می‌بیند، بازیکن است. بازیکن است که تصمیم می‌گیرد با چه خودرویی وارد مسابقه شود و آن خودرو چطور سفارشی‌سازی^۲ شده باشد. بازیکن فقط در معرض یک تجربه نیست، بلکه به‌طور مستقیم وارد آن می‌شود. در دنیای بازی‌های رایانه‌ای بازیکن می‌تواند فکرها، سلیقه‌ها و حتی خود را به‌صورت بیرونی و عینی از طریق بازی ببیند و تجربه‌های ناممکن را تجربه کند.

بازیکنان در آن دنیا کار می‌کنند، پول در می‌آورند و برای خرج کردن پول‌های خود تصمیم می‌گیرند. آن‌ها در دنیای بازی‌ها زندگی می‌کنند. حتی نقش‌های اجتماعی گوناگون را تجربه می‌کنند و به عنوان سرباز، پلیس، دزد، دکتر، یا حتی حیوان نقش‌آفرینی می‌کنند. در تمام طول این تجربه‌ها بازیکنان هستند که تصمیم می‌گیرند.

حال می‌توان پرسید، بازیکنان که فرزندان ما و آینده سرزمین ما هستند، چه جهانی را تجربه می‌کنند؟ آن‌ها در این جهان چطور پیشرفت می‌کنند؟ برای اینکه به پیروزی برسند؟ چه کارهایی را تکرار می‌کنند اگر قرار است نقش یک سرباز را تجربه کنند، این سرباز چه ویژگی‌هایی دارد؟ با اسیر چطور برخورد می‌کنند؟

در جهان بازی‌های رایانه‌ای، دیگر کسی در مورد ویژگی‌های سرباز خوب برای آن‌ها صحبت نمی‌کند، بلکه بازیکنی که در نقش یک سرباز قرار گرفته است، باید کارهایی انجام دهد تا پاداش بگیرد و بازی پیش برود. به همین خاطر، حالا خودش می‌داند برای سرباز خوب و



بازی‌های رایانه‌ای مهم‌ترین بخش صنعت سرگرمی هستند که جمعیتی میلیاردی در جهان را درگیر خود کرده‌اند و گردش مالی عظیمی دارند. «تیوزو»^۱ معتبرترین منبع آمار صنعت بازی‌های رایانه‌ای، گزارش می‌دهد که در سال ۲۰۲۱ در جهان حدود سه میلیارد بازیکن (گیمر) وجود داشته است. حدود ۷۳۰ میلیون نفر مخاطب پخش زنده^۱ بازی‌های رایانه‌ای بودند. گزارش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای نیز تقریباً همین وضع را در داخل کشور تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند حتی در بحرانی‌ترین شرایط اقتصادی کشور، بازیکن‌های ایرانی از هزینه کردن برای بازی کردنشان دست برنداشته‌اند. سالانه چند هزار میلیارد تومان صرف بازی کردن می‌شود که البته بیشتر این هزینه برای تهیه سخت‌افزارها و بازی‌های خارجی صرف می‌شود. موجی که از سال‌های پیش به تدریج داشت قدرت می‌گرفت، حالا در اوج قرار گرفته است و در بسیاری موارد، اولین تجربه‌های بشری را شکل می‌دهد. امیدواریم در یادداشت‌های بعد بتوانیم ابعاد این جهان وسیع را شناسایی کنیم و با ویژگی‌ها و پیامدهای تربیتی آن بیشتر آشنا شویم.

پی‌نوشت‌ها

1. MultiMedia
2. Tune
3. Roleplaying game
4. Sandbox
5. Battle Royale
6. Fortnite
7. PUBG
8. Metaverse - 9. Newzoo - 10. Live streaming

این جهان را چطور و با چه منطقی ایجاد می‌کند؟ او یا به‌ناچار از خزانه فرهنگی خودش استفاده می‌کند که معمولاً برای ما تناقض فرهنگی ایجاد می‌کند، یا این قواعد با هدف مثبتی مثل بازی‌های آموزشی یا منفی مثل بازی‌های ارتش ایالات متحده تولید شده‌اند. به هر حال، باید توجه کرد که بازیکن با عمل کردن مکرر به روند بازی که چنین چیده شده است، ارزش‌های مورد نظر بازی‌ساز را درونی می‌کند و به مرور نگاهش به جهان تغییر می‌کند. برای مثال، بازی‌های سبک «بتل رویال»^۵ مانند «فورت‌نایت»^۶ یا «پابجی»^۷ که بین بازیکنان ایرانی بسیار رواج دارند، بر اساس قاعده حذف و غارت رقیب پیش می‌روند که همین باعث نگرانی‌های تربیتی در مورد نگاه بازیکنان این بازی‌ها به پیشرفت می‌شود.

وجه دیگر این صنعت، حرکت روی لبه فناوری است. اساساً بازی‌های رایانه‌ای جزو پیشرفته‌ترین صنایعی هستند که می‌شناسیم. مهم‌ترین نمود این موضوع «متاورس»^۸ است. متاورس یا **فراجهان** سه ضلع دارد که یکی از آن‌ها بازی‌های رایانه‌ای است. فراجهان از مسیر جهان‌های بازی‌های رایانه‌ای می‌گذرد. در فراجهان، کاربر دیگر نه در نقش کسی قرار می‌گیرد و نه زمینه روایی خاصی برایش وجود دارد، بلکه نسخه و بدل، هویتی مجازی از اوست که در آن جهان زیست می‌کند. با بقیه کاربرها ارتباط می‌گیرد و زندگی عادی خودش را دارد؛ منتها باز هم در همان جهان محدود ولی توهم‌آوری که یک تولیدکننده ساخته است و عناصر و قوانین آن متناسب با خواست و توان او شکل گرفته‌اند. به همین خاطر ضروری است برای آماده‌شدن خودمان و آماده کردن نسل بعد برای آینده فضای مجازی، با این جهان آشنا شویم.

بازی‌های رایانه‌ای یک دنیا می‌سازند و بازیکن را درون خود می‌کشند. در این دنیا تصویر هست، نوشته هست، داستان و روایت هست. در نهایت، بزرگ‌ترین اتفاق و ویژگی خاص بازی یعنی تعامل نیز هست

سنجش منصفانه

عکس: محمداحسان عبدالهی

اشاره

از زمانی که از سنجش در آموزش استفاده شده، دانش آموزانی گفته‌اند این سنجش «ناعدالانه» بوده است. اما آیا تا به حال به این اندیشیده‌اید که چه چیزی سنجش را «منصفانه» یا «غیر منصفانه» می‌کند؟ به عنوان معلم، مهم است این سؤال را در نظر بگیرید که مطمئن شوید برخی اصول اساسی را رعایت می‌کنیم تا اطمینان یابیم سنجش‌هایی که انجام می‌دهیم برای دانش آموزان منصفانه‌اند.

کلیدواژه‌ها: سنجش، سنجش منصفانه، عدالت آموزشی

مقدمه

سنجشی منصفانه است که در آن به دانش آموزان فرصت‌های عادلانه داده می‌شود تا آنچه را می‌دانند نشان دهند. آیا سنجش منصفانه بدان معناست که باید با همه دانش آموزان دقیقاً یکسان رفتار شود؟ خیر! با توجه به اسناد بالادستی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، پرداختن به این موضوع ضروری است؛ چنان که در بخش‌های گوناگون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بندهایی نظیر «گسترش و تأمین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی» و «عدالت تربیتی در ابعاد کمی، همگانی و الزامی، و عدالت کیفی با رعایت تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و جغرافیایی» درباره انصاف و عدالت به‌وضوح مشاهده می‌شوند.

سنجش عادلانه به این معناست که دانش آموزان با استفاده از مناسب‌ترین روش‌ها سنجیده شوند. این‌ها ممکن است از دانش آموزی به دانش آموز دیگر متفاوت باشند؛ بسته به دانش قبلی، تجربه فرهنگی و سبک شناختی دانش آموز. البته ایجاد سنجش‌های سفارشی برای هر دانش آموز تا حد زیادی غیرعملی است، اما اقداماتی وجود دارند که با انجام آن‌ها می‌توانیم روش‌های سنجش خود را تا حد امکان منصفانه کنیم:

۱. نتایج یادگیری را به‌وضوح بیان کنید

و آن‌ها را با دانش آموزان خود به اشتراک بگذارید تا

بدانند شما از آن‌ها چه انتظاری دارید. به آن‌ها کمک کنید بفهمند مهم‌ترین اهداف شما چیست. فهرستی از مفاهیم و مهارت‌هایی که باید در حین نیمسال تحصیلی پوشش داده شوند و معیاری که برای سنجش فعالیت‌های تحقیقاتی آن‌ها استفاده خواهید کرد، به آن‌ها بدهید.

۲. سنجش خود را با آنچه تدریس می‌کنید مطابقت دهید

و برعکس. اگر انتظار دارید دانش آموزان مهارت‌های نوشتاری خوبی از خود نشان دهند، تصور نکنید آن‌ها با این مهارت‌ها وارد دوره یا برنامه شما شده‌اند. نحوه خوب نوشتن را توضیح دهید و به آن‌ها کمک کنید مهارت‌های خود را توسعه دهند.

۳. از سنجش‌های متنوع و همچنین انواع سنجش استفاده کنید.

یکی از ددرسازترین روندها در آموزش و پرورش امروز، افزایش استفاده از سنجش پرمخاطره، غالباً یک آزمون چندگزینه‌ای استاندارد شده، به عنوان تنها یا اصلی‌ترین عامل در یک تصمیم مهم، مانند گذراندن دوره، فارغ‌التحصیلی یا گرفتن گواهی نامه است. با توجه به تمام اطلاعاتی که در مورد نبود دقت هر سنجش داریم، چگونه می‌توانیم با اطمینان بگوییم فردی که مثلاً نمره ۹۰ می‌گیرد، صلاحیت دارد و کسی که نمره ۸۹ می‌گیرد بی‌صلاحیت است؟ نمره سنجش نباید تصمیمات را به ما تحمیل کند، بلکه ما باید بر اساس قضاوت حرفه‌ای خود به عنوان مربی، پس از در نظر گرفتن اطلاعات از طیف گسترده‌ای از سنجش‌ها، تصمیم‌ها را بسازیم. استفاده از «معیارهای متعدد بسیار» به این معنا نیست که به جای یک آزمون میان سال و پایانی، چندین آزمون چندگزینه‌ای به دانش آموزان بدهید. اکنون می‌دانیم که دانش آموزان یاد می‌گیرند و یادگیری خود را به روش‌های متفاوت نشان می‌دهند؛ برخی از طریق خواندن و نوشتن، برخی از طریق همکاری با هم‌سالان، برخی از طریق گوش دادن، و برخی با ایجاد طرح یا تمرین عملی بهتر یاد می‌گیرند. شواهدی وجود دارند که نشان

عملکرد برخی دانش آموزان تا حد زیادی تحت تأثیر ابراز اعتماد معلمان به توانایی آن‌ها قرار دارد. تماس مثبت دانش آموزان با معلمان، در دستیابی آن‌ها به توانایی کامل خودشان به آن‌ها کمک می‌کند



۷. نتایج سنجش‌های خود را ارزیابی کنید.

اگر دانش‌آموزان شما در نوعی سنجش خاص خوب عمل نمی‌کنند، دلیل آن را از آن‌ها بپرسید. گاهی متوجه می‌شوید سؤال یا درخواست شما واضح نبوده است. گاهی ممکن است متوجه شوید یک مفهوم را به خوبی آموزش نداده‌اید. درباره ابزارهای سنجش، آموزش یا هر دو تجدیدنظر کنید. دفعه بعد که از آن‌ها استفاده می‌کنید، مطمئناً سنجش‌های شما منصفانه‌تر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

سنجش منصفانه به در نظر گرفتن نیازها و ویژگی‌های یادگیرنده و هرگونه تعدیل معقولی که لازم است برای آن‌ها اعمال شود، اشاره دارد. مهم است اطمینان یابید دانش‌آموز در مورد سنجش مطلع است، روند آن را درک می‌کند و به شرکت در فرایند سنجش قادر است و نیز قبول دارد که این فرایند مناسب است. همچنین، سنجش منصفانه شامل فرصتی است برای فرد مورد سنجش به منظور به‌چالش کشیدن نتیجه سنجش و همچنین سنجش مجدد در صورت لزوم. در حالت ایده‌آل، سنجش نباید بین دانش‌آموزان تبعیض ایجاد کند، مگر در مورد همان توانایی که مورد سنجش قرار گرفته است.

می‌دهند سبک‌های یادگیری ممکن است بسته به فرهنگ متفاوت باشد. همان‌طور که روش‌های تفکر در فرهنگ‌های گوناگون ارزش متفاوتی دارند. از آنجا که همه سنجش‌ها برخی از سبک‌های یادگیری را بر دیگری ترجیح می‌دهند، مهم است روش‌های مختلف سنجش را برای نشان دادن آنچه دانش‌آموزان آموخته‌اند، به آن‌ها ارائه دهیم.

۴. به دانش‌آموزان کمک کنید یاد بگیرند چگونه سنجش را انجام دهند.

برخی از دانش‌آموزان ناآشنا با آزمون‌های چندگزینه‌ای برای انجام این‌گونه امتحانات یا دانش‌آموزان ناآشنا با رایانه برای انجام آزمون‌های مبتنی بر رایانه، به کمک و راهنمایی معلم نیازمندند.

۵. دانش‌آموزان خود را تشویق و در انجام فعالیت درگیر کنید.

عملکرد برخی دانش‌آموزان تا حد زیادی تحت تأثیر ابراز اعتماد معلمان به توانایی آن‌ها قرار دارد. تماس مثبت دانش‌آموزان با معلمان، در دستیابی آن‌ها به توانایی کامل خودشان به آن‌ها کمک می‌کند.

۶. نتایج سنجش را به درستی تفسیر کنید.

برای تفسیر نتایج سنجش چندین رویکرد وجود دارد. مناسب‌ترین تفسیرها را برای تصمیمی که می‌گیرید انتخاب کنید. یک رویکرد رایج، مقایسه دانش‌آموزان با همسالانشان است. غالباً مناسب‌تر است قضاوت را بر اساس استانداردهای استوار کنیم: آیا دانش‌آموز شواهد قانع‌کننده‌ای ارائه کرده است؟ می‌تواند آن‌ها را به‌طور دقیق خلاصه کند؟ استنباط‌های قابل توجیه ارائه می‌دهد؟

رویکرد مبتنی بر استاندارد به‌خصوص زمانی مناسب است که دانش‌آموز باید معیارهای خاصی را برای پیشرفت به دوره بعدی یا دریافت گواهی داشته باشد. اگر دوره یا برنامه‌ای برای غنی‌سازی است و بخشی از یک توالی نیست، ممکن است خوب باشد پیشرفت را نیز در نظر بگیریم. آیا دانش‌آموزی که زمانی از هنر قرن‌های گذشته متنفر بود، اکنون آن را دوست دارد؟ (حتی اگر همیشه نام و تاریخ را به‌خاطر نیابد!) آیا دانش‌آموز دیگری که زمانی به نوشتن یک استدلال منسجم قادر نبود، اکنون این کار را به‌طور قابل‌قبولی انجام می‌دهد؟ (حتی اگر عملکرد او هنوز مطابق استانداردهای معمول شما نباشد!)

مقاله منصفانه‌بودن یا نبودن شیوه‌های نمردهی



منابع

1. Suskie, Linda Fair Assessment Practices AAHE Bulletin May 2000.
2. <http://www.ibe.unesco.org/en/glossary-curriculum-terminology/ff/fairness-assessment>.
3. https://www.queensu.ca/teachingandlearning/modules/assessments/23_s3_01_intro_section.html





علیرضا میرزاکانی
مدیر توسعه الگوی مدرسه‌داری برهان



صادق حامدی نسب
دکترای برنامه‌ریزی درسی



امیر مرادی
دکترای فلسفه تعلیم و تربیت



سمیه مبهتدی (دبیر پرونده)
دکترای تکنولوژی آموزشی

ساحت در لغت‌نامه فارسی معین به معنای خانه، درگاه و آستانه آمده‌است، ولی مقصود از ساحت در حوزه تعلیم و تربیت، محدوده و دامنه خاصی است که مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت در آن حوزه و دامنه قرار می‌گیرند. انسان موجودی دارای ابعاد و ساحت‌های متعدد است و برای نیل به کمال باید در همه این ابعاد تربیت شود. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس مبانی وجودی انسان، به ابعاد و ساحت‌های تربیتی شش‌گانه‌ای را معرفی کرده است. در این پرونده قصد داریم هر ساحت را تعریف کنیم و فلسفه و جیستی آن‌ها و مهم‌تر از همه نحوه رویارویی معلمان با این ساحت‌ها را بگوئیم.

- تعلیم و تربیت شش‌وجهی و مبانی فلسفی آن ۱۸
 «من» نقطهٔ پرگار ساحت‌های تربیتی ۲۱
 فهم دانشجو معلمان از ساحت‌های تعلیم و تربیت ۲۴
 رسانه‌های اجتماعی پشتیبان ساحت‌های تربیتی ۲۶
 کوششی به سوی مدرسه آینده ۲۹
 تحول ذهنی معلم ۳۳

پرونده
ویژه

تربیت یکپارچه





تعلیم و تربیت شش وجهی و مبانی فلسفی آن

امیر مرادی

استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان

مکاتب و اندیشمندان تعریف‌های متعددی از مفهوم تربیت ارائه کرده‌اند، اما در سند تحول بنیادین تربیت عبارت است از «فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان به‌صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به‌منظور هدایت ایشان در مسیرآماده‌شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

مفهوم تربیت باچنین تعریفی واجد چند خصوصیت اساسی است که شامل تکیه بر نظام معیار اسلامی، توجه به مفاهیم اساسی قرآنی، تأکید بر تکوین و تعالی پیوسته هویت، تأکید بر درک و آگاهی، توجه به عنصر آزادی و اختیار، همه‌جانبه‌نگری، اعتدال و توازن، توجه به شکوفایی هم‌سوی فطرت با رشد استعدادها، و تنظیم متعادل امیال و عواطف، توجه به ایجاد آمادگی برای حیات طیبه، تأکید بر حیث اجتماعی تربیت و یکپارچگی.

یکی از ویژگی‌های اساسی مورد توجه در تعریف تربیت، ایجاد آمادگی در متریان برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد است. حیات طیبه وضع مطلوب زندگی بشر بر اساس نظام معیار ربوبی است. این نظام معیار با انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری در همین زندگی دنیایی و در جهت تعالی آن از سوی خداوند به انسان اعطا می‌شود و تحقق آن باعث دستیابی به غایت اصیل زندگی انسان، یعنی قرب الی‌الله خواهد شد. از سوی دیگر، هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی به‌دست‌دادن آگاهی‌ها، مهارت‌ها و به فعلیت رساندن استعدادها، انسان در جهت قرب الهی است و بنابر مبانی انسان‌شناختی، همه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های وجودی انسان در قرب به خداوند تأثیر دارند. اما انسان‌ها صرف‌نظر از ویژگی‌ها و تفاوت‌هایی که در نیازهای آموزشی و استعدادها با یکدیگر دارند، ابعاد و جوانب مشترک و متنوعی دارند که مطالعه و بررسی دقیق این استعدادها و نیازمندی‌های مشترک مستلزم تفکیک ابعاد و جوانب آن است. به همین دلیل است که در دانش تربیت نیز برای فرایند تربیت ساحت‌های متعددی در نظر گرفته می‌شود

و حوزه‌های خاص تربیت به این وسیله از یکدیگر تفکیک می‌شوند.

ساحت در زبان عربی به معنای میدان و صحنه است و در زبان فارسی به معنای محوطه، عرصه، حیاط خانه و میدان به‌کار می‌رود (لغت‌نامه دهخدا). در تعلیم و تربیت، ساحت به حوزه و محدوده‌ای از فعالیت‌های تعلیم و تربیت گفته می‌شود که ناظر به پرورش بخشی از استعدادها و بینش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های مشترک باشد (داودی و کارآمد، ۱۴۰۰: ۱۵۲)، مشروط بر آنکه اولاً این حوزه‌ها در عرض یکدیگر باشند و ثانیاً برای انسان، از آن جهت که انسان است، در نظر گرفته شده باشند (نوروزی‌نژاد و طباطبایی، ۱۳۹۹: ۵۶). در مبانی نظری سند تحول بنیادین شش ساحت تربیت بیان شده‌اند که شامل ساحت‌های تربیتی «اعتقادی، عبادی و اخلاقی، زیستی و بدنی، سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای، علمی و فناوری، و هنری و زیبایی‌شناختی» می‌شوند. در ادامه هر ساحت را تشریح خواهیم کرد.

مثال‌هایی برای اجرایی کردن آن با تمرکز بر دوره ابتدایی می‌آوریم.

۱. ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی:

بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به خودشناسی، خداشناسی، ایمان به خداوند و باور به معاد، نبوت و سایر معتقدات دینی، انتخاب آگاهانه و اختیاری دین حق، التزام (عملی) آگاهانه و اختیاری نظام معیار دینی در همه شؤون زندگی (تقید اختیاری به احکام و ارزش‌های دینی و

خود و دیگران؛ کسب بصیرت نسبت به سبک زندگی؛ ارتقای سلامت و ایمنی افراد جامعه و حفاظت از محیط زیست. رویکرد این ساحت نیز تعامل مستمر روح و بدن با این توضیح است که در این جهت گیری روح و بدن رابطه‌ای بنیادین، عمیق و در اصل هستی دارند (اسراء، ۸۵؛ مؤمنون، ۱۴).

۳. ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی

بر ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان و همسایگان)، تعامل با دولت و نهادهای مدنی و سیاسی (قانون مداری، مسئولیت پذیری، مشارکت سیاسی و اجتماعی)، کسب دانش و اخلاق اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی (بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی و اجتماعی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و تفاهم ملی) ناظر است. اهداف این ساحت عبارت‌اند از: بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه؛ درک موقعیت اجتماعی و سیاسی خود؛ توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران؛ آمادگی برای تشکیل خانواده و حفظ و تداوم آن؛ کسب شایستگی‌هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت و بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی. رویکرد این ساحت نیز عضویت فضیلت‌مدارانه در خانواده و جامعه صالح است.

برای اجرایی کردن ساحت فوق در دوره ابتدایی می‌توان اهداف زیر را مدنظر قرار داد.
- تربیان با آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های خود در زندگی خانوادگی و اجتماعی، بتوانند از قوانین و مقررات به‌صورت آزادانه و سازنده پیروی کنند.
- مهارت‌های شهروندی را فرا گیرند و نقش‌ها و وظایف خود را در قبال جامعه انجام دهند.

۴. ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

به توانایی آدمی در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای (فهم مسائل اقتصادی، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب‌وکار و احکام معاملات) ناظر است. اهداف این ساحت شامل تدبیر امر معاش و زندگی اقتصادی، فهم مسائل اقتصادی و رعایت الگوهای ملی تولید، توزیع و مصرف منابع و کالاها و خدمات، مراعات قوانین و احکام معاملات و انتخاب شغل متناسب با توانایی‌ها و علاقه‌های خود است. رویکرد این ساحت نیز جهت‌گیری کل‌نگر و تلفیقی در چارچوب نظام معیار اسلامی است.

اصول و آداب اخلاقی در زندگی) و خودسازی بر اساس نظام دینی (حفظ کرامت، خویش‌نظمی، تعدیل عواطف و تمایلات طبیعی، کسب فضائل اخلاقی و پیشگیری از تکوین رذایل غیراخلاقی) است.

اهداف این ساحت شامل پذیرش آزادانه و آگاهانه دین اسلام، ارتقای ابعاد معنوی خویش و دیگران، خودشناسی و دیگرشناسی برای پاسخ‌گویی به نیازها و محدودیت‌های خویش و دیگران، تلاش برای خودسازی و اصلاح دیگران، به‌کارگیری مؤثر و سازنده دین و اخلاق در تمام ابعاد فردی و اجتماعی زندگی است (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۵۴).

رویکرد این ساحت بر فطرت‌مداری، عقلانیت‌محوری، مشارکت، انعطاف‌پذیری، فعال‌بودن، مسئله‌محوری و چندبعدی بودن مبتنی است (نوروزی‌نژاد و طباطبایی، ۱۳۹۹: ۵۶).

به‌منظور اجرایی کردن ساحت در دوره اعتقادی، عبادی و اخلاقی ابتدایی می‌توان اهداف زیر را برای متریان مدنظر قرار داد.
- مفاهیم دینی را درک و فهم کنند، بپذیرند و به پایبندی به آن‌ها علاقه‌مند باشند.
- آموزه‌های دینی را بدانند، دوست بدارند و رعایت کنند (مانند احترام به والدین و معلمان و بزرگ‌ترها راست‌گویی)
- روحوانی و روان‌خوانی قرآن را بیاموزند و دستورات آن را در زندگی به کار گیرند.

۲. ساحت تربیت زیستی و بدنی

این ساحت به حفظ و ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط‌زیست و احترام به طبیعت ناظر است. مهم‌ترین اهداف آن عبارت‌اند از: درک ویژگی‌های زیستی خود و پاسخ‌گویی به نیازهای جسمی و روانی خویش؛ ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی

برای اجرایی کردن مفاهیم این ساحت در دوره ابتدایی می‌توان اهداف زیر را برای متریان مدنظر قرار داد:
- با شناسایی ویژگی‌ها، نیازها و توانمندی‌های خود، سلامت و شادابی‌شان را بیشتر کنند.
- با شرکت در فعالیت‌های ورزشی و تفریحات سالم بر سلامت خود و دیگران بیفزایند.
- با توجه به محیط‌زیست خود، سلامت خود و دیگران را حفظ کنند.

درک زیبایی‌های جهان آفرینش به منزله مظاهر کمال الهی؛ زیباسازی محیط زندگی و پیراستن آن از انواع زشتی‌ها. رویکرد این ساحت تربیت هنری موضوع محور به مثابه رویکرد اصلی رویکرد دریافت احساس و معنا به منزله رویکرد مکمل است.

در حوزه عملیاتی، اهداف این ساحت در دوره ابتدایی عبارت است از اینکه متربیان بتوانند:

- جایگاه مؤلفه‌های زیبایی‌ساز پیرامون خود را درک کنند و بهبود بخشند.
- با خلق آثار هنری قدرت تخیل، تجسم و ایده‌پردازی‌شان را پرورش دهند.
- با یادگیری اصول زیبایی‌شناختی، پدیده‌های طبیعی و هنری را ارزیابی کنند.

نتیجه‌گیری

در متن مبانی نظری تحول بنیادین، چرایی و چگونگی طراحی ساحت‌های شش‌گانه بیان نشده است، اما بر اساس دلالت‌های برگرفته از برنامه درسی ملی در خصوص عرصه‌های چهارگانه ارتباط آدمی (خود، خدا، خلق و خلقت) می‌توان دریافت، تقسیم‌بندی قیاسی و واقعی می‌تواند مبانی محکمی برای عرصه‌های تربیت قرار گیرد. همچنین، مصداق ساحت‌های شش‌گانه و عرصه‌های چهارگانه ارتباط آدمی یکی دانسته شده‌اند. این دو تعبیر بیان‌کننده یک واقعیت هستند و آن اینکه اهداف تربیتی باید محقق شوند. در نتیجه تمام جنبه‌های زندگی فردی و جمعی انسان با یکدیگر ارتباط دارند و به‌ویژه ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی نوعی تداخل و هم‌پوشی با سایر جنبه‌های زندگی دارد. لذا تقسیم‌شون حیات بشر به ساحت‌های شش‌گانه مذکور موضوعی اعتباری است و باید با عنایت به این نکته مهم تعبیر و تفسیر شود.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. داودی، محمد؛ کارآمد، حسین (۱۴۰۰). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم.
۳. نوروزی‌نژاد، محمد؛ طباطبایی، مینو (۱۳۹۹). رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی در ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش. فصلنامه بین‌المللی میان‌رشته‌ای و بین‌الادبیاتی Pure Life. سال ۷. شماره ۲۱. خرداد: ۳۵-۶۳.
۴. مبانی نظری سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش.



پادکست مبانی فلسفی ساحت‌های
شش‌گانه تعلیم و تربیت

به‌منظور اجرایی کردن این ساحت در دوره ابتدایی می‌توان این اهداف را برای متربیان مدنظر قرار داد.

- مفاهیم اقتصادی مانند تولید، توزیع و مصرف را درک کنند.
- پس از آشنایی با مفاهیم کارآفرینی، خلاقیت و قدرت تخیل، مهارت‌های آن‌ها را هم کسب کنند.
- سبک زندگی‌شان را با کار و تلاش، امانت‌داری، درستکاری و پرهیز از اسراف شکل دهند.

۵. ساحت تربیت علمی و فناوری

به توانمندی افراد جامعه در شناخت، بهره‌گیری و توسعه نتایج خردورزی و تجربه متراکم بشری در انواع دانش و فناوری (فهم انواع دانش‌های مفید و لازم برای زندگی، به‌کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی در حل مسائل، تقویت تفکر انتقادی، و کسب دانش فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی) ناظر است. اهداف این ساحت شامل شناخت و بهره‌گیری از نتایج تجربه‌های علمی بشری، بهره‌گیری و ارزیابی از یافته‌های علمی، طراحی و اجرای آگاهانه فعالیت‌های علمی-پژوهشی، درک، کشف و تفسیر پدیده‌ها و رویدادهاست. رویکرد این ساحت جهت‌گیری کل‌نگر و تلفیقی در چارچوب نظام اسلامی است.

در حوزه عملیاتی، اهداف این ساحت در دوره ابتدایی به این شرح است که متربیان:

- مهارت‌های جست‌وجوی علمی را فراگیرند و در حل مسائل زندگی به‌کار ببرند.
- ایده‌ها و یافته‌های علمی و پژوهشی‌شان (فردی و گروهی) را با دیگران به مشارکت بگذارند.
- راه‌حل‌های علمی و پژوهشی را برای پاسخ به کنجکاوی‌های خود به کار گیرند.

۶. ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری

ناظر به فعالیت قوه خیال و بهره‌مندی از عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی (درک و تقدیر از موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی) و توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش‌های هنری است. اهداف این ساحت عبارت‌اند از: فهم پدیده‌ها و هدف رویدادهای طبیعت؛ رمزگشایی و رمزگردانی از پدیده‌های آشکار و پنهان طبیعت؛ پرورش حواس و تخیل برای بازخوانی فطرت الهی خویش؛



ساحت تربیت زیستی و بدنی

زمانی که قرار است دانش‌آموزان خود را طوری تربیت کنیم که در ساحت تربیت زیستی توانمند شوند، اول باید خودمان حداقل‌هایی از رفتار و منش آن ساحت را داشته باشیم. به‌طور مثال، عادت کرده‌ایم در مراسم، جشن‌ها و مناسبت‌ها از ظرف‌های یکبار مصرف استفاده کنیم؛ ظرف‌هایی که به طبیعت و محیط زیست آسیب می‌زنند. برای تحویل اشیاء و بسته‌ها هم از پوشش‌های پلاستیکی استفاده می‌کنیم. آیا نمی‌توان به‌جای استفاده همیشگی از این پلاستیک‌ها و اجناس مخرب محیط زیست، از کیسه‌های پارچه‌ای یا پاکت‌های کاغذی استفاده کرد؟ اگر عادت استفاده از جایگزین‌ها در ما تقویت شود، قطعاً دانش‌آموزانمان نیز آن را از ما می‌پذیرند و یاد می‌گیرند. در اردوها و گردش‌های علمی می‌توان بدون آموزش مستقیم، رعایت نحوه درست مصرف را به‌راحتی به دانش‌آموزان آموزش داد. اگر همکاران آموزشی و حتی اجرایی مدرسه و در کنار آن‌ها معلمان، در ساحت زیستی‌بدنی به مهارت نرسیده باشند، امکان تربیت دانش‌آموزان در این ساحت میسر نمی‌شود.

از طرف دیگر، ما در مدرسه به دنبال ورزش هستیم یا تربیت‌بدنی؟ اگر به دنبال تربیت‌بدنی هستیم، با زمان ۴۵ دقیقه در برنامه درسی به آن نمی‌رسیم. حتی اگر مشکل کمبود زمان را حل کنیم، مگر می‌شود تربیت‌بدنی را گسترش داد، در صورتی که خود معلم در این حوزه مهارت نداشته باشد؟! معلمی که در تربیت‌بدنی به کمال نرسیده باشد و الگو نباشد، نمی‌تواند رشد دانش‌آموزان خود را در این ساحت تقویت کند. دانش‌آموزان هم از چنین معلمی درس نمی‌گیرند.

«من»؛

نقطه پרגار ساحت‌های تربیتی

سمیه مهتدی

دکترای تکنولوژی آموزشی

ساحت‌های تربیتی اهدافی هستند که در مبانی نظری تحول بنیادین آمده‌اند و قرار است دانش‌آموزان در این ساحت‌ها رشد کنند و پرورش یابند. اما چگونه؟ چگونه می‌توانیم دانش‌آموزان را در این ساحت‌ها رشد دهیم؟ معلم و توسعه شخصی و حرفه‌ای او در این ساحت‌ها تا چه حد اهمیت دارد؟ آیا ممکن است معلمی که خود در ساحتی رشد نیافته است، دانش‌آموزانش را در آن ساحت تربیت کند؟

برای آموزش دانش‌آموزان در ساحت‌های گوناگون باید خود همکاران (آموزگاران و دبیران) در آن ساحت حرفه‌ای و توانمند باشند و به‌نوعی، الگوی مناسبی از گسترش آن ساحت در وجودشان باشند. در این فرصت مثال‌هایی در هر ساحت می‌آوریم.

ساخت تربیت اجتماعی و سیاسی

نظر، انتقاد و ... توانمند هستیم؟ آیا توان شنیدن مخالفت یا انتقاد را از همکاران، اولیا و دانش‌آموزان خود داریم؟ آیا خودمان در این ساخت توانمندیم و توسعه حرفه‌ای یافته‌ایم که حال بخواهیم دانش‌آموزان خود را تربیت کنیم؟ سخنگاه (تربیت) بحث آزاد به دانش‌آموزان یاد می‌دهد چگونه صحبت‌ها و نقدهای خود را بیان کنند. در درس‌هایی مانند مطالعات اجتماعی هم می‌توانیم زمینه بحث و تبادل نظر در مورد موضوعات را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهیم. همچنین، شاید بد نباشد دانش‌آموزان را به جلسات علنی مجلس و دادگاه‌های حقوقی یا خانوادگی ببریم و فرصت تجربه فضای بحث و گفت‌وگوی واقعی را در اختیارشان بگذاریم.

در ساخت تربیت اجتماعی و سیاسی روحیه همکاری، همدلی، توافق و سازگاری، مخالفت و ... تمرین و تقویت می‌شوند. مدرسه‌ها در تربیت اجتماعی و سیاسی تا چه حد از شوراهای دانش‌آموزی استفاده می‌کنند؟ آیا شوراهای دانش‌آموزی که نماد رأی‌گیری، تخریب‌نکردن و گفت‌وگو صحیح هستند، در مدرسه مورد توجه اولیای مدرسه قرار می‌گیرند؟ آیا به دانش‌آموزان این فرصت را می‌دهیم که مهارت‌های اجتماعی و سیاسی خود را در فضایی که شوراهای دانش‌آموزی در اختیارمان قرار می‌دهند تقویت کنند؟ آیا خود ما معلمان در انتخاب نماینده معلمان، بحث و تبادل

ساخت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

کرد. می‌توان دانش‌آموزان، به‌خصوص دوره ابتدایی را به مراکزی مانند «کاربازیا» برد. تا زمانی که دانش‌آموزان را در معرض آشنایی با مشاغل و حرفه‌های متنوع قرار ندهیم، نمی‌توانیم توقع تربیت خوب آن‌ها را در ساخت اقتصادی و حرفه‌ای داشته باشیم! چند سالی است به یمن وجود برنامه بوم، مدرسه‌ها با گیاهکاری و سبزی‌کاری آشتی کرده‌اند. الان بیشتر از گذشته در مدرسه‌ها باغچه‌های سبزی‌کاری شده دانش‌آموزان را می‌بینیم و این برای ورود به تربیت در ساخت اقتصادی - حرفه‌ای از هیچ بهتر است. در برخی مدرسه‌ها بازارچه‌هایی برای فروش محصولات دانش‌آموزان یا حتی صرفاً فروش کالاهای دیگر ایجاد می‌شوند. این بازارچه‌ها محل‌هایی برای کسب تجربه در زمینه فروش و سواد مالی هستند. همین کار را مناطق و مدرسه‌ها می‌توانند از محل مدرسه به نمایشگاه‌های درون‌شهری مانند نمایشگاه‌های بهاره و ... گسترش دهند و اجازه دهند دانش‌آموزان خرید و فروش را در نمونه و اندازه‌های واقعی‌تر و وسیع‌تر و با مخاطبان و مشتریان بیشتر تجربه کنند.

در طول سال تحصیلی مدرسه‌ها غالباً دو یا سه گردش علمی برای دانش‌آموزانشان در نظر می‌گیرند. در دوره ابتدایی، غالباً رفتن به سینما، دیدن آسمان‌نما و رفتن به موزه در برنامه گردش علمی برنامه‌ریزی می‌شود. این در حالی است که همه این مکان‌ها امکان بازدید خانوادگی نیز دارند. چرا بازدید از کارخانه‌ها و مراکز صنعتی که امکان بازدید با خانواده در آن‌ها وجود ندارد، در برنامه‌های گردش‌های علمی مدرسه قرار نمی‌گیرد؟ چرا اداره‌های آموزش و پرورش با کارخانه‌های خودروسازی، صنایع غذایی و بهداشتی تفاهم‌نامه‌ای ندارند تا مدرسه‌ها بتوانند دانش‌آموزان خود را به این مراکز صنعتی ببرند و آن‌ها را با انواع مشاغل آشنا کنند؟ مگر غیر از این است که دانش‌آموزان در برخورد با مصداق‌های عینی بهتر می‌آموزند و انگیزه‌شان با دیدن نحوه کار صنایع بیشتر می‌شود؟ برای تقویت این ساخت می‌توان کارآفرین‌های متعدد را به کلاس‌ها دعوت کرد. می‌توان برنامه‌های تلویزیونی مانند «میدون» را در کلاس پخش کرد و در مورد آن‌ها صحبت

ساخت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

که دانش‌آموزان بتوانند به انتخاب خود در آن‌ها شرکت کنند، پرهیز از افراط و تفریط در رفتارها یا توازن بین ظاهر و باطن و ایجاد فرصتی برای اولویت‌بخشی به استدلال به‌جای پذیرش محض و تأکید بر کاربرد دین و اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی، همه کمک می‌کنند دانش‌آموزان با اصول تربیت در ساخت عبادی، اعتقادی و اخلاقی آشنا شوند و آن‌ها را به‌طور عملی درک کنند. از طرف دیگر، نمایش پیام‌های قابل درک و جذاب نوشتاری و نمادین با مضمون‌های عبادی، اعتقادی و اخلاقی در سطح مدرسه، بر تربیت اخلاقی و دینی دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد.

اگر بخواهیم دانش‌آموزانمان در ساخت عبادی، اعتقادی و اخلاقی رشد یابند چه کنیم؟ چگونه کمک کنیم اصل‌های «تحول مداوم، ایجاد توازن و رعایت اولویت‌ها» در دانش‌آموزانمان نهادینه شوند؟ اگر بپذیریم یکی از بهترین روش‌ها برای تدریس، قراردادن یادگیرنده در موقعیت مشابه، الگوبرداری و تمرین است. پس اگر در رفتارهایمان و برنامه‌های کلاسی این اصول قابل مشاهده باشند، دانش‌آموزانمان به رفتار متناسب با تربیت عبادی، اعتقادی و اخلاقی علاقه‌مند می‌شوند. به‌طور مثال، ارائه برنامه‌هایی

ساحت تربیت علمی و فناوری

ما به عنوان شهروند با دریافت هر خبر چه می‌کنیم؟ بدون چون و چرا آن را می‌پذیریم؟ در لحظه انتشارش می‌دهیم؟ منبعش را جست‌وجو و صحتش را بررسی می‌کنیم؟ نوع مواجهه ما با خبر نشان‌دهنده توسعه شخصی ما در ساحت علمی و فناوری است؟ آیا از تفکر انتقادی برخورداریم؟ آیا روش‌های دریافت اخبار و داده‌های موثق را می‌دانیم؟ آیا نحوه پرداختن به داده‌ها و اطلاعات و استفاده از آن‌ها را می‌دانیم؟ اگر می‌دانیم، در ساحت علمی و فناوری حرفی برای گفتن داریم؟

با مسائل کلاس خود چه می‌کنیم؟ برایشان راه‌حلی داریم؟ تا چه حد بدون کمک‌گرفتن از کارکنان اجرایی مدرسه به دنبال حل مسائل کلاسی مدرسه هستیم؟ دانش‌آموزانی

که معلم خود را در حل مسئله به کمک قدرت تفکر و ارائه ایده‌های خلاقانه توانمند می‌بینند، خود نیز در زندگی متفکرتر عمل می‌کنند. لولای در کلاس جیرجیر می‌کند؟ کمی روغن مشک‌ش را حل می‌کند! پیچ تخت‌ کلاس شل شده و تکان می‌خورد؟ لبه خط‌کش فلزی دانش‌آموزان مانند پیچ‌گوشی عمل می‌کند. نور پنجره اجازه دیدن تصویر ویدئو پروژکتور را نمی‌دهد؟ چسباندن دو تکه کاغذ یا مقوا روی شیشه مشکل را حل می‌کند.

بارها در کلاس با مثال‌هایی از این دست روبه‌رو شده‌ایم؛ معلمی که بدون فوت وقت و با کمک‌گرفتن از دانش‌آموزان مسائلی از این دست را حل می‌کند، قطعاً به دانش‌آموزان خود تفکر و حل مسئله در سطحی بالاتر را می‌آموزد.

ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری

تا به حال به این فکر کرده‌اید که ظاهر و پوشش معلم چقدر در نحوه ارتباط او با دانش‌آموزانش مهم است؟ چقدر رفتارهای همراه با ظرافت و زیبایی معلم می‌تواند دانش‌آموزان را به خود جلب کند؟ چقدر نمود بیرونی نظافت و پاکیزگی و اهمیت به آن در معلم می‌تواند بر رفتار دانش‌آموزان تأثیر بگذارد؟

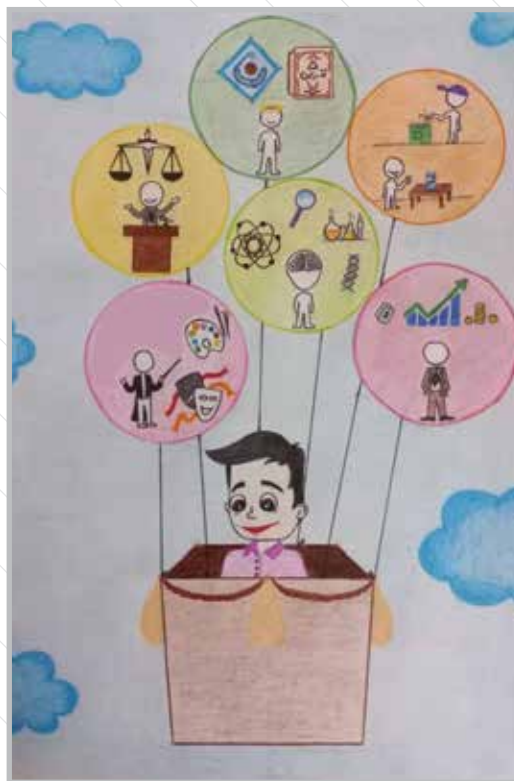
معلمان و دبیران الگوهای بالقوه دانش‌آموزان هستند و هر چقدر ظاهر و رفتارشان در یک ساحت نمود بیشتری داشته باشد، دانش‌آموزان بیشتر به آن ساحت جلب می‌شوند. معلمی که ظاهرش آراسته و پاکیزه است، حرف‌زدنش نیکوست، روی میزش همیشه مرتب است و روی تخته زیبا می‌نویسد، می‌تواند الگویی از رشد در ساحت زیبایی‌شناختی و

تقویت‌کننده این ساحت در دانش‌آموزانش باشد.

پرداختن به زیبایی و نظافت ساختمان مدرسه و مشارکت دادن دانش‌آموزان در این راه، یکی از روش‌های آشنای دانش‌آموزان با ساحت زیبایی‌شناختی است. برگزاری نشست‌های ادبی و محفل‌های شعرخوانی هم می‌تواند به تقویت ذوق هنری دانش‌آموزان کمک کند. هرچه بیشتر بتوانیم دانش‌آموزان را در فضایی زیبا و غنی از لطافت شعر و ادب قرار دهیم، به همان میزان دید زیبایی‌شناختی را در آن‌ها تقویت کرده‌ایم. همانند ساحت‌های دیگر، مهم آن است که خود معلم در این ساحت رشد و توسعه یافته باشد. در آن صورت می‌تواند تأثیری عمیق بر دانش‌آموزان خود داشته باشد.

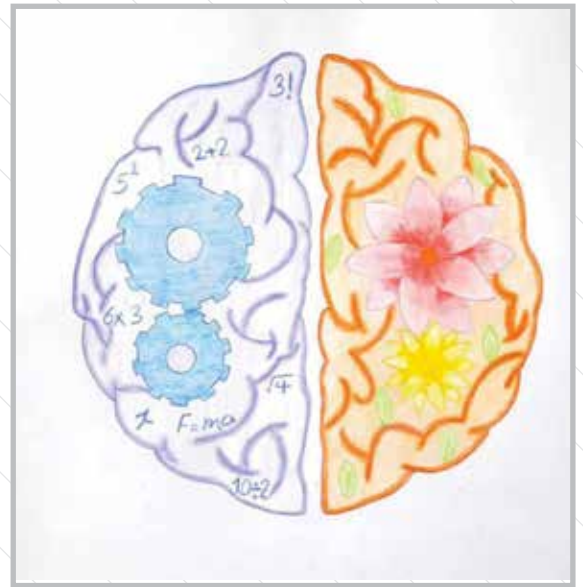
جمع‌بندی

توانمندسازی دانش‌آموزان در ساحت‌های شش‌گانه تربیتی زمانی تضمین می‌شود که شخصیت معلم در آن ساحت‌ها رشد و توسعه یافته باشد. اگر می‌خواهیم دانش‌آموزانمان به بهترین نحو یاد بگیرند و در تدریس موفق باشیم، باید الگو و نمونه‌ای شایسته باشیم و این محقق نمی‌شود، مگر با تمرین و خودسازی و البته با مطالعه و تفکر.



فهم دانشجومعلمان از ساخت‌های تعلیم و تربیت

تربیت تمام‌ساختی، دانش‌آموزان را برای زندگی واقعی آماده می‌کند. به همین دلیل اشراف به ساخت‌های تعلیم و تربیت بسیار مهم و پیوندزده آن‌ها به درس‌ها مهم‌تر است و نیاز است دانشجومعلمان در دوره‌های تربیت معلم فهم کاملی از ساخت‌های تربیتی به‌دست آورند. در اینجا از دانشجومعلمان دختر و پسر رشته آموزش ابتدایی و زیست‌شناسی ورودی ۱۴۰۰ خواستیم فهم و درک خود از ساخت‌های تربیتی را در قالب تصویر ارائه دهند. نتیجه در این بخش آمده است.



رسانه‌های اجتماعی پشتیبان ساحت‌های تربیتی

صادق حامدی نسب
دکترای برنامه‌ریزی درسی

ساحت در لغت‌نامه فارسی معین به معنای خانه، درگاه و آستانه آمده است، ولی مقصود از ساحت در حوزهٔ تعلیم و تربیت، محدوده و دامنهٔ خاصی است که مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت در آن حوزه و دامنه قرار می‌گیرند (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). رسالت آموزش و پرورش تربیت انسانی است که به حیات طیبه برسد و بر اساس سند تحول بنیادین لازم است دانش‌آموزان در ساحت‌های تربیتی شش‌گانه اعتقادی، عبادی و اخلاقی، زیستی و بدنی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای، علمی و فناوری، و هنری و زیبایی‌شناختی تربیت شوند. همهٔ عناصر دخیل در آموزش و پرورش، از جمله معلمان، موظف هستند تربیت همه‌جانبهٔ دانش‌آموزان را در همهٔ ساحت‌ها مدنظر قرار دهند. با توجه به اینکه دانش‌آموزان اوقات زیادی از زمان خود را صرف رسانه‌های اجتماعی می‌کنند، در این میان رسانه‌هایی مانند تلویزیون، رادیو و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در این زمینه دارند.

لازم به ذکر است، رسیدن شاگردان به اهداف و سیاست‌های کلان در سند تحول بنیادین نیازمند رشد و پرورش همه‌جانبهٔ آن‌ها در همهٔ ساحت‌هاست و توجه زیاد به یک بعد و غفلت از ابعاد دیگر، دانش‌آموزان را دچار سیری قهقراپی در تربیت می‌کند و فعالیت‌های یاددهی و یادگیری نیز بی‌اثر خواهند بود. در ادامه، نقش رسانه‌های اجتماعی در هر یک از ساحت‌های تربیتی بیان شده است:

۱. ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

یکی از راهبردهای مهم آموزش مسائل دینی و اعتقادی، آموزش غیرمستقیم شاگردان است، تأثیر این نوع آموزش‌ها از آموزش‌های مستقیم درس بیشتر است. بر این اساس، نقش آموزش این مسائل از طریق رسانه‌های اجتماعی مهم جلوه می‌کند. برنامه‌های متنوع صداوسیما شاهد این مدعا هستند. شبکهٔ تلویزیونی قرآن و رادیو زیارت و رادیو مقاومت به‌طور خاص به مسائل اعتقادی، عبادی و اخلاقی می‌پردازند. سایر شبکه‌ها نیز در لابه‌لای برنامه‌های خود و به‌ویژه به هنگام اذان، به‌صورت ویژه این مسائل را پیگیری می‌کنند. برای مثال، برنامهٔ مخاطب خاص که از شبکهٔ سوم سیما پخش می‌شود، با ارائهٔ برنامه‌های زنده از مکان‌های مذهبی و زیارتی از نظر دینی شاگردان و مخاطبان را تقویت می‌کند. علاوه بر این‌ها، سایر رسانه‌های اجتماعی مانند وبگاه‌ها، وب‌نوشت‌ها و شبکه‌های اجتماعی با ارائهٔ محتواهای مذهبی و اعتقادی به تربیت دینی شاگردان کمک می‌کنند.

۲. ساحت تعلیم و تربیت اجتماعی و سیاسی

با وجود کرونا در چند سال اخیر و ارائه مجازی درس‌ها، تعداد زیادی از یادگیرندگان با مهارت‌های اجتماعی و حتی مهارت‌های سیاسی بیگانه شده‌اند. بر این اساس، رسانه‌های اجتماعی و به‌ویژه آموزش‌های تلویزیونی می‌توانند در یاددهی این مهارت‌ها نقش مهمی داشته باشند. تلویزیون و رادیو گرچه فرصتی برای آموزش یک‌طرفه و غیرمستقیم به وجود می‌آورند، اما فعالیت شاگردان در فضای مجازی و به‌ویژه در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها زمینه برقراری ارتباط واقعی شاگردان را با دوستان، هم‌سالان و اقوام فراهم می‌آورد و فرصت مناسبی برای تمرین مهارت‌های اجتماعی و سیاسی شاگردان است. برای مثال، در شبکه دانش‌آموزی شاد دانش‌آموزان می‌توانند به راحتی با دوستان، هم‌سالان و معلمان خود ارتباط چندگانه برقرار کنند. علاوه بر این‌ها، در همین شبکه شاد، بسیاری از مدرسه‌ها انتخابات شورای دانش‌آموزی را به صورت مجازی برگزار می‌کردند و شاگردان می‌توانستند علاوه بر نامزدی در انتخابات و تبلیغات در فضای مجازی، به نامزد موردنظر خود رأی بدهند. بنابراین، فرصت مناسبی برای تربیت سیاسی و اجتماعی آن‌ها فراهم می‌شد تا بتوانند در امور مدرسه مشارکت داشته باشند.

۳. ساحت تعلیم و تربیت زیبایی‌شناختی و هنری

وجود کرونا در چند سال اخیر و دور بودن دانش‌آموزان از حضور در کلاس درس باعث شد بسیاری از فعالیت‌ها و کارگاه‌های هنری به صورت مجازی برگزار شوند و احتمالاً اثربخشی لازم را نداشته باشند. بر این اساس، نقش رسانه‌های اجتماعی پررنگ شد، چراکه برنامه‌های تلویزیونی، رادیویی و مواد و منابع به اشتراک گذاشته شده در شبکه‌های اجتماعی برای آموزش مهارت‌های هنری به دانش‌آموزان فرصت خوبی فراهم کردند. برای مثال، برنامه‌های آموزش هنر و کاردستی شبکه‌های آموزش و پویا امکان خوبی برای آموزش این مهارت‌ها هستند. علاوه بر این‌ها، صفحه‌ها، کانال‌ها و گروه‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها نیز بستر مناسبی برای ایده‌گرفتن شاگردان از تولیدات هنری محسوب می‌شوند. به عنوان مثال، صفحه مجازی tazyin.madares@ نمونه کاردستی‌ها و تزئیناتی را برای کلاس‌ها و مدرسه‌ها ارائه می‌دهد. هم‌معلمان و کارکنان آموزشی و هم دانش‌آموزان می‌توانند از تولیدات این صفحه ایده بگیرند و آن‌ها را در کلاس و مدرسه اجرا کنند.

۴. ساحت تعلیم و تربیت زیستی و بدنی

با استفاده از رسانه‌های اجتماعی می‌توان احترام به طبیعت و تعهد به حفاظت از محیط‌زیست را در دانش‌آموزان ارتقا داد. علاوه بر این، با کمک این رسانه‌ها می‌توان نحوه رعایت بهداشت جسمی و روانی را آموزش داد. بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی به صورت مستقیم و غیرمستقیم مهارت‌های حفاظت از محیط‌زیست اعم از جنگل، دریا و بوستان را آموزش می‌دهند. علاوه بر این‌ها، به‌ویژه در ایام کرونا که رعایت مسائل بهداشتی اهمیت ویژه‌ای داشت، رسانه‌های اجتماعی با برنامه‌های متنوع و در قالب‌های نمایش‌های صوتی و دیداری به این موضوع می‌پرداختند. در حال حاضر، شبکه سلامت در برنامه‌های تلویزیونی، به‌طور خاص موضوع سلامت بدن را پیگیری می‌کند. دانش‌آموزان می‌توانند با دنبال کردن این شبکه یا برنامه‌های متنوع دیگر که از طریق صداوسیما پخش می‌شود، به این موضوع مهم بپردازند. علاوه بر این‌ها، سایر رسانه‌های اجتماعی مانند شبکه‌های اجتماعی نیز نقش مهمی در درونی کردن احترام به طبیعت و حفاظت از آن و همچنین رعایت مسائل بهداشتی برای سلامتی دارند.



مقاله بررسی نقش رسانه در نظام تربیتی
سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

۵. ساحت تعلیم و تربیت علمی و فناورانه

بخش اعظم یادگیری‌های انسان به‌ویژه در دوره‌های تحصیلی بالاتر، به‌صورت غیررسمی و خارج از محیط کلاس درس و مدرسه اتفاق می‌افتد. همچنین، دانش‌آموزان مدت کوتاهی از یک شبانه‌روز را در محیط‌های آموزشی می‌گذرانند. با توجه به رشد بی‌رویه فناوری اطلاعات و ارتباطات، اوقات زیادی از شاگردان صرف استفاده از رسانه‌های اجتماعی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی می‌شود. بر این اساس، نقش یادگیری‌های غیررسمی شاگردان از طریق رسانه‌های اجتماعی پررنگ است و تولید محتواهای آموزشی متناسب با سن و جنسیت در این رسانه‌ها می‌تواند بخش اعظم یادگیری‌های شاگردان را شامل شود. از شبکه‌های تلویزیونی، شبکه آموزش به‌طور خاص با ارائه برنامه‌های متنوع آموزشی به آموزش رسمی و غیررسمی شاگردان می‌پردازد. علاوه بر این‌ها، سایر شبکه‌ها و به‌ویژه شبکه چهار نیز سهم مهمی از این آموزش را بر عهده دارند. همچنین، برنامه‌های متنوع رادیویی مثل رادیو فرهنگ و سایر امواج رادیویی در این باره دخیل هستند. سایر رسانه‌های اجتماعی مانند وبگاه‌ها، وب‌نوشت‌ها، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها نیز در آموزش شاگردان سهم عمده‌ای دارند. شبکه دانش‌آموزی شاد به‌صورت رسمی و سایر محتواهای ارائه‌شده در شبکه‌های اجتماعی به‌صورت غیررسمی در تربیت علمی و فناورانه شاگردان نقش ایفا می‌کنند.

۶. ساحت تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

بسیاری از دانش‌آموزان، به‌ویژه در دوره ابتدایی، با نکات شغلی و اقتصادی آشنا نیستند. وجود برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی مرتبط با موضوعات اقتصادی و شغلی متناسب سن هر دوره تحصیلی می‌تواند آن‌ها را برای آینده شغلی و حرفه‌ای‌شان آماده کند. علاوه بر این‌ها، وجود محتواهای چندرسانه‌ای، اعم از عکس، فیلم، کاریکاتور در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، می‌تواند پتانسیل خوبی برای آشنا کردن شاگردان با این مسائل باشد تا بتوانند در دوران دانش‌آموزی استعدادها و علاقه‌های حرفه‌ای‌شان را کشف و در جهت رشد این استعدادها حرکت کنند تا در آینده نیز نقش خود را به‌عنوان شهروندی مولد و کارآفرین ایفا کنند. از جمله برنامه‌های تلویزیونی که در این زمینه تا حدودی توانسته است در آشنایی دانش‌آموزان با حرفه‌های گوناگون و نحوه سودآوری آن‌ها نقش‌آفرینی مؤثری داشته باشد، برنامه «میدون» است. در این برنامه، صاحبانی کارآفرین از مشاغل گوناگون حرفه خود را معرفی و حدود و ثغور درآمدزایی خود را بیان می‌کنند.

سایر رسانه‌های اجتماعی مانند وبگاه، وب‌نوشت‌ها، ویکی‌ها و بسیاری از صفحه‌ها، کانال‌ها و گروه‌های کاری شبکه‌های اجتماعی که تولیدات خانگی و صنعتی خود را در فضای مجازی عرضه می‌کنند، می‌توانند، به‌صورت غیررسمی، امکان خوبی برای آشنایی شاگردان با شغل‌های گوناگون و رشد سواد مالی آن‌ها باشند. شکل ۱، ارتباط این ساحت‌ها با رسانه‌های اجتماعی را نشان می‌دهد. همان‌طور که می‌بینید، ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با انواع رسانه‌های اجتماعی در ارتباط دوطرفه هستند و مسلم است برای تربیت همه‌جانبه شاگردان نیز با هم ارتباط تنگاتنگی دارند.



شکل ۱. ارتباط رسانه‌های اجتماعی با ساحت‌های تربیتی

منبع

۱. میانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.



کوششی به سوی مدرسه آینده

روایتی از کوشش چند جوان
برای ابداع روشی متفاوت در
تعلیم و تربیت

علیرضا میربکائی

مدیر توسعه الگوی مدرسه‌داری برهان

شروع ماجرا

داستان برمی‌گردد به حوالی سال‌های ۸۷ تا ۹۲؛ زمانی که جمعی از جوانان فارغ‌التحصیل یکی از مدرسه‌های تهران که نسبت به وضعیت آشفته نظام آموزش و پرورش دغدغه‌های مشترکی داشتند و حالا در همان مدرسه معلم شده بودند، به تحولی اساسی و بنیادی در نظام آموزشی می‌اندیشیدند. ظاهر کار به صورت تلاش بی‌وقفه آن‌ها در یک مدرسه برای ایجاد تجربه‌های کوچک متفاوت از یادگیری برای بچه‌ها دیده می‌شد، اما افق‌های بلندی پیش روی آن‌ها بود. روح حاکم بر فعالیت‌هایشان خلاقیت و نوآوری بود و در آن سال‌ها اتفاقاتی در آنجا افتاد که هنوز هم اگر به آن‌ها رجوع کنیم و مستندات و تصویرهایشان را ببینیم، به وجد می‌آییم و تحسینشان می‌کنیم. در ترم اول به جای امتحان از سه درس دینی، زیست و پویا (مهارت‌های زندگی) از دروس مقطع متوسطه اول یک کارآزمون تلفیقی ۱ روزه هیجان‌انگیز به نام دوزش برگزار شد که معلمان مدرسه برای برگزاری آن یک بازی کامپیوتری تولید کردند که در آن کاربر باید تلاش می‌کرد تا زندگی یک موجود زنده را نجات دهد و برای این کار نیاز بود تا مفاهیم علمی و دینی زیادی را به کار بگیرد.

تلفیق درس‌ها در فعالیت‌های آموزشی مدرسه و تربیت تمام‌ساختی در آن مدرسه بسیار مهم بود، اما کلیدواژه مهم‌تری به این فعالیت‌ها معنا می‌بخشید و آن مسئله بود. در واقع همه‌چیز از مسئله آغاز می‌شود و اگر مسئله‌ای نباشد، انگار هیچ چیز آغاز نشده است. در نظام آموزشی برخی از دانش‌آموزان انگیزه‌ای جز مدرک برای درس خواندن ندارند و به همین دلیل آموخته‌هایشان پاسخگوی نیازهای حرفه‌ای و اقتصادی خودشان و جامعه نیست. مهارت شناخت و مدیریت جسم و روان خود را پیدا نمی‌کنند. احساس تعلق و امید نسبت به کشور در آن‌ها پرنگ نیست. مهارت‌های زندگی و ارتباطات اجتماعی آن‌ها در حد مطلوبی نیست. این افراد اغلب رویکردی حفظی دارند و ... به عقیده نگارنده، اصلی‌ترین ریشه بروز این مشکلات، مسئله محور نبودن نظام آموزشی است. برای اینکه بتوانید منظورم را بهتر درک کنید، لازم است به همراه هم از یک مدرسه بازدید کنیم. بعضی از معلمان همان مدرسه‌ای که در ابتدای مطلب اشاره شد که فهم مشترکی از مشکلات موجود داشتند و بعد از چندسال فعالیت اجرایی و پژوهشی به راه‌حل‌هایی

این حرف‌ها و ذکر خاطرات که بگذریم موارد مهم‌تری وجود دارد که خوب است در ادامه متن به آن‌ها اشاره کنیم.

مسئله، محور است

مشکل از آنجایی شروع می‌شود که دانش‌آموز ما نمی‌داند دارد چه کار می‌کند. برای چه ریاضی، علوم، تاریخ و جغرافی می‌خواند؟ برای چه باید منظم و مؤدب باشد؟ بگذارید کمی بحث را فلسفی کنیم. دانش‌آموز نه خودش را به درستی می‌شناسد، نه جهان هستی را و نه خدا را. وقتی این‌ها را نشناسد، نمی‌داند هدفش چیست و باید به چه سمتی حرکت کند؟ مدرسه رایج در کشور ما شبیه به یک کارخانه است. اینکه ورودی این کارخانه چیست و چه ویژگی‌های متفاوتی از سایرین دارد مهم نیست. مهم این است که آنچه را ما می‌خواهیم، یاد بگیرد تا بعدها کاری را که ما می‌خواهیم انجام دهد. همه باید این فرایند را طی کنند تا محصول مدنظر ما تولید شود.

این وضعیت مختص کشور ما نیست. شما بروید سخنرانی‌های ایلان ماسک را هم گوش کنید. می‌گوید مدرسه نروید، دانشگاه نروید، این‌ها لزوماً به دردتان نمی‌خورند، چرا که نهاد مدرسه با تمام عناصر و فرایندهایش، در پی انقلاب صنعتی شکل گرفت و هدفش چیزی جز چرخیدن چرخ کارخانه‌ها نبود. مفاهیمی مثل کلاس، نیمکت، تخته، حیاط و نمره، با تمام جزئیاتشان، بر این اساس شکل گرفته‌اند و ما نیز این‌ها را با تمام ابعادشان به‌طور دقیق از جای دیگر رونوشت (کپی) کرده و در کشور خودمان چسبانده‌ایم (پیست) کرده‌ایم. شاید بگویید: «این‌ها را خودمان می‌دانیم. راه‌حل چیست؟» حق با شماست. بگذارید به سراغ راه‌حل بروم.

راه‌حل ساده است. در طراحی‌های آموزشی خود باید به مسئله فکر کنیم. دانش‌آموزان را مسئله‌مند کنیم و به آن‌ها اجازه دهیم هر اقدامی لازم است برای حل مسائلتان انجام دهند و اهداف آموزشی مدنظرمان را در این بستر محقق کنیم. یک مثال عملیاتی ساده مطرح می‌کنم تا کمی هم‌دم‌تر شویم. فرض کنید کلاس شما ظاهر شاد و با طراوتی ندارد و دانش‌آموزان از حضور در آن خسته می‌شوند. کافی است آن‌ها را برای حل این مسئله لایق بدانید و از آن‌ها بخواهید مسئله را حل کنند. ممکن است عده‌ای پیشنهاد دهند تعدادی گل و گیاه بیاوریم و در کلاس از آن‌ها نگهداری کنیم. عالی شد! شما می‌توانید در همین میان ریاضی، علوم، اقتصاد، دینی و اجتماعی را به آن‌ها آموزش دهید. به جای اینکه بروید از روی کتاب علوم روخوانی کنید که گیاه سه قسمت دارد: ریشه، ساقه و برگ، بگذارید بچه‌ها گیاه بکارند. به جای اینکه در دوم و سوم دبستان مسئله‌های غیر کاربردی کتاب ریاضی را حل کنید بگویید برای خرید گل و گلدان نفری ۳۰ هزار تومان پول از خانه بیاورند و حساب کنند چقدر می‌شود؟ اگر

برای ایجاد تغییرات اساسی در شیوهٔ مدرسه‌داری فعلی رسیده بودند، تصمیم گرفتند راهکارهایشان را به‌صورت آزمایشی در مدرسه‌ای جدید پیاده‌سازی کنند. با اینکه هیچ انگیزه‌ای به جز ایجاد تحول در نظام رسمی و مدرسه‌های دولتی و دستیابی به عدالت آموزشی نداشتند، اما از آنجا که چند جوان جویای نام ساده را کسی تحویل نمی‌گیرد که بخواهند در نظام رسمی کار متفاوتی انجام دهند، ناچار شدند به سمت تأسیس مدرسه‌ای غیردولتی بروند. نتیجه آن شد که این گروه مدرسه‌ای تأسیس کردند و من ویژگی‌های مدرسه را از زاویه دید خود، زمانی که به تازگی با مدرسه آشنا شده بودم، برای شما بازگو کنم.

آغاز سفر

اولین بار که برای صحبت با مسئولان آن‌جا وارد مدرسه شدم، حوالی ظهر بود، اما مدرسه هنوز تعطیل نشده بود. ابتدا وارد حیاط شدم. داشتم به سمت ساختمان اصلی مدرسه می‌رفتم که دیدم دو نفر از دانش‌آموزان، که به‌نظر می‌رسید در دورهٔ متوسطهٔ اول تحصیل می‌کنند، یک دیگ بزرگ گوشهٔ حیاط گذاشته‌اند و مشغول هم‌زدن مقدار زیادی رب گوجه‌فرنگی هستند! از آن‌ها پرسیدم: «چه کار می‌کنید؟ مگه شما کلاس ندارید؟ قضیهٔ این دیگ چیست؟» یکی از آن‌ها خیلی عادی، طوری که انگار هیچ اتفاق خاصی نیفتاده است، رو به من کرد و گفت: «آقا! مشتری پیدا کرده‌ایم. داریم رب درست می‌کنیم که بفروشیم.» در آن لحظه سوالات فراوانی به ذهنم می‌رسید، اما ترجیح دادم از آن‌ها نپرسم. بعدها فهمیدم واژهٔ کلاس و آموزش و خیلی چیزهای دیگر در این مدرسه تعریف کاملاً متفاوتی دارد. به‌هرحال به ورودی ساختمان رسیدم و از آنجا که مدرسه به‌طور کامل موقت شده بود، کفش‌هایم را درآوردم و وارد شدم. برای رسیدن به دفتر مدیر داشتم از پله‌ها بالا می‌رفتم که دیدم دو نفر از دانش‌آموزان جاروبرقی بزرگی را دست گرفته‌اند و با سرعت به سمت کلاسشان می‌روند. بقیهٔ دانش‌آموزان هم هر کدام مشغول کاری بودند و اصلاً نمی‌شد تشخیص داد الان زمان زنگ تفریح است یا زنگ درسی. عده‌ای داخل کلاس‌ها و پای درس معلم بودند و عده‌ای دیگر در حال رفت و آمد در راهروهای مدرسه. باید هرچه سریع‌تر خودم را به دفتر مدیر می‌رساندم و علت این وضعیت را جویا می‌شدم. مگر مدرسه هم این قدر بی‌نظم می‌شود؟! چرا هیچ چیز سر جایش نیست؟! الان که چند سال از حضورم در این مجموعه می‌گذرد ساختارهای ذهنی من کاملاً عوض شده. یعنی اگر وارد مدرسه‌ای بشوم و ببینم که در حیاط مدرسه‌ای پرنده پر نمی‌زند و همه داخل کلاس‌هایشان هستند و به محض به صدا درآمدن زنگ تفریح همه موظف هستند وارد حیاط بشوند و کسی نباید داخل راهروی مدرسه باشد تعجب می‌کنم. از

کنند تا با مفاهیم کسب و کار آشنا شوند. تربیت تمام‌ساختی صحیح یعنی همین. یعنی می‌شود در بستر مسائل واقعی زندگی ساخت‌های شش‌گانه تربیتی را محقق کرد، بدون آنکه تنبیه و تشویق و نمره و جریمه‌ای درمیان باشد.

مسئله نگرهداری از گلدان یکی از ساده‌ترین مسائلی است که می‌توان بهترین استفاده را از آن کرد. اما کارهای ما می‌تواند بسیار پیچیده‌تر، جذاب‌تر و مفیدتر باشد که البته پیچیدگی لزوماً هنر نیست، و مدرسه ما و محیط زندگی تک‌تک دانش‌آموزان ما سراسر مسئله و نیاز است و هر مسئله‌ای می‌تواند بستری برای یادگیری باشد. حرف‌ها زیاد است و ظرفیت این مقاله کم. بنابراین، از حرفی اجتناب می‌کنم و سعی می‌کنم با استفاده از چند تصویر شما را با خودم ببرم به محیط مدرسه سراج و بازدیدی ساده برایتان ترتیب دهم.

هزینه هر گلدان ۱۰۰ هزار تومان باشد، چند گلدان می‌تواند بخرند. به این ترتیب مشکلات محاسباتی‌شان حل می‌شود. اینجاست که دانش‌آموز می‌فهمد دارد چه کار می‌کند، چرا که خرید گلدان برایش مسئله است. به جای اینکه برای بچه‌ها از روی متن کتاب اجتماعی بخوانید که کار گروهی خوب است و فلان فایده‌ها را دارد، نگرهداری از هر گلدان را به یک گروه دانش‌آموزی بسپارید و اجازه دهید با هم دعوایشان شود تا یاد بگیرند چطور باید با هم تعامل کنند.

نیازی نیست بر سر آن‌ها فریاد بزنید که وسایلشان را مرتب کنند تا منظم شوند. همین که گلدان نیاز به رسیدگی مستمر و منظم دارد، آن‌ها را منظم می‌کند. خرید گلدان‌ها را به خود دانش‌آموزان بسپارید و یک روز با بچه‌ها به اردوی خرید بروید. اجازه دهید وارد مغازه شوند. با مغازه‌دار چانه بزنند. مواظب باشند سرشان کلاه نرود و پول‌هایشان را مدیریت



بچه‌های پایه هشتم می‌خواستند برای فعالیت‌های خیریه‌شان درآمذزایی کنند. با هماهنگی مدرسه تصمیم گرفتند بخشی از دیوار مدرسه را خراب کنند و اتاقکی برای راهاندازی و اداره بوفه مدرسه بسازند.



از چند ماه مانده به یکی از اردوهای دانش‌آموزی پایه پنجم، بچه‌ها تصمیم گرفته بودند یکی از مواد مصرفی اردو را خودشان تولید کنند. این بود که دست به کار شدند و در باغچه‌های مدرسه کاهو کاشتند.



کتاب‌های بچه‌های چهارم زیر دست و پا می‌ماند. جایی برای نگهداری آن‌ها نداشتند. تصمیم گرفتند با طراحی خلاقانه خودشان و با استفاده از تکه چوب‌های بی‌استفاده در کارگاه مدرسه، یک کتابخانه کلاسی بسازند و آن را با سلیقه خودشان رنگ کنند.



در پایان هر روز دانش‌آموزان تمام پایه‌ها موظف هستند کلاستان را تمیز کنند.



قرار بود بچه‌های پایه نهم در اردو جوجه کباب میل کنند. چه کسی بهتر از خودشان برای آماده کردن جوجه‌های خوش‌مزه!



عکس: احمدرضا کریمی

در ساحت زیستی بدنی خرج می‌کنیم؟ چند درصد در ساحت علمی فناوری؟ یعنی ما نیاز داریم چنین بررسی‌هایی هم انجام دهیم. این موضوع آن قدر مهم است که باید همه‌جانبه به آن بپردازیم. هم در بخش نظری و هم در بخش عملیاتی و تعریف پروژه.

❖ چرا معلمان باید ساحت‌ها را بشناسند و به آن‌ها توجه کنند؟ مگر نه این است که کتاب و محتوای آموزشی در آموزش و پرورش متمرکز است و معلم صرفاً ارائه‌دهنده همان محتوا براساس راهنمای تدریس و بودجه‌بندی تدوین‌شده آن است؟

ماهیت تربیت و کار تربیتی بیشتر امری پیش‌بینی‌نشده است تا پیش‌بینی‌شده. من اعتقاد دارم، بخش اعظمی از کار تربیت به امور پیش‌بینی‌نشده مربوط است. در خیلی از مشاغل دنیا، امور پیش‌بینی‌شده و از قبل طراحی‌شده و احصا شده‌شان بیشتر از پیش‌بینی‌نشده‌هایشان است. نمی‌گوییم آن‌ها اهمیت ندارند، اما وقتی ما با امور پیش‌بینی‌شده مواجهیم، کار راحت‌تر و منظم‌تر است. معلم می‌آید سرکلاس و یک کتاب درسی واحد دارد که در تمام استان‌ها، در همه‌جا، قرار است همان تدریس شود. او باید یک سپهر معرفتی داشته باشد؛ یک منظومه معرفتی از فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. تا در موقعیت‌های پیش‌بینی‌نشده بتواند از آن استفاده کند. به نظر می‌رسد، این معلم باید به‌کر وصل باشد. این معلم باید از سرچشمه به اصطلاح سیراب شده باشد تا در موقعیت‌های پیش‌بینی‌نشده بتواند به‌درستی عمل کند.

فلسفه تعلیم و تربیت بسان سامانه‌عامل پیشرفته‌ای



گفت‌وگو: سمیه مهتدی
دکترای تکنولوژی آموزشی

تحول ذهنی معلم

پیش‌نیاز تحول در ساحت‌های تربیتی

سعید ربوشه دارای مدرک دکترای فلسفه تعلیم و تربیت است. وی در سمت‌های متفاوت آموزش و پرورش تجربه‌هایی را در کارنامه خود دارد. ایشان در زمینه آموزش مبانی نظری تحول بنیادین در آموزش و پرورش سابقه‌ای طولانی دارد. از ایشان خواستیم در این گفت‌وگو شرکت کنند و نظراتشان را در مورد ساحت‌های تربیتی و لزوم توجه به مبانی نظری سند تحول بنیادین جویا شدیم. با ما همراه باشید.

❖ توجه به ساحت‌های تربیتی و تربیت یکپارچه بسیار مورد توجه مسئولان آموزش و پرورش قرار دارد. به نظر شما دلیل این توجه چیست و چرا اهمیت دارد؟

مبانی نظری و فلسفه تعلیم و تربیت یک منظومه است؛ یعنی تعریف‌ها، مبانی، چیستی و چرایی. نمی‌توانیم بگوییم کدامش بر دیگری برتری دارد و کدام یک بیشتر اهمیت دارد. همه‌اش منظومه است. اما واقعیت این است که ساحت‌های شش‌گانه، به‌عنوان اهداف و به نوعی قله و مقصد هستند. اگر بخواهیم به چیستی، چرایی و چگونگی تربیت بپردازیم، این ساحت‌ها به‌عنوان اهداف باید مورد توجه و عنایت قرار گیرند. باید در ادبیاتمان و در گفت‌وگوهایمان بیابند. حتی در هزینه‌کردهایمان باید ساحت‌های شش‌گانه را مورد توجه قرار دهیم. من زمانی که رئیس منطقه بودم، به معاون مالی منطقه می‌گفتم نگاه کن بین از درآمدی که ماهیانه داریم چقدر آن، چند درصد آن را برای ساحت اعتقادی خرج می‌کنیم؟ چند درصد آن را



است که معلم می‌تواند به سرعت در موقعیت‌های پیش‌بینی نشده تشخیص دهد با این دانش آموز در این موقعیت و در این فرصت تربیتی چگونه برخورد کند؟ چه روشی برای او به کار بگیرد و چه چیزی تجویز کند؟ معلم باید بتواند هر لحظه از یک منبع، یک منظومه، سیراب شود و ارتزاق کند تا در موقعیت‌های پیش‌بینی شده و نشده به خوبی عمل کند. من اعتقاد دارم آن منبع فلسفه است. فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است. معلم باید بشناسد، باید شناخت داشته باشد. اگر شناخت نداشته باشد، به نظر می‌رسد به تعبیر چارلز کالارک در کتاب فلسفه تربیت معاصر که دکتر باقری و دکتر عطاران ترجمه کرده‌اند، یک «عمل پیشه» می‌شود. یک عمل پیشه اجرایی که فقط بلد است بگوید ساکت، دست به سینه، حرف نزنید و مانند گذشته با نمره کنترل کند. اما اگر معلمی واقعا در کلاس وصل به گُر (مرکز اطلاعات) باشد به نظر می‌رسد که اتفاق بهتری می‌افتد. من این گُر یا مرکز اطلاعات را اداره کل و ستاد و وزارتخانه و بخش نامه و دستورالعمل نمی‌دانم، من آن را فلسفه می‌دانم که اگر به آن رجوع کند، می‌داند باید چه کار کند. من منبعی، مأخذی و منشایی بهتر از فلسفه تعلیم و تربیت نمی‌دانم که آن هم از قرآن کریم، سیره پیامبر (ص)، ائمه معصوم (ع) و از محکقات قانون اساسی و اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی منتج شده است.

آیا معلمان مادر زمینه شناخت و فهم ساخت‌ها و در ادامه آموزش آن‌ها توانمند شده‌اند؟ آیا طرحی برای توانمندسازی معلمان در این زمینه وجود دارد؟

سال ۹۰ مبانی نظری تحول بنیادین رونمایی شده است. به

نظر می‌رسد در سال‌های اول خیلی مانوس نبودیم و ارتباط نداشتیم. معلمان با مبانی نظری آشنا نبودند. اما من خودم که حداقل تجربه مدیریت در منطقه و در شهر تهران را داشته‌ام و با معاون‌ها در ارتباط بوده‌ام، این را دیده‌ام که هر چه جلوتر آمدیم، همه بر مطالعه مبانی نظری تحول بنیادین، مبنا قرار دادن مبانی، مرجع قرار دادن فلسفه تربیت یا مبانی نظری پافشاری کردند و رفته‌رفته بهتر شد. مثلاً در تهران، فکر می‌کنم سال ۹۶ بود که ۱۰۰ مدرسه را که مدیرانشان آماده‌تر بودند، مطالعه عمیق‌تری داشتند، انعطاف بیشتر و جامعیت بیشتری داشتند و ژرف‌نگر بودند، به صورت آزمایشی انتخاب کردیم. درباره سند تحول جلساتی گذاشتیم، آموزش گذاشتیم، ضمن خدمت گذاشته شد و به نظرم امروز زبان سند جزو زبان و ادبیات ما شده است.

سال ۹۲-۹۱ من در وزارتخانه بودم. برای بازدید به آذربایجان شرقی رفتم. آنجا خدمت مدیرکل وقت آذربایجان شرقی رفتم، دو سالی است که مبانی نظری رونمایی شده است. ولی در شهرهایی که برای بازدیدشان رفتم، نه حرف از سند زدند، نه حرف مبانی نظری زدند، نه حداقل کتابی روی میزشان بود که دلمان خوش باشد! خیلی قشنگ جواب داد. آدم پخته‌ای بود. گفت کشتی آموزش و پرورش سنتی عریض و طویل و بزرگ‌هیكل، مثل یک اقیانوس پیما، در اقیانوس تربیت در حال حرکت است. تا بخواهد تغییر جهت بدهد، خیلی طول می‌کشد. به نظرم آن حرف عالمانه و خردمندانه بود. طول کشید، ولی الان به نظرم تغییر جهت داده شده است. دکتر علی‌رضا صادقی زاده که خودشان رئیس کمیته تلفیق مبانی نظری است، در این زمینه خیلی زحمت کشید و کار کرد. در تهران خیلی کمک کرد. رؤسای مناطق و معاونان و مدیران را آموزش داد. دکتر رضا مددی چند سال در قامت مشاور وزیر تلاش کرد و مصداق‌ها را گفت. یعنی گفت در درس علوم تجربی، در ریاضی یا در فارسی فلان مبحث یا موضوع را می‌خواهیم در قالب شش ساعت کار کنیم، چه کار باید کنیم؟ الان هنوز هم وینارهای آموزشی ایشان در شهرهای شیراز، کرمان، طبس و تهران برگزار می‌شوند. به نظر می‌رسد نسبت به گذشته خیلی کامل‌تر شده‌ایم. خیلی مطالباتمان بالا رفته و خیلی فهم و دریافت‌هایمان بهتر شده است، اما نسبت به آینده هنوز موانعی داریم که باید برداشته شوند.

برای تسلط و آشنایی جدی معلمان با ساخت‌ها در نظر و توان عملیاتی‌سازی آن‌ها در فرایند معلمی، ایشان باید واجد چه شایستگی‌ها، دانایی‌ها و توانایی‌هایی باشند؟

اول مهارت ادراکی داشته باشند. یعنی ذهنیت فلسفی داشته باشند. به تعبیر فیلیپ جین اسمیت، کسی ذهن فلسفی دارد که سه‌بعدش خیلی خوب پیش رفته باشد: یکی جامع ببیند،

ساحت‌های
شش‌گانه، به‌عنوان
اهداف و به نوعی
قله و مقصد هستند.
اگر بخواهیم به
چستی، چربی و
چگونگی تربیت
بپردازیم، این
ساحت‌ها به‌عنوان
اهداف باید مورد
توجه و عنایت قرار
گیرند

❖ به نظر شما چه موانعی بر سر راه پرداختن به ساحت‌های شش‌گانه و تربیت یکپارچه وجود دارند؟

معلم اگر بخواهد ذهنیت فلسفی پیدا کند، مهم‌ترین مانع او ذهنی است؛ همان ذهنی که انعطاف ندارد؛ یعنی جمود دارد. ژرف‌اندیش نیست؛ یعنی سطحی‌نگر است. جامعیت ندارد؛ یعنی یک‌تکه را می‌بیند. مهم‌ترین مانع معلم برای آنکه مبانی نظری و ساحت‌ها را فهم و درک و برداشت کند، مانع ذهنی اوست.

دومین مانع اولیا هستند. اگر اولیای دانش‌آموزان هم بتوانند اندازه‌ی معلمان از مبانی نظری و اینکه تربیت چیست و چرا و چگونه باید باشد، فهمی پیدا کنند، به نظرم می‌رسد آن وقت خیالمان راحت خواهد بود؛ وگرنه اگر ما همه‌ی معلمان را هم آموزش دهیم، همه‌ی معلمان هم دریافت و برداشت دقیق و درستی، منطبق با مبانی، داشته باشند و فلسفه را هم بفهمند، ولی اولیا کاری نکنند، کارمان ناقص است. شرکای اصلی ما و یکی از سهام‌داران اصلی ما در تربیت، خانواده است و آموزش و فهم آن‌ها خیلی مهم است.

مانع بعدی موانع بیرونی هستند. من این‌گونه می‌دانم که مرکزی برای حساب‌کنشی از همه‌ی عوامل سهیم در تربیت وجود ندارد. در جلسه‌ی رؤسای مناطق در سال ۹۵ یا ۹۶ این موضوع را خدمت وزیر وقت گفتم. ما مرکزی می‌خواهیم که به نظر من بهترین مکانش دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی است. بخش اول فلسفه‌ی عمومی و فلسفه‌ی تربیتی که نوشته شده است، فقط برای آموزش و پرورش نیست. برای همه است. برای راننده‌ی تاکسی، کارگردان، بازیگر، رئیس رسانه‌ی ملی و خانه‌ی سینماست. اگر در آنجا یک دبیرخانه داشته باشیم، می‌آید سراغ جشنواره‌ی فجر یا وزارت ارشاد و پیگیری می‌کند که از ۳۰ فیلم داخل جشنواره، در ۳۲ فیلم مثلاً سیگار کشیدن تبلیغ شده است. خب معلمان آموزش و پرورش چقدر کار کنند و تربیت کنند و بعد دانش‌آموز بیاید فیلم‌های جشنواره را ببیند و شما جاخالی بدهید. یک جایی باید باشد که از سازمان‌ها و نهادهای دیگر حساب بکشند. این مبانی فقط برای آموزش و پرورش نوشته نشده‌اند! نهادهایی که در تربیت نقش دارند، باید پاسخ دهند. رسانه‌ی ملی در تربیت نقش دارد. سریال‌ها یا باتربیت می‌کنند یا بی‌تربیت. بازیگرها یا باتربیت می‌کنند یا بی‌تربیت. وزارت ورزش، بازیکن‌ها، تیم‌ها، باشگاه‌ها باتربیت می‌کنند یا بی‌تربیت. من بین این دو را قبول ندارم. به نظر من موقعیت تربیتی یا باتربیت می‌کند یا بی‌تربیت؛ حالا با یک ملاحظه‌ای.

نهادهای باید پاسخ دهند. معلم ما سر کلاس تنهاست؛ نهادهای باید بیایند و به معلم کمک کنند. خانه‌ی سینما، تلویزیون، منابر، مساجد، ائمه‌ی جمعه، همه‌ی این‌ها باید بیایند معلمان را پشتیبانی کنند، حمایت کنند، پاسخ دهند که چقدر پول هزینه

یکی ژرف و عمیق ببیند و دیگری منعطف ببیند. اگر یک نفر این سه ویژگی را داشته باشد، ذهن فلسفی دارد. این بخش ادراکی است. علم به ساحت‌ها در بخش ادراکی می‌آید. بخش تخصصی یا دانش فنی معلمی هم هست؛ اینکه معلم حرفه‌ی معلمی را رسالت بداند و هویت حرفه‌ای پیدا کند. چه رفتارهایی باید نشان دهد؟ چگونه باید الگو باشد؟ چرا باید الگو باشد؟ این هم مهم است. یک بخش دیگر هم دانش تخصصی‌شان است. یعنی معلم ریاضی است، دانش ادراکی پیدا کرده، دانش فنی معلمی هم پیدا کرده است و حالا باید بر موضوع ریاضی کاملاً اشراف داشته باشد و بداند این موضوع را چگونه ارائه دهد.

❖ معلمان باید این دانش و آگاهی را عملیاتی کنند. اینکه معلم نگرشش این باشد که ساحت‌های تربیتی چیستند و چستی ساحت‌ها پس زمینه‌ی ذهنش باشد، کافی است؟ چگونه آن را اجرا کند؟

مدل مشخصی وجود ندارد که بتوانیم شفاف بگوییم اجرایی کردن آن چگونه باشد. دغدغه‌ی اصلی و نگرانی من در این سال‌ها، دریافت معلمان بوده است؛ اینکه من خیالمان راحت باشد مدیران و معلمان مدرسه یک بار با هم نشست‌اند و این تعریف‌ها را در شورای مدرسه به مباحثه گذاشته‌اند. من به‌عنوان رئیس منطقه یا معاون اداره‌کل، این موضوع در این سال‌ها دغدغه‌ام بوده است و خیالمان راحت نیست. خیال من زمانی راحت می‌شود که مطمئن شوم این شش ساحت حداقل یک بار در شورای مدرسه به بحث گذاشته شده‌اند. در مورد آن‌ها مطالعه و بررسی کرده‌اند. مطالعه‌ی تطبیقی انجام داده‌اند. ما در منطقه مدیران مدرسه را برای مصاحبه دعوت می‌کردیم. از نظر علمی نمره‌ی خیلی خوبی می‌گرفتند، اما مدیر مدرسه نمی‌توانست شش ساحت را خوب بیان کند. عنوان‌هایش را هم نمی‌توانست بگوید. یکی دو تا را شنیده بود و حرف‌هایی کلی می‌زد. من اعتقاد دارم اگر معلمان به بخش ادراکی و تحولات ذهنی دست پیدا کنند، تحولات در دانش فنی آن‌ها هم شکل می‌گیرد. پیش‌نیاز تحولات سازمانی، تحولات ذهنی است. پیش‌نیاز تحولاتی که در سازمان، آموزش و پرورش و حتی کشور باید اتفاق بیفتد، تحولات ذهنی است. من سال ۹۱ برای بازدید به «لوشان»، مرز بین گیلان و قزوین، رفته بودم. از خود لوشان ۲۰ کیلومتر در دل کوه رفتیم. آنجا روستایی بود که یک مدرسه‌ی شبانه‌روزی داشت و خانمی سرپرست آن بود. در سال ۹۱ در حوزه‌ی ستاد هنوز خیلی از همکاران ما در اداره‌ها دریافت دقیقی از مبانی نظری نداشتند و عقب بودند. اما آن خانم در آنجا کیلومترها جلوتر از مبانی نظری را درک کرده بود. من می‌گفتم و او جلوتر از من می‌گفت. اگر تحول ذهنی و ادراکی در یک نفر شکل بگیرد، آن وقت خانواده و جامعه را هم می‌تواند به‌خوبی اداره کند.



معلم برای
تدریس سپهر
معرفتی داشته
باشد؛ یک منظومه
معرفتی از فلسفه
تعلیم و تربیت
اسلامی، تادر
موقعیت‌های
بیش‌بینی نشده
بتواند از آن
استفاده کند

گفت‌وگو با آقای ربوشه



را مطالبه کند. نهادهای دیگر سهم و دنگ خود را برای تربیت نمی‌گذارند و این مانع بزرگی است.

❖ **به نظر می‌رسد تربیت یکپارچه و توجه به ساحت‌ها و تمرکز بر آموزش آن‌ها نیازمند امکانات و شرایطی است که به مدرسه و خانواده هزینه تحمیل می‌کند و شاید همین هم دلیل اجرانشدن صحیح آن است. شما با وجود چنین مشکلی موافقت می‌کنید؟ به نظرتان راهکار برون رفت از این مشکل چیست؟**

اگر منظور این است که پول مانع است، به نظر من، الزاماً چنین نیست، یعنی خیلی اوقات پول‌های چند برابر هزینه می‌شوند. من فکر می‌کنم پول مانع نیست، همان بخش ادراکی که گفته بودم، همان مانع است. البته ما همه جا مدرسه‌های لازم‌التوجه داریم و باید یارانه (سوبسید) بدهیم. در کل به منطقه‌ها و مدرسه‌های کم‌برخوردار و لازم‌التوجه باید یارانه بدهیم. در بحث مهارت‌های ادراکی، مهارت‌های فنی و مهارت‌های تخصصی باید کمکشان کنیم. سرانه باید به نسبت درست تقسیم شود. بحث اقتصادی و مالی را نمی‌شود انکار کرد، ولی من مانع اصلی را مانع ذهنی می‌دانم. اگر مانع ذهنی برداشته شود، خودشان راهی پیدا می‌کنند. کما اینکه یکی از مترقی‌ترین نظام‌های تعلیم و تربیت در روستاهاست و بچه‌هایی که در روستا و نظام طبیعت بزرگ می‌شوند، فوق‌العاده قوی هستند، قدرشناس هستند و حل مسئله می‌کنند. آن‌ها نسبت به بچه‌هایی که با محدودیت مواجه نشده‌اند، مهارت حل مسئله قوی‌تری دارند و قدر موقعیت‌ها را بهتر می‌دانند. محدودیت‌ها موجب می‌شود آن‌ها راه‌حل بیابند.

❖ **ممنون آقای دکتر بابت زمانی که در اختیار مجله گذاشتید.**

کرده‌اند؟ چقدر به تربیت کمک کرده‌اند؟ مانع بیرونی این است. یعنی هیچ‌کس حساب پس نمی‌دهد. شاید یک‌دفعه به صورت تصادفی به تربیت کمی کنند! شاید هم کیلومترها تربیت را به عقب بیندازند.

❖ **دانش‌آموزان در ساعات محدودی در اختیار مدرسه و معلم هستند. اگر قرار باشد یادگیری مادام‌العمر (در همه جا و همه وقت) داشته باشیم، آیا امکان تربیت تمام‌ساختی دانش‌آموزان وجود دارد؟ چه سازمان‌ها و نهادهای دیگری باید در اجرای این طرح با آموزش و پرورش سهیم و شریک باشند؟**

همان‌طور که گفتم، همه در تربیت سهیم هستند. والدین دانش‌آموز در تربیت سهیم هستند. انجمن اولیا و مربیان باید برود با خانواده‌ها حرف بزنند. آن‌ها را توجیه کند. بگوید نصف آموزش و تربیت برای ماست و نصف آن برای شما. وقتی ما تعطیلی دوسه روزه داشته باشیم، بچه‌ها از دستمان در می‌روند و از آن‌ها خبری نداریم. مراکز گردشگری در تربیت سهیم هستند. تلویزیون سهیم است، سینما سهیم است. وزارت ارشاد، منابر و مساجد در تربیت سهیم هستند. ائمه جمعه در تربیت سهیم هستند. مداح‌ها سهیم هستند. راننده‌های تاکسی در تربیت سهیم هستند. هر کدام از این‌ها که گفتم، یک متولی و سرپرست دارند. مثلاً باشگاه‌ها وزارت ورزش دارند، تاکسی‌ها تاکسیرانی دارند و ما (آموزش و پرورش) یکی از عناصر تربیتی هستیم. باید این انگشت اشاره را به سمت گروه‌های دیگر برگردانیم. الان به سمت ماست. این خیلی هنر است که وزیر آموزش و پرورش این انگشت را به سمت مابقی عناصر برگرداند و سهم و دنگ بقیه سازمان‌ها و نهادهای

شهرهای بدون مرز کودکان

تجربه‌های از آموزش مسئولیت‌های اجتماعی در مکزیک

اشاره

آگاهی و مطالعه تجربه‌های موفق و مؤثر در اقصی نقاط دنیا در زمینه آموزش و پرورش می‌تواند هم از جهت آشنایی با ایده‌های جدید و هم الگو گرفتن (همراه با بومی‌سازی تجربه) از تجارب موفق برای خوانندگان (خصوصاً معلمان گرامی) مفید باشد. به همین دلیل بخش تجارب جهانی در مجله ایجاد شده است که زمینه‌ساز این آشنایی و آگاهی گردد.

کیدزانیای شهری برای کودکان

کیدزانیای، به‌عنوان نسل جدید و پیشرفته‌ای از مراکز سرگرمی کودکان، اولین بار در سال ۱۹۹۷ در مکزیک تأسیس شد. کیدزانیای ایده فکری خاویر لویز آنکونا، یک کارآفرین مکزیک است که علاقه زیادی به سرگرم کردن و ایجاد یادگیری در بین کودکان داشته است. وی اولین شعبه سرگرمی خود را در سپتامبر سال ۱۹۹۹ در مرکز خرید سانتافه در مکزیکوسیتی افتتاح کرد. در ابتدا نام این مجموعه «La Ciudad de los Niños» به زبان مکزیک بود که معنی «شهر کودکان» را داشت، اما بعدها، با توجه به جهانی شدن این برند، به «کیدزانیای» تغییر نام داد. کیدزانیای بعدی در سال ۲۰۰۶ در مونتري



و مهندس، به شکلی که والدین آن‌ها می‌خواهند، بار آورد، بلکه تمرکز اصلی آن ایجاد زمین‌بازی سرگرم‌کننده‌ای با آزادی کافی برای کودکان است.

کیدزانیایک شهر کامل

هر شهر کیدزانیایک نقشه شهری کامل با خیابان‌ها، جاده‌ها، بلوک‌ها، ساختمان‌ها، بناهای تاریخی، تالار شهر و موارد دیگر است و حس شهری را ارائه می‌دهد که به‌طور ویژه برای کودکان ساخته شده است. فضای فیزیکی که هر شهر بزرگ کیدزانیای در آن جان می‌گیرد، مدلی ساختگی از یک شهر معمولی است. طراحی شهر به‌صورت محیط بزرگی است که از قسمت‌های کوچکی تشکیل شده و ترکیبی برجسته از بخش‌های صنعت را شبیه‌سازی می‌کند. اینجاست که شهر جان می‌گیرد و به زندگی واقعی نزدیک می‌شود. مکان‌های ایفای نقش شامل بیمارستان، ایستگاه پلیس، ایستگاه آتش‌نشانی، سوپرمارکت، ایستگاه رادیویی و نمایش هستند. طرح‌های شهری کیدزانیای همیشه در سه منطقه مجزا تنظیم می‌شوند: ورودی و خروجی، مرکز شهر و حومه.

● ورودی و خروجی

قسمت ورودی به شهر کیدزانیای غالباً به‌صورت فرودگاه است و معمولاً به‌عنوان باجه بلیط فرودگاه برای شبیه‌سازی حس رفتن به سفر طراحی می‌شود. خروجی نیز به‌صورت باجه گمرک و مهاجرت فرودگاه طراحی شده است.

● مرکز شهر

مرکز شهر یک میدان مرکزی دارد که میزبان ساختمان‌های سازمانی و همچنین بنای تاریخی با ماهیت کیدزانیای است. اغلب مراسم‌های مهم در این منطقه برگزار می‌شوند.

● حومه شهر

حومه شهر به‌طور کلی مؤسسه‌های تجاری و ساختمان‌های مسکونی را در خود جای می‌دهد و حس وسعت را ایجاد می‌کند.

اقتصاد

کیدزانیای با کمک به درک کودک از چرخه اقتصادی، از اهداف یادگیری سواد مالی حمایت می‌کند. اقتصاد کیدزانیای با دقت طراحی شده است تا از طریق آموزش ارزش کار و درک چگونگی فرایند مبادله پول با کالا و خدمات، کودکان را در یادگیری چرخه اقتصادی مشارکت دهد. شهر کیدزانیای یک واحد پول اختصاصی به نام «کیدزو» دارد و به افراد امکان می‌دهد با کسب درآمد از طریق کار و اشتغال، دریافت کالا و خدمات، پس‌انداز در حساب‌های بانکی، سرمایه‌گذاری بلندمدت و پرداخت مالیات با مدیریت پول آشنا شوند.



افتتاح شد. در همان سال شعبه دیگری در توکیو راه‌اندازی شد و به همین ترتیب شعبه‌های دیگری در لیسبون، دوی، کوالالامپور، بانکوک، استانبول، جدّه، لندن، ساوپالو برزیل، مسکو، بوسان کره جنوبی، سنگاپور و دهلی افتتاح شدند که این مجموعه محبوب را جهانی کردند. کیدزانیای آخرین تأسیسات خود را در سال ۲۰۲۰ در سورابایای اندونزی افتتاح کرد و در حال حاضر در حال ساخت بیش از ۱۰ مؤسسه جدید در سراسر جهان است.

کیدزانیای شهری تعاملی است که برای کودکان یک تا چهارده‌ساله ساخته شده است و از طریق امکان ایفای نقش واقعی، یادگیری و سرگرمی را در هم می‌آمیزد. بچه‌ها می‌توانند به‌طور مستقل در شهری با مساحت بیش از ۷۰۰۰ مترمربع درباره بیش از ۱۰۰ شغل هیجان‌انگیز کاوش و تجربه‌اندوزی کنند. کیدزانیای، به‌صورت مدلی کوچک از شهری واقعی، دارای فروشگاه، نمایش، بیمارستان، ایستگاه پلیس و آتش‌نشانی، ایستگاه رادیویی و همچنین وسایل نقلیه و عابران پیاده‌ای است که در خیابان‌ها تردد می‌کنند. کودکان در کیدزانیای از طریق ایفای نقش واقعی و ملموس با مشاغل، کارکرد بخش‌های شهر و مفهوم مدیریت پول آشنا می‌شوند. این تجربه‌ها برای توانمندسازی بچه‌ها طراحی شده‌اند تا به آن‌ها اطمینان دهند در کار خود بهترین باشند و الهام‌بخش شهروندان جهانی در آینده. هر مرکز کیدزانیای، از طریق شغل و سرگرمی تجربه‌هایی را ارائه می‌دهد که به منطقه، فرهنگ و جغرافیای خاصی مربوط می‌شود. کیدزانیای از سرگرمی و یادگیری در دنیای واقعی برای آماده‌کردن کودکان برای داشتن دنیایی بهتر استفاده می‌کند. کیدزانیای به این قصد راه‌اندازی نشده است که بچه‌ها را دکتر، وکیل



یادگیری در کیدز انیا

کیدز انیا در مورد یادگیری پرنشاط و مفرح است. رویکرد آموزشی آن از طریق یادگیری تجربی است که بر توسعه و تقویت مهارت‌ها و ارزش‌ها در کودکان، از طریق ایفای نقش، تأکید دارد. فعالیت‌های سرگرم‌کننده را برای یادگیری کودکان فراهم می‌کند و مبنایی قرار می‌دهد که کودکان «با انجام دادن یا عمل کردن» یاد بگیرند.

یادگیری از طریق ایفای نقش

در کیدز انیا کودکان ۶ تا ۱۴ ساله فرصت دارند با برعهده گرفتن نقش‌هایی مثل آتش‌نشان، کارگر ساختمان، پزشک، معلم، افسر پلیس و طراح مد تجربه‌هایی شبیه به بزرگسالان داشته باشند. ایفای نقش رفتاری نهادینه‌شده در کودکان است. آن‌ها این کار را به‌طور طبیعی، بدون یادگیری قبلی یا توضیحات بزرگسالان، انجام می‌دهند. برخلاف فعالیت‌هایی مانند ورزش یا بازی‌های ویدیویی که دستورالعمل‌هایی دارند، کودکان در ایفای نقش فقط باید قبل از شروع یادگیری از بزرگسالان، رفتار آن‌ها را مشاهده کنند. عروسک‌بازی یکی از بهترین نمونه‌های ایفای نقش است که در آن کودکی وانمود می‌کند پدر و مادری دلسوز برای فرزندش است.

ایفای نقش بخش مهمی از ماهیت کیدز انیاست. در این شیوه بی‌نظیر کل شهرها را با ساختمان‌ها، میدان‌ها و خیابان‌ها می‌سازند تا کودکان بتوانند در نقش بزرگسال در بیشتر حرفه‌ها و مشاغل که به‌صورت واقعی در دسترس هستند بازی کنند. ایفای نقش شکلی از یادگیری تجربی و ابزار آموزشی مؤثری است، زیرا کودکان را تشویق می‌کند در یادگیری خود مشارکت فعال داشته باشند. کودکان می‌توانند حرکت کنند،

خود را به جای دیگران بگذارند، لباس بپوشند، از وسایل استفاده کنند، با دیگران ارتباط برقرار کنند و تصمیم بگیرند. ماری چکینی، کارشناس رشد کودک، مزایای ایفای نقش را در چهار زمینه اصلی بیان می‌کند:

● **اجتماعی / عاطفی:** با بازآفرینی برخی از تجربه‌های

زندگی، کودکان یاد می‌گیرند با هرگونه ترس و نگرانی احتمالی کنار بیایند. آن‌ها می‌توانند نسبت به دیگران همدلی نشان دهند و مهارت‌های موردنیاز خود را برای همکاری با همسالان توسعه دهند.

● **فیزیکی:** ایفای نقش به کودکان کمک می‌کند مهارت‌های حرکتی درشت و ظریف را توسعه دهند. آتش‌نشانان شیلنگ‌های آب را نصب و راه‌اندازی می‌کنند، پزشکان جراحی انجام می‌دهند و کارگران کارخانه تجهیزات راه‌اندازی می‌کنند. علاوه بر این، کودکان هماهنگی بین چشم و دست و تمیز دیداری را تمرین می‌کنند.

● **شناختی:** زمانی که کودکان درگیر ایفای نقش می‌شوند، مفاهیم انتزاعی را که در مدرسه آموخته‌اند، با تمرین عملی تقویت می‌کنند. فعالیت‌هایی مانند حساب کردن در فروشگاه، استفاده از مهارت‌های ریاضی را ترویج می‌کند. نوشتن مقاله برای روزنامه یا شرکت در محاکمه دادگاه به توسعه



مهارت‌های سوادآموزی کمک می‌کند. هنگامی که بچه‌ها به این شکل از بازی دور هم جمع می‌شوند، یاد می‌گیرند چگونه ایده‌ها را به اشتراک بگذارند و مسائل را با هم حل کنند.

● **زبان:** برای کار کردن یا یکدیگر در موقعیت ایفای نقش، کودکان یاد می‌گیرند از زبان برای توضیح آنچه انجام می‌دهند استفاده کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند سؤال بپرسند،

یک شهر، سواد مالی، دنیای کار، الگوی شهروندی و عادت‌های خوب.

● **نحوه عملکرد یک شهر:** کیدز انیا به‌عنوان شهری واقعی با ساختمان‌ها، خیابان‌های شهر، وسایل نقلیه و مناطق عابر پیاده سازمان‌دهی شده است.

● **سواد مالی:** برای کمک به کودکان در کسب سواد مالی، کیدز انیا واحد پولی به نام کیدزو دارد. افراد یاد می‌گیرند چگونه می‌توانند کسب درآمد کنند، خرج کنند، پس‌انداز کنند و از بچه‌های خود مراقبت و به آن‌ها کمک کنند.

● **دنیای کار:** یکی از بخش‌های هیجان‌انگیز تجربه در کیدز انیا این است که بچه‌ها در مورد استخدام در انواع مشاغل، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا غیردولتی اطلاعات کسب می‌کنند.

● **الگوی شهروندی:** کیدز انیا به کودکان کمک می‌کند بفهمند شهروند خوب بودن چیست و چگونه در اداره جامعه، شهر و محیط فعالانه مشارکت کنند.

● **عادت‌های خوب:** پرورش عادت‌های خوب و ایجاد آن‌ها در اوایل کودکی در رشد بسیار مهم است. کیدز انیا به دنبال ایجاد عادت‌های خوب در کودکان است؛ از نحوه مراقبت از سلامت و بهداشت شخصی گرفته تا نحوه حفظ ایمنی و واکنش در شرایط اضطراری.

حوزه‌های یادگیری

کودکان با شرکت در فعالیت مؤسسه‌های صنعتی و مشاغل مهارت لازم را کسب می‌کنند. آن‌ها این مهارت‌ها را برای آینده و کاربرد در رفتار روزمره توسعه می‌دهند.

حوزه‌های یادگیری خاص به سه طبقه اصلی تقسیم می‌شوند:

● **تخصص:** این طبقه به اطلاعات ارائه‌شده درباره حرفه‌ها و مشاغل خاص اشاره دارد. اطلاعات مربوط به هر شغل مانند هدف، فرایند، محصولات و خدمات از طریق انجام فعالیت‌ها، تصویرها، ابزارها و چند رسانه‌ای‌ها ارائه می‌شوند.

● **مهارت‌ها:** تمام فعالیت‌ها با در نظر گرفتن مهارت‌هایی طراحی شده‌اند که افراد می‌توانند در حین انجام فعالیت‌های خاص توسعه دهند. از طریق مشارکت عملی، کودکان انواع متنوعی از مهارت‌ها را توسعه می‌دهند. با توجه به نظریه هوش‌های چندگانه، چند دسته مهارت برای پیشرفت در فعالیت‌های کیدز انیا تعریف شده‌اند: ارتباطات، تفکر انتقادی، خلاقیت، همکاری، مهارت‌های حرکتی و خودشناسی.

● **ارزش‌ها:** ارزش‌ها اصول مطلوبی در شخصیت فرد هستند که جامعه آن‌ها را ارزشمند می‌داند. ترویج ارزش‌ها بخش بسیار مهمی از تجربه کیدز انیا است. ارزش‌ها از طریق فعالیت‌ها منتقل می‌شوند تا کودکان هم اهمیت و هم کاربرد آن‌ها را بیاموزند.

منبع

<https://kidzania.com>



پاسخ دهند و کلماتی که از آن‌ها استفاده می‌کنند، با نقشی که بازی می‌کنند متناسب باشد. گنجینه واژگان شخصی کودک رشد می‌کند و آن‌ها می‌توانند به‌طور مناسب از کلمات جدید استفاده می‌کنند. اهمیت مهارت‌های خواندن و نوشتن نیز در زندگی روزمره آشکارتر می‌شود.

یادگیری تجربی

یادگیری تجربی هسته اصلی همه کارهایی است که در کیدز انیا انجام می‌شود. سرگرمی و یادگیری به‌گونه‌ای ترکیب می‌شوند که کودکان «برای دنیایی بهتر» آماده شوند. در کیدز انیا کودکان بسیاری از مفاهیم کلان را یاد می‌گیرند و با استفاده از آن می‌توانند دنیای بزرگ‌سالان را درک کنند و برای بهبود آن آماده شوند. حوزه‌های یادگیری عمومی به پنج دسته اصلی تقسیم می‌شوند: نحوه عملکرد

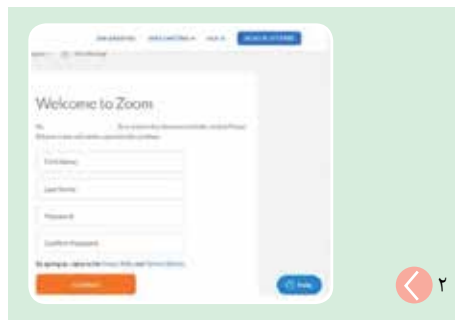


آشنایی با نرم افزار

Zoom Cloud Meeting

اشاره

پس از دریافت رایانامه تأیید برای فعال کردن حساب کاربری و رفتن به وبگاه مورد نظر، نام و کلمه عبور را وارد کنید (تصویر ۲).

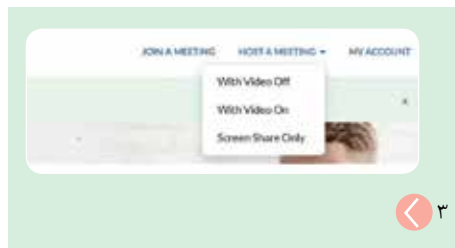


۲

زوم ابزاری رایگان و قدرتمند به منظور برقراری جلسات برخط مجازی است که استفاده از آن بسیار راحت است. زوم دو نسخه در دسترس دارد؛ نسخه اصلی رایگان است و برای نسخه پیشرفته تر باید اشتراک تهیه کرد. زوم علاوه بر نسخه رایانه رومیزی (دسکتاپ)، نسخه گوشی همراه (آی‌اواس و اندروید) هم دارد. زوم یک راه حل ارتباطی بر پایه استفاده از کاربردهای ابری، به منظور دست یافتن به ارتباط دورسخنی (ویدئو کنفرانسی) زنده است. با استفاده از این نرم افزار می توان از گوشی همراه خود برای برقراری ارتباطی مؤثر استفاده کرد یا اینکه با رایانه جلسات را در زمانی که تمایل دارید ایجاد و میزبانی کرد. در چند موقعیت می توان از زوم بهره گرفت: برگزاری جلسات مجازی؛ برگزاری وبینار و کلاس برخط؛ دیدار مجازی با دیگران.

کلیدواژه‌ها: نرم افزار، جلسه برخط، زوم

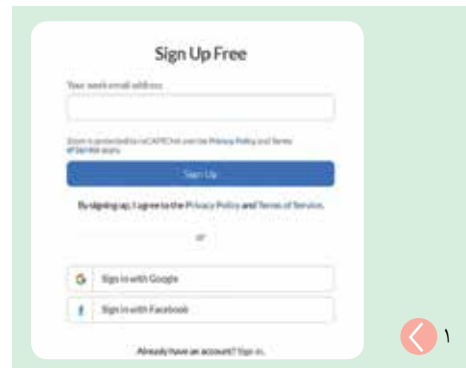
در بخش بعد می توان با تلیک (کلیک) روی نشان تجاری زوم در گوشه سمت چپ و بالایی صفحه نمایش، به صفحه ای وارد شد که در آن امکان پیوستن به جلسه ها یا میزبانی از آن ها وجود دارد (تصویر ۳).



۳

ایجاد حساب کاربری

برای ایجاد حساب کاربری در زوم به وبگاه «ZOOM» بروید و آنجا ثبت نام کنید. حساب کاربری را از راه های متعددی می توان تنظیم کرد: رایانامه یا وارد شدن از طریق حساب کاربری گوگل یا فیسبوک (تصویر ۱).



۱

نحوه استفاده از زوم در رایانه

زوم نسخه ای قوی و رایگان با مشخصه هایی خوب برای استفاده دارد. در آن می توان تا ۱۰۰ شرکت کننده را در هر جلسه وارد کرد، اما نسخه هایی که در قبال دریافت آن ها پول پرداخت می شوند، می توانند بیش از این و تا هزار شرکت کننده در هر جلسه ویدیویی داشته باشند. به همین

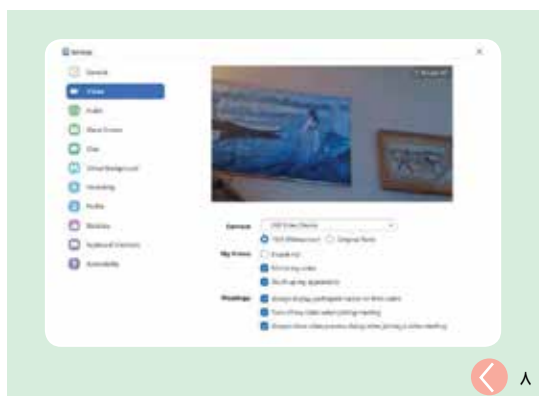
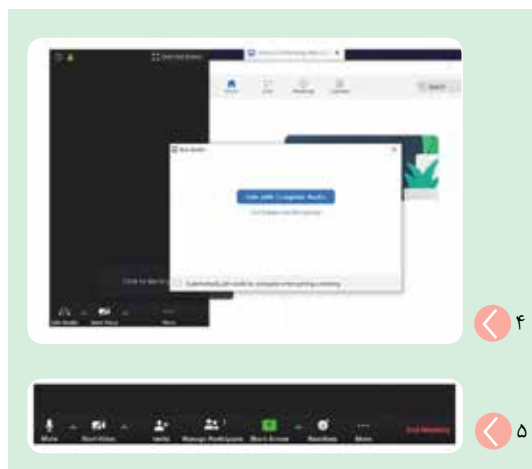
استفاده از ویدیو

برای برقراری ارتباط تصویری در جلسه، روی گزینه start video کلیک کنید. برای اینکه ویدیو را متوقف کنید، روی stop video کلیک کنید. با این گزینه‌ها به راحتی فرمان ویدیوی خود در جلسه را در دست خواهید داشت. (تصویر ۷)

منظور، بسیاری از آن روی رایانه کیفیت و برای برقراری جلسات بزرگ استفاده می‌کنند. برای شروع جلسه جدید روی گزینه «new meeting» در صفحه اصلی کلیک کنید. گزینه «computer audio join with» را انتخاب کنید (تصویر ۴ و ۵).

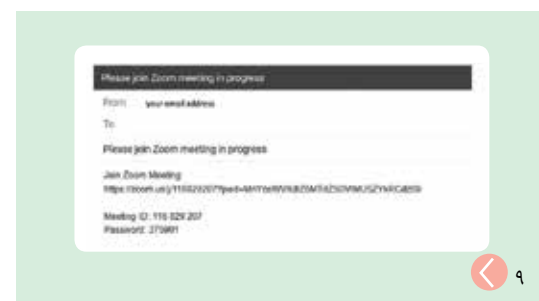


متوقف کردن ویدیو به توقف جلسه یا توقف و قطع صدا منجر نمی‌شود. در صورت نیاز به توقف جلسه یا قطع صدای خود باید از بخش‌های مربوطه به این کار اقدام کنید در نرم‌افزار Zoom امکان تنظیم پیش‌زمینه نیز وجود دارد (تصویر ۸).



از نشان mute یا بی‌صدا زمانی استفاده می‌شود که نمی‌خواهید صدا یا نوبه‌ای (نویزی) از سمت میزبان به گوش شرکت‌کنندگان برسد. روی نشانگر کنار mute گزینه‌های بیشتری وجود دارد. بلندگو یا پخش‌کننده صدایی که می‌خواهید برای جلسه انتخاب کنید، از این بخش انتخاب می‌شود (تصویر ۶).

دعوت شرکت‌کنندگان به کنفرانس ویدیویی برای این کار روی گزینه invite کلیک کنید. برای دعوت دیگران می‌توانید از رایانامه خود یا فهرست مخاطبان خود با کلیک روی copy link، از یوآرال (URL) برای فرستادن آن‌ها به‌طور دستی استفاده کنید (تصویر ۹).



مدیریت شرکت کنندگان

مدیریت مخاطبان و شرکت کنندگان در جلسه، به خصوص زمانی که تعداد زیادی در این دورسخنی‌ها (ویدیوکنفرانس‌ها) شرکت می‌کنند می‌تواند بسیار مهم باشد. اگر در حال ارائه و صحبت در جلسه هستید و نمی‌خواهید دیگران در این کار وقفه‌ای ایجاد کنند، می‌توانید گزینه **mute all** را انتخاب کنید (تصویر ۱۰).



10

انواع اشتراک گذاری ابتدایی و ساده

● می‌توان صفحه نمایش خود را با افراد شرکت کننده در جلسه به اشتراک گذاشت.
● می‌توان روی تخته نوشت و صفحه را به اشتراک گذاشت (تصویر ۱۱).



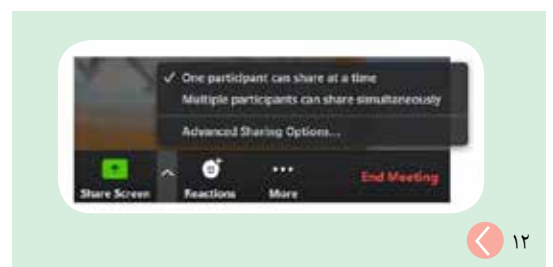
11

پیشرفته

بخشی از صفحه را به اشتراک بگذارید. می‌توانید تنها آهنگ یا صدا یا محتوای دوربینی دیگر را با شرکت کنندگان به اشتراک بگذارید.

پرونده (فایل)ها

پرونده‌های روی هر حافظه داخلی یا جانبی را می‌توان با شرکت کنندگان به اشتراک گذاشت (تصویر ۱۲).



12

مدیریت گفت‌وگوها و ضبط جلسات

مشخصه گپ در بخش **more** زیر سه نقطه در صفحه نمایش قرار دارد. چنانچه تمایل نداشته باشید همه شرکت کنندگان قادر به گپ زدن باشند، روی سه نقطه‌ای که در کنار **file** قرار دارد، کلیک کنید. در این بخش است که می‌توانید از بین یکی از گزینه‌های مدنظر خود درباره انتخاب نحوه مشارکت آن‌ها تصمیم بگیرید (تصویر ۱۳).



13

به این صورت که از بین گزینه‌های موجود می‌توان دست به انتخاب زد:

- هیچ کس
 - فقط میزبان
 - همه افراد به طور عمومی
 - همه افراد به طور عمومی و خصوصی
- در هر یک از این گزینه‌ها با انتخاب مناسب، در واقع امکان چت عمومی یا خصوصی یا هیچ یک از آن‌ها را برای افراد شرکت کننده و خودتان تنظیم می‌کنید.
- در صورت نیاز به ضبط جلسه‌ها می‌توان از گزینه **record your meeting** در سربرگ **more** استفاده کرد. وقتی ضبط جلسه متوقف شد و جلسه به پایان رسید، این پرونده به یک پرونده ام‌پی‌۴ (mp4) تبدیل و روی رایانه ذخیره می‌شود (تصویر ۱۴).



14

زوم یک ابزار همایش تصویری است که کاربران بسیاری را به طور هم‌زمان به یکدیگر متصل می‌کند



فناوری روی دورتند!

مروری بر قصه شکل‌گیری فناوری مدرن (طرح درس‌های سواد اطلاعاتی)

اشاره

هم قصه است و شیرین. هم عمیق است و کاربردی، و کلید رازگشایی بسیاری از تحولات عصر حاضر. لذا با بچه‌ها می‌نشینیم و دو سه ساعته بر پایه کتاب «موج سوم» اثر **الوین تافلر**، قصه جذاب سیر تحولات فناوری را از آغاز تا امروز مرور می‌کنیم؛ با چند هدف:

اول اینکه بفهمیم آن فناوری که امروز وارث آن هستیم، حاصل چه عقبه‌ای از فکر و جهان‌بینی است و برای پاسخ به چه نیازهایی بوده است. در گام **دوم** این واقعیت بدیهی اما پنهان را مرور کنیم که تحولات ولو ساده و کوچک علم و جهان‌بینی، در طول تاریخ بارها و بارها شکل جهان و زندگی روزمره انسان‌ها را تغییر داده‌اند. **سوم** و از همه مهم‌تر اینکه بدانیم، برخلاف تصور مرسوم و عامه مردم، تحولات علم و فناوری شناسی، تصادفی، یک‌شبه و حاصل برخورد سیب‌ها با کله‌ها نیست. انقلاب‌های فناورانه و تحولات علمی بسیار تدریجی‌اند و در بسترهای اجتماعی و مکتب‌های علوم انسانی ریشه‌هایی عمیق دارند.

برای تهیه این درس‌نامه از مجموعه پنج‌جلدی «روایت تفکر، فرهنگ و تمدن از آغاز تا کنون» دفتر نشر معارف استفاده کرده‌ام.

تدریس درس «سواد رسانه‌ای» سهل و ممتنع است! سهل است، چون در اساس کلاسی که پر از فیلم و تصویر و اسلاید باشد و قصد داشته باشد درباره نیازهای روز و واقعی بچه‌ها صحبت کند، خودبه‌خود برایشان جذاب است. اما ممتنع است، چون بچه‌ها پر از سؤال و ابهام‌اند و اگر نتوانی پاسخ این سؤالات را قانع‌کننده بدهی و در عوض همان حرف‌های تکراری و دستورات سلبی «این را نبین»، «آن بد است»، «این‌ها دروغ می‌گویند» و «آن‌ها توطئه دشمن‌اند» را بگویی، خیلی زود ناامید می‌شوند. و البته که وقتی امید بچه‌ها برود، دیگر به راحتی به جوی کلاس بر نمی‌گردد!

این مقدمه را نوشتم که به این برسم؛ موضوعی که در جلسه اول کلاس سواد رسانه‌ای آغاز می‌کنیم، در حکم یک آگهی از کل یک سال درس است. پس باید آن قدر عمیق و در عین حال کاربردی و جذاب باشد که از همان ابتدا کلید حل سؤالاتی را که دارند به آن‌ها بدهد. من برای جلسات اول یک کار خطرناک اما امتحان پس‌داده می‌کنم: کلاس سواد رسانه‌ای را با تاریخ شروع می‌کنم؛ تاریخ فناوری! چون

عصر کشاورزی

یک سمت آن‌ها طبیعت است، اشتغال دارند. لذا آنچه در جامعه ارزش تلقی می‌شود، زمین کشاورزی، تولیدات دستی و دام بود؛ یعنی به‌طور عمده افرادی مقام و قدرت بالاتری دارند که محصول کشاورزی بیشتری تولید و عرضه می‌کنند یا شمار گاو و گوسفندشان بیشتر است. بشر انرژی مورد نیاز

الوین تافلر اولین دوره از تقسیم‌بندی خود را «عصر کشاورزی» می‌نامد؛ جایی بین ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد تا قرن ۱۷ میلادی. مشخصه بارز این دوره، همان‌طور که از نامش پیداست، این است که عموم افراد به کشاورزی، شیلات، دام‌پروری، نجاری و به‌طور کلی فعالیت‌هایی که



خود را از منابع طبیعی مثل آب، باد، درخت یا کار چهارپایان دریافت می‌کرد. مثلاً اگر می‌خواست گندم را آرد کند، باید کنار رودخانه آسیاب یا در مسیر باد «آسیاب» بنا کند یا با دست خود یا نیروی گاوها چرخ‌های آس را به حرکت درآورد. دانش و اطلاعات در عصر کشاورزی شکلی نامنسجم و پراکنده داشتند. حکیمان و دانشمندان دوره‌گردی بودند که تجربه‌های شخصی‌شان را آمیخته به آنچه از پیشینیان درباره علت حوادث و اتفاقات شنیده بودند، شهر به شهر و روستا به روستا برای مردم نقل می‌کردند. در این دوره، نهاد خانواده گسترده و جمعی است؛ پدر و مادر و پدربزرگ و مادربزرگ و دایی و عمو و خاله و عمه غالباً نزدیک هم هستند. طبیعی است، جوامع شکل قبیله‌ای دارند؛ یعنی افراد با یک نسب و نژاد در یک منطقه کنار هم زندگی می‌کنند.

اما ویژگی‌هایی که در قبال توصیف شد، هیچ چیز عجیبی نداشتند. در نبود علم و فناوری، محدودیت منابع انرژی، سختی جابه‌جایی و حمل‌ونقل و موانع بی‌شمار دیگر، زندگی جز به شکل آنچه ذکر شد انتظار نمی‌رود. لذا سؤال این است: چه چیزی این ساختار بدیهی را دگرگون کرد؟

رسانس

سرنخ همه ماجرا را باید در دوره «رسانس» (نوزایی یا تولد دوباره) اروپا جست‌وجو کرد؛ جایی بین ۱۳۰۰ م (۶۸۰ ش) تا ۱۶۰۰ م (۹۸۰ ش). پیش از رسانس، کلیسای کاتولیک و آموزه‌های آن بر تمام شئون زندگی مردم اروپا سایه افکنده بود. پاپ صاحب قدرت اصلی سیاسی و معنوی بود و حاکمان فئودالی از او مشروعیت می‌گرفتند. تعلیم و تعلم تا مدت‌ها فقط در مدرسه‌ها و زیر نظر کلیسا و توسط کشیش‌ها صورت می‌گرفت. کتاب مقدس مرجع علم بود و هر چیزی که با آن توجیه‌پذیر نباشد رد می‌شد. هنرهایی مثل نقاشی و مجسمه‌سازی کاملاً در خدمت کلیسا بودند و ... در یک کلام، ردپای کلیسا در همه‌جا دیده می‌شد!

اما درست در همین دوران اتفاقی در زیر پوست جامعه در حال رخ‌دادن بود. گسترش تجارت و شکل‌گیری طبقه بورژوا باعث پدید آمدن سؤالات و نیازهای جدیدی شده بود که آموزه‌های کلیسا و کتاب مقدس دیگر امکان پاسخ‌گویی به آن را نداشت. از طرف دیگر، ظلم، فساد و زندگی اشرافی

پاپ و سایر کشیش‌ها مردم را نسبت به آن‌ها بی‌اعتماد کرده بود. این دو عامل اندک‌اندک از ایمان نسبت به آموزه‌های مسیحیت کاتولیک کاست و جریانی پنهانی علیه کلیسا شکل داد که آغاز آن از ادبیات کلید خورد. ادیبانی چون فرانچسکو پترارک نهضت ترجمه و بازخوانی دوباره آثار یونان و روم باستان را آغاز کردند و بدین سبب آرا و اندیشه‌های افلاطون، ارسطو و سایر فیلسوفان یونانی بعد از چند قرن دوباره مورد توجه قرار گرفتند.^۲ در این بازخوانی، احوالات یونان و روم باستان در اروپای تحت سلطه کلیسا، میل اندیشمندان و دانشمندان را برای بازگشت به شکوه و عظمت تمدن پیشین خود ایجاد کرد.^۳

رفته‌رفته مخالفت‌ها با کلیسا علنی شد. جایی که مارتین لوتر با انتقاد از اشرافی‌گری پاپ و سایر کشیش‌ها بسیاری از آموزه‌های کلیسای کاتولیک را زیر سؤال برد و نهضت «پرستانس‌تیسیم» را آغاز کرد. و حالا که کلیسای دیگر ابهت و اعتباری ندارد، مجبور به عقب‌نشینی شد و فضا برای تغییر جهان‌بینی و انسان‌شناسی بشر غربی شکل گرفت. تغییری که سه پایه اصلی می‌توان برای آن برشمرد:

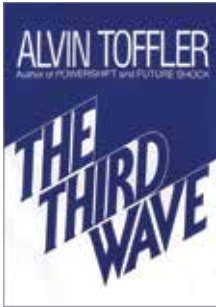
انسان‌گرایی^۴

مسیحیت در نفی و انکار نظری و عملی «خود» برای رسیدن به خداوند تأکید زیادی دارد. این توصیه کلیسا به مردم برای رعایت رهبانیت برای رسیدن به خدا و در عین حال بی‌توجهی برخی کشیش‌ها، اشرافی‌شان، آرام‌آرام انسان‌های خسته از دورویی را به این سمت سوق داد که خواسته‌های «خود» را ملاک درست و غلط و حلال و حرام بدانند، نه آموزه‌هایی که کلیسا ارائه می‌داد. لذا این ایده شکل گرفت که «بشر باید خدایگان روی زمین بشود». این جمله از جوردانو برونو^۵ بیان موجزی از ایده انسان‌گرایی (اومانیسیم) در دوره رسانس است. یعنی «انسان» نسبت مخلوقیت خود با خداوند را کنار می‌گذارد و در برابر ربوبیت خدا به «خود» اصالت می‌دهد. برای «خود» عاملیت مطلق قائل می‌شود و سعی دارد فرمانروای زمین بشود. با این نگاه، نسبت همه عالم با بشر بازتعریف می‌شود؛ انسان در مرکز قرار می‌گیرد و ساحت‌های نفسانی و حیوانی او بر ساحت روحانی‌اش ارجحیت پیدا می‌کند.

اما این تغییر به‌ظاهر ساده نتایج مهمی دارد: بشر محور است (نه خدا). پس حقیقتی یکتا و ثابت وجود ندارد و درستی و غلطی هر چیز (مثلاً اخلاقیات و الهیات) نسبی می‌شود؛ گویی هیچ خیر و شر مطلق وجود ندارد و در هر چیزی می‌توان شک کرد.

در سمت دیگر، چون از منظر انسان‌گرایی (اومانیسیم)، نظارت قدسی و هدایت دینی کنار گذاشته می‌شوند، لذت‌گرایی تبدیل به یک هدف و ارزش می‌شود. محیط

موج سوم الوین تافلر؛
کتابی در توصیف گذار
کشورهای توسعه یافته
از انقلاب صنعتی به عصر
اطلاعات





چون می‌توانند بیماری‌ها را کم و عمر را طولانی کنند، پول را و بهره‌آ انسان از طبیعت را بیشتر کنند. این محورشدن «تفیع» و تمایل علم جدید به سيطرة بر طبیعت برای رسیدن به بهشت زمینی، توسعه آن را فناوری مدار کرده است: یعنی به علمی بها داده می‌شود که به تولید فناوری منجر شود.

در کنار این، از منظر علم جدید هیچ تلقی معنوی از عالم پذیرفته نیست، بلکه در عوض علم جدید کمی‌انگار و اعداداندیش است و سعی دارد با تقلیل طبیعت به تصویری محاسبه‌پذیر، امکان تصرف در آن را فراهم کند. خلاصه اینکه، اگر علم قدیم دنبال «دانستن» بود، علم جدید دنبال «تغییر دادن» است.

گیتی‌گرایی^۷

وقتی عقل انسان‌گرا (اومانیست)، خدا و احکام دینش را مانع لذت‌گرایی و ایجاد بهشت زمینی به کمک علم می‌بیند، شروع می‌کند به برداشتن موانع. یعنی اموری مثل حکومت، خانواده، تعلیم و تربیت و اقتصاد را غیرقدسی و در عوض عرفی‌سازی می‌کند و این یعنی سکولاریسم. در این نگاه، سیاست تبدیل می‌شود به «فن یا دانش کسب یا نگهداری قدرت و تدبیر امور مربوط به معاش مردمان»، بدون اینکه هدایتگری مردم برای تربیت و تعالی ذره‌ای اهمیت داشته باشد یا نهاد آموزش وظیفه تولید نیروی کار متخصص و متعهد را دارد، فارغ از اینکه چه اعتقاد و اندیشه‌ای می‌خواهد داشته باشد. خانواده هم صرفاً محلی برای تأمین نیازهای ضروری مادی و در نهایت عاطفی نیروی کار است. اینجاست که اندک‌اندک عالم و حوادث آن بدون باطن و معنا می‌شوند.

انقلاب صنعتی و عصر صنعتی

تحت تأثیر رنسانس و تحولات علوم انسانی در آن دوره و پس از طی شدن یک فرایند تدریجی ۳۰۰ ساله، نگاه بشر

زیست را تخریب می‌کنم، چون «من» مهم هستم. سایر جوامع را استعمار می‌کنم، چون «من» مهم هستم. در یک کلام، «من» به قدرت رسید.

علم‌گرایی^۸

حالا که بشر غربی «خود» را محور عالم فرض کرده باید برای فهم عالم ابزار جدید و متفاوتی از آموزه‌های کلیسا و کتاب مقدس تعریف کند. اینجاست که علم‌گرایی (ساینسیسم) با هدف رازگشایی از عالم شکل می‌گیرد. در واقع، تا قبل از رنسانس، دانشمندان معتقد بودند نظام هستی به همان صورت که خداوند آفریده مطلوب است و علم برای شناخت این عالم و در نهایت مبهوت‌شدن در مقابل عظمت خالق آن است. از طرف دیگر، اندیشمندان قدیمی جهان را محل گذر می‌دیدند و نقص‌ها و سختی‌های آن را بر گذرابودن حمل می‌کردند و معتقد بودند نباید به آن دل بست و در فکر آبادانی‌اش بود. اما فرانسس بیکن^۷، دانشمند انگلیسی قرن‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی، که به پدر علم جدید معروف است، نگرشی کاملاً عکس این را به علم بنا گذاشت. او جهان را در وضع فعلی آن مطلوب نمی‌دانست و معتقد بود علم وسیله‌ای است برای تغییر جهان از وضعیت نامطلوب پر از رنج و زحمت به وضعیت مطلوب پر از لذت بدون رنج. یعنی استفاده از علم برای رسیدن به «بهشت زمینی»؛ و این اندیشه چنان نگرش به علم و ثمره آن، یعنی فناوری، را تغییر داد که امروزه از بیکن به‌عنوان پدر علم جدید یاد می‌شود.

بر این مبنا، علم جدید چند ویژگی مهم دارد. برای مثال منفعت‌طلب است: یعنی چیزی را علم می‌داند که نفع مشخص مادی داشته باشد و بشر را به «بهشت زمینی» نزدیک کند. بر همین مبنا، علمی مثل الهیات و نجوم که دانشمندان قدیم از آن برای شناخت عالم، یافتن علت‌العلل و پرده‌برداری از عظمت خالق بهره می‌جستند، کنار رفتند و در عوض علمی مثل پزشکی، اقتصاد و فیزیک رواج یافتند؛

جمع‌بندی؛ عصر اطلاعات

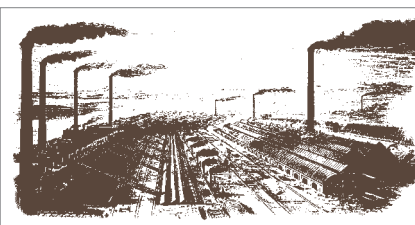
سومین عصری که تافلر از آن یاد و به‌نوعی وقوع آن را پیش‌بینی می‌کند، «عصر اطلاعات» است؛ عصری که رایانه‌ها محوری‌ترین فناوری‌اند و ارزش‌شدن حجم اطلاعات و سرعت محاسبات و پردازش کشورها را به سمت تشکیل کلان‌داده‌ها و توسعه ابررایانه‌ها سوق داده است. برق به مهم‌ترین منبع انرژی تبدیل شده است. اطلاعات به لطف اینترنت شکل شبکه‌ای پیدا کرده‌اند و در دسترس همگان هستند. افزایش جمعیت و محدودیت منابع، مخارج زندگی را دوچندان کرده و سبک زندگی افرادی در قالب جوامع فردی و سولوی را رواج داده است. کار در زمین کشاورزی و بعدتر کارخانه، جای خود را به دورکاری و فضای کار اشتراکی داده است.

اما حالا که داستان پرفراز و نشیب علم و فناوری و اثرات مستقیم آن بر زندگی را دیدیم، حالا که دانستیم در توسعه فناوری‌ها به‌طور مشخص می‌توان ردپایی از جهان‌بینی‌ها را یافت، در می‌یابیم که اولاً شکل زندگی امروزی ما کاملاً تحت تأثیر فناوری‌ها ایجاد شده است و ثانیاً توسعه این فناوری‌ها نه‌تنها تصادفی نیست، بلکه همگی پشتوانه‌های ایدئولوژیک دارند.

لذا برای فهم عصر اطلاعات، مثل عصر صنعتی، باید دنبال تحولی مشابه آن چیزی باشیم که در رنسانس برای علوم انسانی و جهان‌بینی رخ داد؛ چیزی که از آن با عنوان «انقلاب اطلاعات» و «جهانی‌سازی» یاد می‌شود. در قسمت‌های بعدی این ماجرا را تا امروز و رسیدن به به دنیای رایانه‌ای ادامه خواهیم داد.

غربی به عالم و علم کاملاً دگرگون شده است و حالا بستر برای تحول علوم مهندسی و شکل‌گیری فناوری صنعتی فراهم شده است. در واقع، بشری که تحت تأثیر اومانیزم لذت «خود» را محور قرار داده است و می‌خواهد به کمک علم بهشت زمینی را رقم بزند و در این بین هیچ مانع قدسی بر سر راه ندارد، آماده اختراع و بهره‌گیری از نوع جدیدی از فناوری است؛ نوعی فناوری که قصد آن «غلبه بر طبیعت» است. ماشین بخار جیمز وات انگلیسی در سال ۱۷۶۰ م (۱۳۴۰ ش) از اولین و مهم‌ترین اختراعات بر پایه این نوع نگرش جدید به علم و فناوری حاصل از آن است. چرا؟ چون ماشین بخار یک مانع بزرگ عصر کشاورزی را از میان برداشت؛ محدودیت جابه‌جایی، در عصر کشاورزی وقتی تاجری می‌خواست از اصفهان به بغداد کالا ببرد، جز استفاده از اسب و شتر راهی نداشت. خستگی و گرسنگی حیوان، شب و تاریکی مسیر، باران و طوفان و دزد و راهزن همگی موانع اجتناب‌ناپذیری بودند که امکان جابه‌جایی سریع و کم‌هزینه را می‌گرفتند. اما با اختراع ماشین بخار و نصب آن روی کشتی‌ها، حمل‌ونقل دریایی از قید و بند جهت و شدت وزش باد رها شد. قطارها به کمک سوختن زغال‌سنگ و فشار بخار به راه افتادند و راه‌آهن و حمل‌ونقل ریلی را شکل دادند که دیگر تاریکی شب و باران مانعی برایشان به حساب نمی‌آمد. پس ماشین بخار جابه‌جایی را آسان و جهان را کوچک کرد.

اما این اختراع یک اتفاق مهم دیگر را هم رقم زد؛ گسترش کارخانه‌ها و تحول تولید. موضوعی که صنعت را در معنای امروزی که ما آن را با ویژگی تولید در شمارگان بالا و زمان کم می‌شناسیم، ایجاد کرد و به دیدگاه تافلر، دومین عصر فناوری زندگی بشر را رقم زد؛ «عصر صنعتی»؛ جایی بین ۱۷۶۰ م (۱۳۴۰ ش) تا ۱۹۹۰ م (۱۳۷۰ ش) که در آن محیط کار عمده افراد از زمین کشاورزی و دام‌داری به کارخانه و شرکت منتقل شد.^۴ بر همین اساس، داشتن دانش تولید صنعتی با قابلیت شمارگان بیشتر چیزی است که برای اشخاص و دولت‌ها ارزش و قدرت تولید می‌کند؛ سرمایه‌داری (شخص/حکومت) که می‌توانست صنایع بیشتری را مال خود کند و تولید بیشتر و با کیفیت‌تر داشته باشد، قدرتمندتر و ذی‌نفوذتر بود. به کمک اکتشافات فناورانه، منابع انرژی جدید، ارزان و کم‌زحمت‌تری فراهم شده بودند؛ زغال‌سنگ، نفت و گاز. از طرف دیگر، علم مدون‌تر و متمرکزتر از قبل در کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها در دسترس نخبگان جمع‌آوری شده بود. جوامع از حالت قبیله‌ای به شهرها تغییر شکل دادند و به خاطر محدودیت‌های فیزیکی توسعه شهری و البته افزایش هزینه‌های زندگی، خانواده‌ها هسته‌ای (پدر، مادر و فرزندان) شدند.



پی‌نوشت‌ها

۱. در کلاس به‌عمد برای همه تحولات، تاریخ شمسی را هم می‌گوییم. به گمانم این‌طوری بچه‌ها بهتر ذهنیت پیدا می‌کنند و می‌توانند وقایع را با تاریخ خودمان هم انطباق زمانی بدهند.
 ۲. تمام آثاری که امروزه ما از یونان و روم باستان در اختیار داریم، در این دوره از رنسانس و در کمتر از ۷۰ سال از لاتین ترجمه و منتشر شدند.
 ۳. اساساً تعبیر امروزی «قرون میانی یا وسطا» (Middle ages) درباره سال‌های سلطه کلیسا از همین میل نشئت می‌گیرد؛ دوران سیاه تمدن غرب وسطا دو عصر به‌اصطلاح باشکوه آن (یونان و روم باستان و عصر مدرن).
 4. Humanism
 5. فیلسوف و منجم ایتالیایی قرن ۱۶ م که به خاطر داشتن عقاید ضدتعلیمات کلیسایی یا تأیید پاپ در رم سوزانده شد.
 6. Scientism
 7. Secularism
 ۸. مقصود از ویژگی‌های زندگی در هر عصر، آن ویژگی است که مطلوبیت اکثر جامعه را دارد، وگرنه همیشه استثنا یا اقلیت‌هایی وجود دارند که به اختیار خود یا الزام اجتماعی، هم‌چنان برخی از ویژگی‌های زندگی عصر پیشین را حفظ کرده باشند.
۹. کتاب موج سوم تافلر در ۱۹۸۰ م (۱۳۵۷ ش) منتشر شده است.



تربیت رسانه‌ای

حسین غفاری

معلم و پژوهشگر تربیت رسانه

روایت تفکر، فرهنگ و تمدن؛ از آغاز تا کنون

اشاره

کتاب خوب، ابزار کار معلم هوشمند است. ارجاع دادن دانش آموزان به منابع خوب مکتوب برای تعمیق یادگیری و ارتقای فهم بچه‌ها در عصر رسانه‌های پر زرق و برق مجازی می‌تواند دستاوردهای متعددی در آموزش سواد رسانه‌ای داشته باشد. در این بخش یکی از این منابع خوب را به شما معرفی می‌کنیم.

ایرانی و ترک تبیین می‌کند و نگاهی دارد به جریان‌های فکری جهان اسلام، دانش و نظام علمی در تمدن اسلامی، هنر و ادبیات اسلامی تا دوران صفوی.

در دو جلد پایانی این مجموعه، یعنی «**این عصر قرمز است**» (از مدرنیته تا جنگ جهانی دوم) و «**در جهت عکس حرکت کن**» (از اعتراض‌های مدرن تا کنون)، اتفاقات ایران و جهان معاصر به‌مرور بررسی می‌شوند و موضوعاتی مثل ظهور روشنفکری در ایران، شروع داستان مشروطه‌خواهی، از مشروطه تا جمهوری رضاخان، نهضت‌های مردمی و انقلاب اسلامی و همچنین رخدادهای جهان در فاصله دو جنگ جهانی و چگونگی ظهور امپریالیسم آمریکا و جنگ سرد به شیوه‌ای ساده تبیین می‌شوند.

این مجموعه پنج‌جلدی، برخلاف کتاب‌های متداول تاریخی که تمرکزشان بر پادشاهی‌ها و جنگ‌ها و سلطان‌هاست، به موضوعات فرهنگی و تمدنی در هر دوره پرداخته و به نقش اندیشه و فرهنگ در شکل‌گیری تمدن‌ها نگاهی عمیق می‌کند. برقراری اتصال زنجیروار بین اندیشه‌های عالمان و رویکردهای عملی حاکمان در هر عصر و زمانه‌ای از نقاط قوت این کتاب‌هاست.

از آنجا که اولین گام در تربیت رسانه‌ای، آگاهی عمیق نسبت به جهان فناوری و دنیای رسانه‌هاست که همگی زاینده تمدن غربی هستند، مطالعه جلد‌های اول و سوم این مجموعه برای آشنایی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم با چیستی و چگونگی تمدن غرب بسیار مفید و راهگشا خواهد بود.

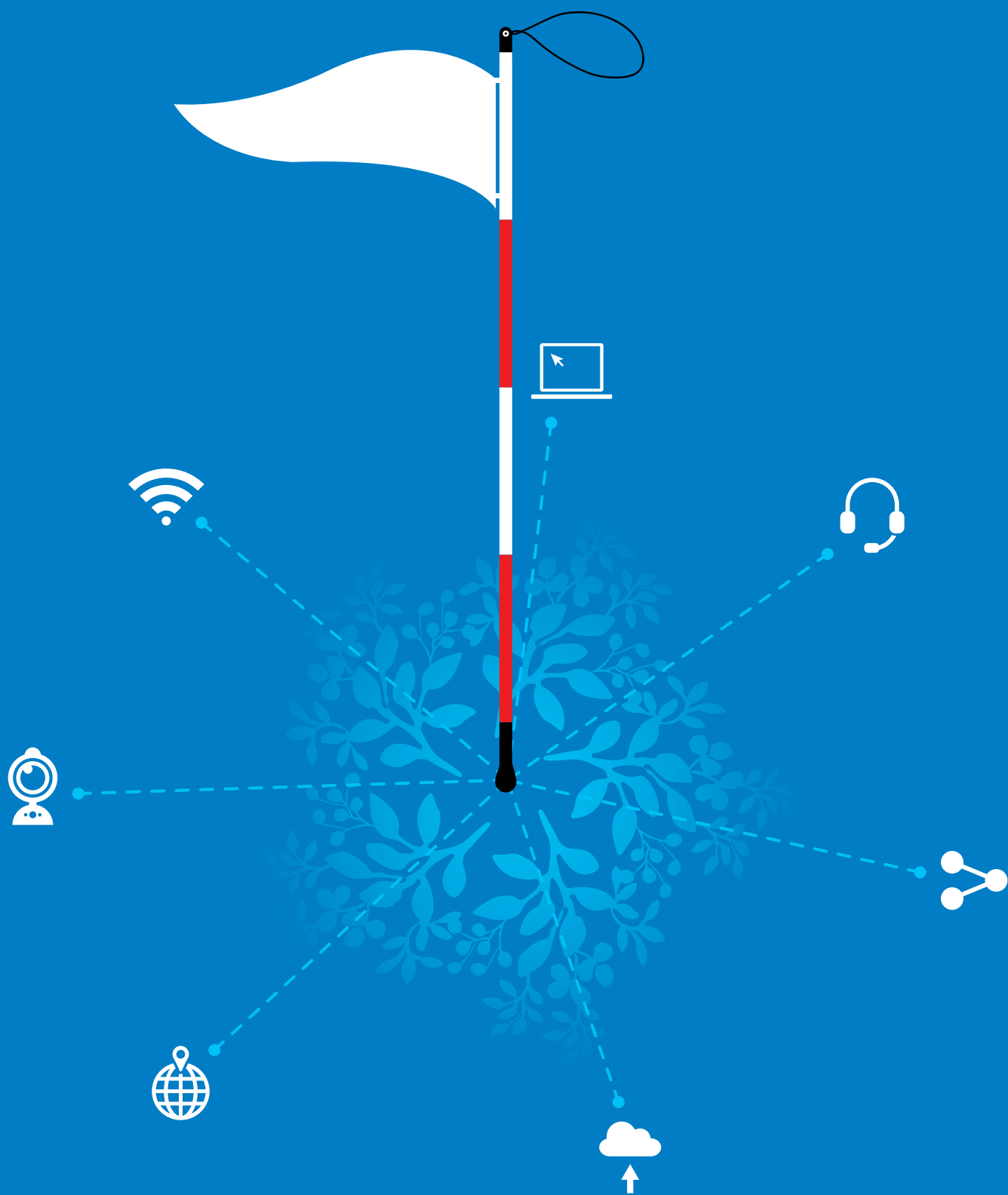
این مجموعه کتاب‌ها در سامانه کنترل کیفیت منابع آموزشی و تربیتی مکتوب samanketab.roshd.ir نیز برای ورود به مدرسه‌ها تأیید شده‌اند.

انتخاب و معرفی منابع خوب برای تعمیق فهم دانش‌آموزان در موضوعات مهم اندیشه‌ای و تاریخی از ضرورت‌های تدریس سرفصل‌های علوم انسانی در مدرسه است. مجموعه پنج‌جلدی کتاب‌های «روایت تفکر، فرهنگ و تمدن از آغاز تا کنون» کاری از دفتر نشر معارف است که اولین بار در سال ۱۳۹۱ منتشر شده و جمعی از نویسندگان کار جمع‌آوری و تنظیم آن را بر عهده داشته‌اند.

با مطالعه این مجموعه کتاب که روی هم رفته حدود هزار صفحه دارد، یک دور با تاریخ غرب از یک سو و تاریخ ایران و اسلام از سوی دیگر آشنا می‌شویم.

جلد اول «**آسمان به زمین الصاق شد**» (از آغاز تا پایان قرون وسطا) و جلد سوم «**من به قدرت رسیدم**» (از رنسانس تا روشنگری) به شکل خلاصه و جذاب مروری بر تاریخ غرب از یونان و روم تا میلاد مسیح (ع) و از مسیحیت تا تمدن مسیحی دارد و دین و کلیسا، جنگ‌های صلیبی، معماری و موسیقی غرب را در این دوران تحلیل می‌کند. سپس با تشریح آغاز رنسانس، چگونگی فاصله گرفتن دنیای غرب از فضای دین و کلیسا را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد کلیسا چگونه قدرت خود را از دست می‌دهد و با جدایی از اندیشه‌های خدامحوری، دوره جدیدی از هنر و ادبیات، نقاشی و نگارگری، هنر و فرهنگ، اقتصاد و صنعت شکل می‌گیرد.

جلد دوم «**دوباره به آسمان نگاه کن**» (از ظهور اسلام تا تمدن اسلامی) روایتی است از فرهنگ و تمدن اسلامی که با استناد به منابع معتبر دینی و تاریخی، روند شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی را از زمان بعثت رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه و آله، پیدایش جامعه اسلامی، خلافت امویان و عباسیان، حکومت خاندان‌های مسلمان



۲۳ مهر روز جهانی عصای سفید



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی



فراخوان دوازدهمین جشنواره ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشت



موضوعات جشنواره در گروه‌های سنی:

الف) هنرمندان بزرگسال:

۱. مدرسه، خانه دوم

محورها:

الف) موقعیت‌های متنوع تربیتی (مناسبت‌ها، مراسم، اردوها و جشن‌ها)؛
ب) اتفاقات و رخداد‌های جالب مدرسه

۲. نهاد خانواده

محورها:

الف) مدرسه و خانواده؛ ب) مسجد و خانواده؛ ج) مدرسه، مسجد و خانواده.

۳. کتاب درسی

محورها:

بازآفرینی تصویری: الف) قصه‌ها، شعرها و...؛ ب) فعالیت‌های علمی؛
ج) سرزمین پرگهر ایران (بناهای تاریخی، مناسبت‌های ملی و دینی،
محیط زیست، حیات وحش، طبیعت، آیین‌های قومی و منطقه‌ای و...).
نکته: رویکرد جشنواره، استفاده مناسب از آثار برگزیده در تکمیل
بسته‌های تربیت و یادگیری وزارت آموزش و پرورش است.

۴. بخش جنبی

۱. شعر سال (تولید؛ دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین).

۲. مهدویت.

ب) هنرمندان دانش‌آموز:

۱. آزاد

۲. کتاب‌های درسی. تمام موضوعات و رخدادها در همه گونه (ژانر)های

عکاسی و تصویرسازی که مستقیم یا غیرمستقیم با کتاب‌های درسی ارتباط
داشته باشند.

نشانی دبیرخانه جشنواره

تهران، خیابان انقلاب، خیابان بهار، خیابان سمنان، پلاک ۸
برای کسب اطلاعات بیشتر به وبگاه جشنواره به نشانی
www.roshdmag.ir مراجعه کنید یا با شماره
۷۷۶۰۶۸۵۸ تماس بگیرید.

با پوشش رمزینما مقابل به اطلاعات مربوط
به مقررات، جوایز و امتیازها را دریافت کنید.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی از عکاسان و
تصویرگران سراسر کشور برای شرکت در دوازدهمین جشنواره
ملی دوسالانه عکس و تصویرگری رشد دعوت به عمل می‌آورد.
این جشنواره از تصویرگران و عکاسان محترم دعوت می‌کند
با نگاه خلاقانه خود، بر اساس موضوعات جشنواره، لحظاتی
به یادماندنی و تأمل برانگیز را به تصویر بکشند و با هنر خویش
درچه‌ای نو به روی مخاطبان بکشایند. نگرش اندیشمندانه و آثار
هنرمندانه شما غنابخش جشنواره خواهد بود.

محورهای برشمرده این دوره از جشنواره، بر فضاسازی
مدرسه‌های امروزی، روش‌های نوین آموزشی و نیازهای
تصویری مجلات رشد، کتاب‌های درسی و عموم منابع آموزشی
و تربیتی تمرکز ویژه دارند. عکاسان و تصویرگران می‌توانند در
دو گروه سنی در این جشنواره شرکت کنند:

۱. هنرمندان بزرگسال: الف) عکاسان و تصویرگران حرفه‌ای؛ ب) معلمان و مربیان.

۲. هنرمندان دانش‌آموز: دانش‌آموزان ۱۳ تا ۱۸ ساله.

تبصره: معلمان و مربیانی که در سمت‌های اداری آموزش و
پرورش هستند، مشمول گروه ۱ (ب) می‌شوند.